



حضرت آیت ا... العظمی خامنه ای (حفظه الله تعالی) :
 تحول هر سال جدید شمسی که مصادف با نوای تحول در
 عالم طبیعت می باشد، فرصتی است برای اینکه انسان به
 تحول درونی خود و به اصلاح امور روحی و معنوی، فکری
 و مادی خود بپردازد و این دعای شریفی که در آغاز سال
 می خوانیم، درس همین تحول است. در این دعا از خدای
 متعال درخواست می کنیم که در حال ما و در وضعیت روحی
 و نفسانی ما یک تحول و دگرگونی مبارکی ایجاد کند.

صاحب امتیاز: مؤسسه مهد قرآن کریم و ولایت استان اصفهان

مدیر مسئول: حسین خاکساری هرنندی

سر دبیر: محمد افشار

هیئت تحریریه و شورای علمی:

دکتر نرگس عطریان، دکتر زهرا محققیان، مهناز بیات

مدیر اجرایی: مرضیه مقضی

طراحی و صفحه آرایی:

کانون آگهی و تبلیغات چهارده ۰۹۱۳۱۲۵۲۷۶۶

چاپ: سینا ۰۳۱-۳۲۶۵۳۹۴۹

نشانی دفتر نشریه:

اصفهان، خیابان سروش، چهار راه عسگریه، کوچه محمدی،

پلاک ۵، دبیرخانه فصلنامه زلال

تلفن: ۰۳۱-۳۲۲۸۵۴۰۶ **دورنگار:** ۰۳۱-۳۲۲۸۵۴۰۶

صندوق پستی: ۸۱۶۳۸-۹۳۱۱۳

ایمیل: zolal.mahdgh@yahoo.com

سایت مؤسسه مهد قرآن کریم و ولایت: www.mehad.org

از عزیزان اهل قلم همچون :

دکتر مصطفی ادیب، استاد غلامرضا شاه میوه

دکتر فرهاد زمانی، مهرداد بهشتی، مجتبی

عطریان، حسین فصیح فر، سیدمجتبی آل علی

دکتر نرگس عطریان، دکتر زهرا محققیان،

اکرم جمشیدیان، مهناز بیات، مرضیه جلوانی،

سمانه علی بالایی، هاجر بنایی، فاطمه طاهری،

فهمیه کریمی، الهه محققیان، سمیرا موسایی

راضیه باباخانی، مهناز غفوریان، المیرا شاهان،

زینب صناعی، ماندانا بخشی، زهرا شکوهی،

طاهره سادات سیدناری، مریم غازی و زهرا نظری

که در تهیه محتوای این مجله

ما را یاری رساندند کمال تشکر را داریم.

فهرست مطالب

جرم گیری دندان.....	۳۱	سخن فصل.....	۲
لبخند فرزندان، آرامش سالمندان.....	۳۲	ترنم وحی.....	۳
پرچم دار بزرگ اخلاق.....	۳۴	شیعه خوش پوش.....	۴
کلینیک کودک.....	۳۸	دیابت.....	۶
شخصیتان را محک بزنید.....	۳۹	معرفی تفسیر مشکلات.....	۸
نوروز اسلامی.....	۴۰	زودپزهای امروزی.....	۱۰
سیره ی تربیتی حضرت فاطمه زهرا علیها سلام.....	۴۲	طلاق عاطفی.....	۱۲
قصه های پدر بزرگ.....	۴۴	شعار نمی دهیم.....	۱۵
خاصیت آدم ها.....	۴۶	نهیض اخلاقی.....	۱۶
تا خدا فاصله ای نیست.....	۴۸	مسافران.....	۱۸
اشتباهات رسم الخط قرآن عثمان طه.....	۵۰	بازخوانی جایگاه ترتیل خوانی قرآن.....	۲۰
سؤالات کلیدی قبل از ازدواج.....	۵۳	دو راهی تباهی و سعادت.....	۲۲
سرطان.....	۵۴	زیرسایه عنکبوت سیاه.....	۲۴
اتحادیه مؤسسات و مراکز قرآنی به روایت تصویر.....	۵۶	اطعام خانواده ی داغدار.....	۲۷
مؤسسه مهد قرآن در یک نگاه.....	۵۸	مصاحبه آقای دکتر نیکدستی.....	۲۸
جدول.....	۵۹	خانواده ی آسمانی، خانواده ی اینترنتی.....	۳۰
فراخوان.....	۶۰		



خداوندا درون سینه قلبی شکسته از غم زمانه دارم،
 اما بی کینه و سرشار از عشق و محبت تو،
 قلبم را متبرک گردان تا برای تو و خلق تو بتپد،
 قلبی که از شادی دیگران، شاد شود،
 و رنج دیگران را رنج خود بداند،
 از روزی که چشم گشودم، به هر کجا که می نگرم،
 نشانی از عظمت و بزرگی تو معبود یگانه ام می بینم،
 مرا چشمهایی عطا کن تا با اشک دیگران اشک بریزد و با لبخند دیگران بخندد،
 خدایا... دستان خالیم به سوی تو معبود مهربانم و در پیشگاه توست
 مرا لیاقتی عطا کن، تا دستانم، دستی باشد از جانب تو،
 و در خدمت خلق تو و پایم در راه تو و در جهت خشنودی تو و شادی خلق تو گام بردارد،
 مرا آنگونه شکل بده و بساز که نماینده تو و خوبی های تو بر روی زمینت باشم.

آمین یا رب العالمین

سخن فصل

زمستان نمی تواند بعد از تحویل سال باز هم بماند و به سرمای خود ادامه دهد، حتی اگر بهار کوتاه بیاید بنفشه ها و پرستوها این اجازه را نمی دهند. علف ها از زمین سر می زنند و شکوفه ها بر سر درختان ظاهر می شوند تا میوه های تازه ای را به بار آورند و نغمه های پرندگان زمزمه ایست در گوش زمین و زمینیان. بهار به جلو می رود و زمستان دور می شود چرا که تقدیر او رفتن و دور شدن است. مهم نیست که تا الان چقدر سختی کشیده اید. مهم نیست چه اشتباهاتی که نباید صورت می گرفت انجام داده اید. مهم این است که هر چه بوده، رفته و با دور شدن زمستان آنها هم از ما دور خواهند شد. با بهار جدید در لحظه تحویل سال باید انسانی دگر شد باید از سختی ها و زمستان سرد دور شد. با تولد دوباره طبیعت باید قلب و دیده ها نو شود. و حال ما به بهترین حال برگردد. که همان مصداق یا مقلب القلوب و الابصار، حول حولنا الی احسن الحال می باشد. خرسندیم که با تحول سال نو توانستیم مجله زلال را به شما تقدیم کنیم تا شاید سهمی در تولد دوباره زندگی تان داشته باشیم. امید بر آن است که این مجموعه در سال جدید بتواند در زمینه های فرهنگی تولدی بهاری را برای خوانندگان خود به ارمغان آورد.

سردبیر





یکی از مسائلی که همواره ذهن بسیاری از انسانها را به خود مشغول داشته و حتی برای بسیاری به عنوان دغدغه اساسی زندگی مطرح است، مسئله پوشش و لباس فردی و جمعی است. در اصلاح، احیاء و تحقق ارزشهای والای دین و انسانیت، لباس نیز یکی از ارکان مهم تلقی می‌گردد. بدین سبب برای حصول اهداف عالییه تربیتی و ترقی در مسیر کمال، لباس و پوشش نیز باید بسان سایر خط و خطوط عرصه های اجتماعی ایفای نقش نموده و به جامعه، خط و خطوط کامل و استواری را بر اساس دین و انسانیت ارائه نماید. این موضوع زمانی اهمیت خود را نمایان می‌سازد که بدانیم در زبان و سیره معصومین، در باب پوشش و لباس، روایاتی وجود دارد که حاکی از دقت ایشان بدین امر بوده و حتی به نهایت ظرافت و دقت ایشان در این امر نیز اشاره دارد. بطور کلی با تفحص در این روایات می‌توان آن‌ها را متناسب با دوران امروز به انواع دسته‌های زیر تقسیم بندی نموده و از آنجا معیارها و آداب ظاهر و پوشش اسلامی را در زبان ائمه دریافت.

شبهه‌های خوش پوش‌ای

زهرا محقیان

ویژگی لباس مناسب

مهم ترین امر در پوشش اسلامی، آشنایی با ویژگی‌های لباس مناسب از منظر دین است. در این رابطه امام صادق 7 می‌فرمایند: بهترین لباس ظاهری برای مؤمن، لباسی است که «خفیف المئونه» باشد و به آسانی تحصیلش میسر باشد و قیمتش سبکتر باشد، چرا که هر چند لباس به حسب قیمت، سبکتر باشد، دغدغه‌های کمتری را به دنبال خواهد داشت (الکافی، ج ۲، ص ۲۴۱).

همچنین ایشان می‌فرمایند: بهترین لباس، لباسی است که، بنده را از خدا غافل نکند و به ذکر و شکر نزدیک نماید. یا در حدیث دیگری آمده: بهترین لباس، لباسی است که به عجب و ریا نکشاند و مقصود از آن، زینت و تفاخر نباشد. چرا که کمال انسان و زینت او، در حسن باطنی و زینت روحانی است، نه جسمانی و نیز می‌باید لباسی باشد که منجر به کبر و عجب نگردد چراکه عجب و ریا و کبر، مهلکات دین و مخرب آخرت هستند. بنابراین به حکم «خیر الامور اوسطها» به لباسی که نه در نهایت نعومت باشد و نه در غایت خشونت، اکتفا باید نمود.

همیشه آراسته و شیک پوش باش

معیار مهم دیگر در منظر ائمه پیرامون بحث پوشش و لباس، توجه به تمیزی و زیبایی آن است. از حضرت صادق 7 نقل شده: ابن عباس چون امیرمؤمنان او را بسوی خوارج فرستاد، بهترین لباسش را پوشید، و عالیترین عطرها را بکار برد و بر بهترین مرکب‌ها نشست و بسوی آنها به راه افتاد، تا با آنان روبرو گشت، خوارج گفتند: تو بنظر ما بهترین مردمی، از چه رو با لباس و مرکب جباران آمده‌ای؟ ابن عباس این آیه را بر ایشان بخواند: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» «بگو چه کسی زینت‌ها و روزی‌های طیب را که خداوند برای بندگانش بر آورده حرام مینماید» (سوره اعراف آیه ۳۰)، من می‌پوشم و تجمل می‌کنم، که خداوند جمیل است، و جمال را دوست می‌دارد، ولی باید

از حلال باشد. در حدیث دیگری اسحاق بن عمار گوید: از امام در باره مردی که مال دار است، و تجمل دارد، و لباس‌های بسیار، جبه‌ها و طیلسان‌ها و قمیص‌ها می‌پوشد و بدانها خود را می‌آراید، آیا این مرد مسرف است؟ فرمود: «هر کس که زندگیش وسعت دارد بقدر توانایی خرج کند»

(سوره طلاق آیه ۷) (مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص ۱۸۶).

همچنین از امام صادق 7 نقل شده: مردی بر در خانه پیغمبر 6 آمد، و اجازه ورود خواست، پیغمبر 6 بیرون شد و در حجره ظرف آبی یافت، حضرت در برابر آن ایستاد و صورت خود را در آن میدید و محاسن خود را منظم می‌کرد؟ وقتی باندرون بازگشت، عایشه گفت: یا رسول الله! تو برترین فرزندان آدم و پیامبر پروردگار جهانی، در برابر ظرف آب می‌ایستی، و موی سر و صورت را مرتب می‌کنی؟! حضرت فرمود: ای عایشه خداوند دوست دارد که وقتی بنده مؤمن بسوی برادر مؤمنش می‌رود آراسته باشد (مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص ۱۸۴).

لباس زیاد، اسراف نیست

سومین ویژگی حائز اهمیت که از روایات ائمه می‌توان دریافت، تنوع لباس، البته به اندازه وسع و توان آدمی است و آنچه از کلام ائمه : استنباط می‌شود، نه خساست در این امر، بلکه حتی کثرت تنوع با توجه به توان آدمی است. در این رابطه اسحق بن عمار گوید: بحضرت صادق 7 گفتم: مؤمن می‌تواند دو دست لباس داشته باشد؟ فرمود: آری و همین طور تا بیست جامه پرسیدم؟ فرمود آری، و این اسراف نیست، اسراف آنست که لباسی را که برای مهمانی و حفظ آبروست در خانه و وقت کار بپوشی. در حدیث دیگری ابی اسحاق گوید: از امام صادق 7 پرسیدم مؤمن می‌تواند صد دست لباس داشته باشد؟ فرمود: آری. (مکارم الأخلاق-ترجمه میرباقری، ج ۱، ص ۱۸۶).

لباس زمان خود را بپوش

از دیگر معیارهای حائز اهمیت در بحث لباس، تناسب با عرف جامعه، البته هماهنگ با موازین شرعی است. یعنی

لباس مناسب، لباسی است که ضمن حفظ ویژگی اساسی خویش (پوشانندگی بدن) و نیز تطابق با آموزه‌های دینی در بحث میزان و اندازه پوشش، هماهنگ با عرف و فضای جامعه نیز باشد. به عنوان نمونه می‌توان به روایت زیر اشاره نمود که در آن، حماد بن عثمان به محضر امام صادق 7 شرفیاب شد. مردی را دید که به زبان انتقاد به حضرت عرض کرد: خداوند به خیر و صلاح رهبری فرماید. شما می‌گفتید که علی بن ابیطالب لباس خشن می‌پوشید، پیراهن چهار درهمی و همانند آن بر می‌کرد و هم اکنون می‌بینیم که خود شما لباس تازه‌ای غیر از آنچه جدتان می‌پوشید به بر دارید. حضرت در جواب فرمود: علی 7 آن لباس را زمانی می‌پوشید که در نظر مردم قبح و زندقی نداشت و اگر امروز آن لباس را در بر می‌کرد نامانوس و غیر عادی بود و به آن شهرت می‌یافت. بهترین لباس در هر زمان لباس اهل آن زمان است. یا در حدیث دیگری سفیان ثوری گوید: به حضرت صادق 7 گفتم: شما روایت می‌کنید که علی 7 لباس خشن می‌پوشید، و شما لباس قوهی و مروی (دو پارچه قیمتی منسوب به قهستان و مرو) می‌پوشید؟! حضرت فرمود: وای بر تو، امام علی 7 در زمان تنگدستی مردم زندگی می‌کرد، ولی چون روزگار فراخی رسید،

نیکان زمانه به آن شایسته‌ترند (مکارم الأخلاق-ترجمه میر باقری، ج ۱، ص ۱۸۴).

عبدالله بن سنان گوید: از امام

ششم 7 شنیدم که در حال

طواف مردی جامه‌ام را کشید،

برگشتم دیدم عباد بصری

است گفت: ای جعفر بن

محمد این چنین لباس

(قیمتی) می‌پوشی، با

آن نسبتی که با علی 7

داری؟! گفتم: وای بر تو!

این جامه کوهی است

که بیک دینار و خرده‌ای

خریده‌ام، و علی 7 در

زمانی بود که مناسب آن

زمان، همان گونه جامه بود

که می‌پوشید، و اگر من در

این زمان چنان لباسی بپوشم،

مردم خواهند گفت: این آدم

ریاکاری است. (مکارم الأخلاق-ترجمه

میر باقری، ج ۱، ص ۱۸۵).

در حدیثی از حضرت رضا 7

نیز رسیده: یوسف 7 لباس دینا



بهترین لباس، لباسی است که به عجب و ریا نکشاند و مقصود از آن، زینت و تفاخر نباشد. چرا که کمال انسان و زینت او، در حسن باطنی و زینت روحانی است، نه جسمانی

پوشیدن لباس شهرت ممنوع

آخرین معیار مهم در بحث لباس از نظر پیشوایان دین اسلام، ممانعت از پوشیدن لباس شهرت است. روایت زیر، علاوه بر آنکه لباس شهرت را تعریف و معین می‌نماید، به قبح و جایگاه مبغوض آن نیز اشاره می‌نماید.

امام ششم 7 فرمودند: برای خواری انسان همین بس که لباس غیر معمول و انگشت نما بپوشد یا مرکب مشهور سوار شود و فرمود خداوند لباس شهرت را مبغوض می‌دارد. گفته‌اند که عباد بصری بر

حضرت صادق 7 در آمد، و لباس شهرت به تن داشت، امام 7 فرمود: ای عباد!

این چه لباسی است؟ عرضه داشت: آیا

این لباس را برای من عیب می‌دانید،

فرمود: آری پیغمبر 6 فرمود: هر

کس در دنیا لباس شهرت بپوشد

خداوند در قیامت بر او لباس

ذلت خواهد پوشانید. از حضرت

موسی بن جعفر 7: چیزی در

نزد خدا مبغوض تر از لباس

شهرت نیست (مکارم الأخلاق-ترجمه

میر باقری، ج ۱، ص ۲۱۹). در حدیث

دیگری از حضرت صادق 7

وارد شده که: خداوند دو شهرت

را مبغوض می‌دارد، یکی شهرت

به لباس و یکی شهرت به نماز.

(مشکاة الأنوار، ترجمه عطاردی، ۳۰۲).

منابع:

• الکافی، کلینی، ۱۳۶۵، تهران: اسلامیة.

• مشکاة الانوار فی غرر الأخبار، فضل بن

حسن حنفی‌شیر طبرسی، ۱۳۸۵، ترجمه

عزیزالله عطاردی، تهران: عطارد

• مکارم الأخلاق، شیخ حسن طبرسی،

۱۳۷۰ ش، ترجمه میرباقری، قم: شریف‌رضی



دِباب با اعصاب ما چه می‌کند؟

مهر داد کورنگ بهشتی
مدیر کلینیک تخصصی سلامت آریانا

و ساز گلوکز اختلال جدی پیدا می‌کنند. کلید ورود گلوکز به داخل سلول، هورمونی شناخته شده و معروف به نام انسولین است. در گروههایی از این بیماران ترشح یا عملکرد انسولین ناقص یا مختل است و در اکثریت آنان نوعی مقاومت عملکرد انسولین وجود دارد که باعث اختلال در سوخت و ساز گلوکز می‌شود. دیابت عوارض جدی و کشنده یا ناتوان کننده ای مانند نوروپاتی (آسیب کلیه)، رتینوپاتی (آسیب شبکیه چشم)، قطع عضو، اختلالات قلبی و عروقی و موارد متعدد آسیب به سایر اندامها را دارد که در مطلب جداگانه ای در شماره های آینده بدان پرداخته خواهد شد.

موردی که در این شماره و مطلب به صورت جدی تری بدان اشاره خواهد شد، نوروپاتی دیابتی یعنی آسیب به سیستم اعصاب و اختلال در عملکرد مغز است که هم تبعات جسمی شدید دارد و هم تبعات روحی - روانی گسترده یی به دنبال خواهد داشت. دیابت از چندین راه به سیستم عصبی آسیب می‌رساند. برای مثال مویرگهای ریز تغذیه کننده اعصاب و بافت عصبی به علت التهاب و سخت شدن دیواره مویرگی بر اثر عوارض دیابت به تدریج از بین رفته، یا مسدود میشوند و به هر طریق قادر به خون رسانی به

در بیماران دیابتی است. نوروپاتی دیابتی یکی از علل اصلی قطع عضو و پیشرفت گانگرن و عفونت از دیابت است. از سوی دیگر سیستم اعصاب مرکزی و به صورت مشخص مغز تنها از گلوکز به عنوان ماده غذایی و تأمین کننده انرژی بهره می‌برد بنابراین اختلال در سوخت و ساز تنها منبع انرژی سلولهای عصبی مرکزی، نوروون ها، به معنای اختلال کلی در عملکرد این سیستم است. مغز ساختاری بسیار پیچیده، پیشرفته و در هم تنیده است که وسعت اطلاعات مبادله شده درون آن و مکانیسم های ناشناخته عملکردی آن باعث شده است هنوز به طور دقیق نتوانیم میزان آسیب های وارده به آن را به درستی شناسایی کنیم. ولی قدر مسلم این است که وقتی اندامی تا این حد پیشرفته، تخصصی و حساس از اصلی ترین ماده غذایی و منبع انرژی خود، محروم شود چه تبعات سنگینی حادث خواهد شد. از جنبه جسمی، عدم کنترل بیماری و مقادیر افزایش یافته قند خون مخصوصاً وقتی به سطوح بالا برسد، مستقیماً اثر توکسیک و سمی بر روی سلولهای مغزی دارد. دو نوع کمای شایع در بیماران دیابتی یعنی کمای هایپرآسمولار که در حضور مقادیر بالای قند خون معمولاً بالاتر از ۵۰۰ میلی گرم در دسی لیتر رخ میدهد و باعث کمای و اغماء عمیق بیمار میشود و نوع دوم یعنی کمای ناشی از کتواسیدوز دیابتی که بسیار خطرناکتر بوده و در سطوح ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلی گرم در دسی لیتر رخ میدهد، تنها گوشه ای از خطرات کشنده و بالقوه افزایش قند خون و بیماری دیابت است. نکته حایز اهمیت در نوع دوم اغمای دیابتی یعنی کتواسیدوز این است که سطوح قند خون ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلی گرم در دسی لیتر را تقریباً تمامی بیماران دیابتی تجربه کرده اند.

این بدان معنی است که تمامی بیماران دیابتی و با تأکید مجدد، تمامی بیماران دیابتی در معرض این نوع اغمای شدید و کشنده قرار دارند. این نوع اغما و آسیب مغزی که در اثر کاهش PH خون و اسیدی شدن آن به علت افزایش تولید کتونها

ناشی از سوخت و ساز ناقص اسیدهای چرب رخ می دهد بالقوه در تمامی بیماران دیابتی وجود دارد و زمینه های بروز آن در هنگام افزایش فعالیت بدون برنامه ریزی صحیح مانند ورزش کردن بی برنامه یا در هنگام استرس های شدید عصبی مانند فوت نزدیکان بسیار بیشتر می شود، یعنی زمانی که نیاز بدن یا سیستم اعصاب به قند و انرژی افزایش پیدا میکند اما یا قند در دسترس نیست یا جذب آن مختل است. در این هنگام سلولها با متابولیسم ناقص اسیدهای چرب زمینه تولید کتونها که موادی سمی بوده و نمونه معروف آن به نام استون (حلال لاک ناخن) است را فراهم می کنند که ازدیاد آن باعث کما (اغماء) و در صورت عدم درمان مرگ می شود. در این جا این نکته را نیز می توان مطرح کرد که اگر چه مقادیر زیاد کتون ها یا استون باعث آسیب شدید و جدی مانند اغمما می شوند، اما مقادیر کم آن عملاً نوعی مسمومیت مداوم ولو خفیف ایجاد می کند که خود یکی از عوامل خستگی جسمی و روحی بیمار است. از این رو هنگامی که برنامه ی درمانی با محوریت اصلاح شیوه زندگی

اصلاح شیوه زندگی (LIFE STYLE MODIFICATION) جنبه های مختلف شامل مسائل پزشکی - تغذیه - روانشناسی و تربیت بدنی را درمان و کنترل مینماید یکی از اولین فواید و نتایج مثبت آن همین کاهش یا برطرف شدن خستگی های جسمی و روحی روزانه است. به عبارت دیگر احساس سبکی و حس خوب داشتن پس از شروع درمان خود به تقویت اراده و اهتمام درمان کامل بیماری کمک می نماید و انرژی لازم برای تکمیل و پیگیری درمان را فراهم می نماید تا در ادامه مسیر درمان و کنترل بیمار به مرحله ای برسد که دیگر نگران عوارض بیماری نباشد. در این مرحله در واقع می توان به نقطه ای رسید که زندگی و آینده بیمار با افراد غیر بیمار تفاوتی نخواهد داشت. امیدواریم که بتوانیم در رابطه با این موضوع و جنبه های روحی و مغزی این گروه از بیماری ها در شماره های آینده نیز مطالبی سریالی به سمع خوانندگان عزیز برسانیم.



**نوروپاتی دیابتی
یعنی آسیب
به سیستم اعصاب
و اختلال در عملکرد
مغز است که هم
تبعات جسمی
شدید دارد
و هم تبعات روحی
روانی گسترده یی
به دنبال خواهد
داشت.**

بیانات حضرت آیت الله العظمی مظاهری در جلسه حضوری با استاد دکتر محمدعلی انصاری (در خصوص تفسیر ترتیبی مشکات، اثر استاد دکتر محمدعلی انصاری):



معرفی تفسیر مشکات

۱- آنچه مقدم است بر همه این فعالیت‌های شما تکمیل این تفسیر (مشکات) است که بر همه کارهای شما افضل باشد و آنچه من درخواست داشتم کامل شدن این تفسیر می باشد.

۲- قطعاً این خدمات شما به قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه از الطاف و عنایات خداوند است که شامل شما شده است و برخوردار از دعای آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. امیدوارم برای شما و ما یک باقیات و صالحات باشد.

۳- امیدوارم شما بعد از تکمیل این تفسیر (مشکات) موضوع شرح زیارت جامعه کبیره با همین همت و توفیقی که دارید شروع کنید. دیگران در طول تاریخ بیش از ۲۰ شرح بر آن نوشته اند ولی تقاضا دارم شما نیز شرح فرمایید. چون این زیارت جامعه یکی از مجموعه زیاراتی است که هر آنچه را شیعه بخواد در آن است و یکی از پشتوانه های شیعه می باشد.

۴- لطف کمی نیست که شامل شما شده است در این مدت توانستید (تفسیر مشکات) سوره حمد و بقره را در ۶ جلد تمام کنید و در اختیار مردم قرار دهید، و سوره آل عمران را در دو جلد آماده چاپ کنید. این از عنایات ویژه ای است که نصیب شما شده است.

۱- آنچه مقدم است بر همه این فعالیت‌های شما تکمیل این تفسیر (مشکات) است که بر همه کارهای شما افضل باشد و آنچه من درخواست داشتم کامل شدن این تفسیر می باشد.

۲- قطعاً این خدمات شما به قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه از الطاف و عنایات خداوند است که شامل شما شده است و برخوردار از دعای آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. امیدوارم برای شما و ما یک باقیات و صالحات باشد.

۳- امیدوارم شما بعد از تکمیل این تفسیر (مشکات) موضوع شرح زیارت جامعه کبیره با همین همت و توفیقی که دارید شروع کنید. دیگران در طول تاریخ بیش از ۲۰ شرح بر آن نوشته اند ولی تقاضا دارم شما نیز شرح فرمایید. چون این زیارت جامعه یکی از مجموعه زیاراتی است که هر آنچه را شیعه بخواد در آن است و یکی از پشتوانه های شیعه می باشد.

۴- لطف کمی نیست که شامل شما شده است در این مدت توانستید (تفسیر مشکات) سوره حمد و بقره را در ۶ جلد تمام کنید و در اختیار مردم قرار دهید، و سوره آل عمران را در دو جلد آماده چاپ کنید. این از عنایات ویژه ای است که نصیب شما شده است.

شرحی در مقدمه تفسیر مشکات (استاد دکتر محمد علی انصاری)

ستایش پروردگاری را سزااست که با فروغ جاودانه قرآن، بشر را از ضلالت به هدایت تام مفتخر کرد؛ آن چنان که سیدالموحدين 7 درباره آن می فرمایند: «وَاعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يُعْشَى وَالْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ وَالْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ»

ارمغان نمی آورد. چه بسیار سخنورانی که سخن نو می گویند، اما کلام آنان یا مطابق واقعیت نیست یا مطابق حقیقت؛ به دیگر سخن، یا خلاف حق می گویند یا خلاف واقع که نتیجه هر دو کذب است. و رای همه این هیاهوهای ذهن آشوب، قرآن نو می گوید و اندک کذبی در آن راه ندارد و عین حق و واقعیت را آشکار می سازد.

با وجود این عظمت بی منتها و نورانیت بی اختفا، حضور کم رنگ قرآن در زندگی مسلمانان این عصر اسفانگیز است. حضور عینی و عملی قرآن در جوامع اسلامی جدی نیست و فاصله گرفتن از این سرمنشأ اصیل که کیان و ناموس جهان اسلام است، مشکل ریشه‌ای جامعه آشنا شود، دیگر فقر و فاقه‌ای در زندگی او رخ نه خواهد کرد. از آن سو، نا آشنایان با این کلام پر برکت هرگز نمی توانند ادعای بی نیازی از قرآن کنند؛ زیرا هنوز به آبخوری همیشه جوشان که عطش را به حقیقت فرو می نشاند، نرسیده اند:

وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَيَّ أَخَذَ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ وَلَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنَى وَبَدَانِيْدَ كَسِيٍّ رَأَى كَمَا بَقَرَانِ اسْتِ نِيَاْزِ نَبِيْدَ

پس باید شفاف خویشتن را در قرآن یافت که برای دردهای انسان بهترین دواست وَ نَنْزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ لَا يَزِيْدُ الظَّالِمِيْنَ اِلَّا خَسَارًا و ما آنچه را برای مؤمنان شفاء و رحمت است از قرآن نازل می کنیم، و آلی ستمگران را جز زیان نمی افزاید

پیشینه ارادت ورزی به حضرت قرآن بسی کهن است. در درازنای این سده‌ها، چه بسیار اندیشمندان و مفسرانی که در شعاع پر برکت اربابان هدایت، حضرات معصومین، در راه اعتلای کلام الهی و گسترش کیان دین کوشیده‌اند؛ اما این مهم در این سده اخیر نمودی چشمگیر به خود گرفته و بیش از هر زمان، بارقه وحی الهی درخشش یافته است.

استاد محمدعلی انصاری از زمره مفسرانی است که در توالی اندیشه‌ها و طبق آوری لمعات شکرشکن این ختام مسک برای ما امروزیان تشنه نشسته، نقشی شگرف

بردوش گرفته و پس از دیری نوشیدن، اکنون به نوشاندن دریافته‌ها همت گمارده است. انس دیرینه حضرت استاد با قرآن و بیان شیوا و اثرگذار ایشان در تفسیر کلام وحی و نگاه نکته سنجشان در تبیین حکمت‌های زندگی ساز این دست‌ورنامه سعادت زیستی، در سلسله مباحث تفسیری ایشان مشهود است. جای بسی خوشبختی است که توفیق الهی رفیق شد تا این شهید ناب تفسیری توسط ایشان به سبک نوشتار درآید و به زیور طبع آراسته شود تا ضیافت و رحمت الهی بر پیوندگان سر سپرده راه پروردگار تداوم یابد.

حضرت استاد به لطف سلطان سریر ارتضاء، حضرت علی بن موسی الرضا 7، با بهره‌گیری از منابع تفسیر به ویژه آیات کریمه وحی، تمام امکانات تفسیری را برای فهماندن آیه‌ها و پیام‌های آشکار و نهان آن به خدمت گرفته است. پرداختن به شیوه تفسیری ایشان از حوصله این نوشتار خارج است و پژوهشی درازدامن را سزااست؛ اما در این مقام، برخی ویژگی‌های روح نواز تفسیر پیش رو را که با نام مبارک مشكاة مزین شده، تقدیم می کنیم:

۱. مهم‌ترین ویژگی این تفسیر، کوشش در تبیین بُعد هدایتی قرآن یعنی هدف اصلی نزول است: (هدی للناس). حضرت استاد در این تفسیر فقط به کشف معنا و ذکر پاره‌های الفاظ و عبارات تفسیری صرف بسنده نمی کند؛ بلکه آن‌ها را درآمدي برای تبیین ابعاد هدایتی کلام خداوند قرار داده و مخاطب را از معبر لفظ به معنا و از معبر معنا به بلندای هدایت قرآن، سوق می دهد. ایشان حتی در پیچیده‌ترین آیات اعتقادی و فقهی و تاریخی، روح هدایتگری قرآن را در جان خواننده می نشاند و دشوار فهمی آن‌ها را به آسان‌یابی آموزه‌ها در فضایی ملموس بدل می سازد. در این تفسیر هیچ آیه‌ای در انزوا نیست تا مهر کهنگی و ملال بر دامن آن نشیند؛ بلکه بهجت و طراوت آن به عیان هویداست.

۲. ایشان در تفسیر خویشتن بر این تلاش است که خود گمشده انسان را به او یادآور شود و ارتباطی بس دلپذیر و تنگاتنگ میان آیات و فطرت انسانی برقرار سازد و پیام هدایتی آیات را با زیبایی‌های فطری

انسان درآمیزد که البته این، شیوه خود قرآن کریم است. از این روست که مخاطب این تفسیر پس از خواندن برگ‌هایی از این مجموعه، احساس نزدیکی و انس با قرآن می کند و لحظه به لحظه به فطرت پاک خویش نزدیک‌تر می شود. مفسر در این تفسیر دست خواننده را می گیرد و او را با تمام حالات و زیر و بم‌های وجود خویش آشنا می کند و آیه آیه قرآن را با روح و جان او پیوند می زند.

۳. این تفسیر که پرتو یافته از صفات رحمانیه و رحیمیه قرآن است، هم عموم مردمان را کفایت است و هم پژوهندگان را پاسخ گو، سعی وافر در این تفسیر بر آن بوده است که معارف بلند و حیانی در قالبی روان و فهم‌پذیر برای عموم مردم به زبان قلم درآید و البته این مشخصه به معنای چشم‌پوشی از طرح مفاهیم ژرف نیست؛ بلکه منظور، استفاده نکردن از الفاظ نا آشنا و اصطلاحات پیچیده است که راهبرد هدایتی قرآن نیز همین بوده است: (وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ) (و به یقین قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم).

۴. نگاه ویژه به روایات اهل بیت: در تبیین و روشنگری آیات وحی، جنبه برکت‌آفرین و پرمایه‌ساز مجموعه پیش روست. آن بزرگان، طبق حدیث ثقلین، عدل قرآن‌اند و گران‌بهارترین گنجینه‌های وحی نزد آنان است. البته مفسر فرزانه در استفاده از روایات، تنها به روایت‌های تفسیری اکتفا نمی کند؛ بلکه به فراخور بحث، از عموم احادیث و سایر سخنان گهربار حضرات معصومین :: در موضوعات و زمینه‌های گوناگون خوشه برمی چیند. در این راستا، تمامی روایات اعراب گذاری و ترجمه شده‌اند تا خواندن و فهم کلام بزرگان دین برای شیفتگان کلام وحی دست‌یافتنی تر باشد.

۵. از نکات درخشان این تفسیر، بهره‌گیری توانمندان از شعر قدیم و جدید و مباحث تربیتی و جامعه‌شناختی، به کارگیری براهین قطعی عقلی و علمی و شواهد تجربی و تاریخی است. چنین بینش جامعی قرآن را به صحنه زندگی انسان می آورد و «کَمَا تَجْرِي السَّمْسُ وَالْقَمَرُ» جاری و ساری می سازد.

۶. در این اثر گران سنگ، تناسب مقدار مطالب ارائه شده در هر بحث، به همان میزانی است که خداوند متعال به آن پرداخته است؛ به بیان دیگر، از تطویل و تفصیل‌های غیر ضروری که از هدف اصلی آیه و رسالت تفسیر به دور است، پرهیز شده تا میزان اهمیت دادن به هر موضوع، هماهنگ با میزان اهمیتی باشد که خداوند در قرآن بدان بخشیده است.

۷. جنبه بارز این تفسیر، نگاه ریشه‌ای مفسر به واژگان و سرچشمه‌های آن‌هاست. ایشان در بیان معنای واژگان تنها به معناشناسی واژه، بدون توجه به ریشه آن، نمی پردازد؛ بلکه ابتدا معنای ریشه لغت را می کاود و گاه با بیان برخی مشتقات دیگر آن، خواننده را گام به گام به معنای واژه مد نظر می رساند و آنگاه، معنای اصطلاحی را همراه با ارتباطی که با معنای لغوی دارد، بیان می کند. این واکاوی دقیق و ژرف یکی از پایه‌های گذرناپذیر تبیین کلام وحی و آشکارسازی مراد خداوند است. تزلزل استاد در منابع لغوی و تسلط ایشان به فقه اللغة موجب شده است که گاه پیام‌های هدایتی و تربیتی زیبایی از سیر واژه کاوی‌ها بیرون آید و بسیاری برداشت‌های نادرست از آیات قرآن رخت بریندد و پرده از اسرار نامکشوف کلام الهی کنار رود. البته به منظور اینکه

تفسیر برای پژوهندگان استفاده ی فزون تری داشته باشد، در پایان، از پیشگاه باری تعالی برای ایشان فزونی رتبت و علو منزلت مسئلت می کنیم. خداوند چشم ما را بر دوام نخل پُربار ایشان روشن و ما را در ارادت ورزی و خاکساری بر آستان قرآن، مستدام بدارد.



» باید به این نکته توجه کرد که غذاهایی

مانند فست فودها طعم خوبی دارند و اگر این غذاها حتی برای ماهی یک بار در برنامه غذایی افراد مخصوصاً کودکان و نوجوانان قرار بگیرد، ذائقه

و علاقه آن‌ها را عوض خواهد کرد، اما استفاده زیاد از ادویه جات و نمک که عامل بسیاری از بیماری‌ها در دنیای امروز است، در این غذاها سرشار است.

...حال باید چه کرد؟ در این دوران و با پیشرفت علم به نظر می‌رسد استفاده از رژیم‌های این چنینی که بسیار هم پرخطر هستند عقلانی به نظر نمی‌رسد، شاید ابداع فست فودهای سالم یا ابداع غذاهایی با درجه ارزش غذایی بالا و کم خطر می‌تواند کمک کننده باشد تا ذائقه‌ها تغییر کند و راهی باشد برای سالم‌تر ماندن و دور شدن از انواع سرطان‌ها تا شاید روزی نام ایران در صدر جدول کشورهای سالم قرار بگیرد.»

برای تهیه یک غذای سنتی چقدر زمان نیاز است؟ مثلاً قورمه سبزی؛ این غذا را اگر بخواهی به بهترین شکل درست کنی باید صبح زود برای درست کردن آن اقدام کنی اما اگر بخواهی غذایی مانند همبرگر تهیه کنی کافی است همبرگر آماده را از فریزر در بیاوری و آن را سرخ کنی؛ در بدترین حالت حداکثر ۱۰ دقیقه وقت نیاز است.

از ذائقه‌ها که فاکتور بگیری و انتخاب کنی که کدامیک از این دو غذا خوش مزه‌تر است، برای زندگی‌های امروز که وقت کافی نداری و وقتی از سر کار بر می‌گرددی می‌خواهی فقط معده خود را پر کنی مسلماً همبرگر را انتخاب می‌کنی.

درست است که دنیا و روزگار سخت است و کمتر آدمی پیدا می‌شود که زمان کافی برای پختن غذا داشته باشد

اما اگر نگاهی منصفانه‌تر داشته باشیم می‌بینیم که همه جای دنیا همین روال وجود دارد. اما در همین شرایط،



میان کشورهای در حال توسعه، بیشترین مازاد انرژی غذایی مربوط به کشورهای منطقه خاورمیانه است و تغییرات سریع در شیوه زندگی به ویژه الگوی غذایی و فعالیت جسمی ساکنین این کشورها به نوبه خود به افزایش سریع عوامل خطرزا و بیماری‌های غیرواگیر در این جوامع منجر شده است



افراد هستند که از تکنولوژی برای استفاده از غذاهای سالم استفاده می‌کنند؛ مثلاً بخارپز کردن سبزیجات چقدر زمان می‌گیرد؟ شاید هر روز نشود که غذاهایی مانند آبگوشت یا قورمه سبزی را خورد اما

غذاهایی که میزان سبزیجات در آن‌ها زیاد است از جمله غذاهایی است که هم سالم هستند و هم مدت زمان کوتاهی برای پخت آن‌ها نیاز است.

خوردن این غذاها کار ما ایرانیان را به جایی رسانده که بسیاری از مرگ و میرهای ما ناشی از سرطان دستگاه گوارش و معده شده، تا جایی که نزدیک است تا در دنیا به رتبه‌های تک رقمی در این خصوص دست پیدا کنیم. پژوهش‌ها نشان داده خوردن روزانه ۵۰ گرم سوسیس و کالباس، احتمال ابتلا به سرطان روده را که یکی از خطرناک‌ترین انواع سرطان‌هاست ۲۰ درصد افزایش می‌دهد.

ریفلاکس معده یا ترش کردن که ناشی از برگشت اسید معده به مری است، یکی دیگر از بیماری‌هایی است که مصرف فست‌فودها می‌تواند باعث بروز یا تشدید آن شود. دکتر اسحاق حسینی، آمار تأمل برانگیزی در این باره ارائه می‌دهد: «۹۰ درصد افراد جامعه، حداقل یک بار ریفلاکس را تجربه کرده‌اند و ۷ درصد روزانه دچار ریفلاکس می‌شوند. ۱۴ درصد مردم به صورت هفتگی ممکن است احساس ترش کردن را تجربه کنند و ۲۷ درصد جامعه نیز به صورت ماهیانه با این بیماری دست و پنجه نرم می‌کنند.»

دکتر ربابه شیخ الاسلام، مدیر موسسه «تغذیه، سلامت و توسعه» فست‌فودها را تهدید بزرگ سلامت جامعه می‌داند و معتقد است که منشأ بسیاری از بیماری‌های نسل امروز را باید در مصرف فست‌فود جستجو کرد. وی در این باره می‌گوید: «مصرف فست‌فودها سرآغاز بسیاری از بیماری‌ها مانند دیابت، کلسترول بالا، چاقی مفرط،

سکته‌های قلبی و مغزی است که هزینه‌های هنگفتی را بر جامعه تحمیل کرده است.» وی با اشاره به تحقیقات صورت گرفته می‌گوید: «۴۵ درصد افراد بالای ۵۰ سال در برخی از استان‌های کشور مبتلا به فشارخون بالا هستند و در کل کشور هم یک چهارم جمعیت بالای ۳۰ سال از فشارخون بالا رنج می‌برند. همچنین ۵۰ درصد مردان و ۶۰ درصد زنان

جامعه ما اضافه وزن دارند که یکی از دلایل اصلی آن مصرف فست‌فودها است.»

عوارض فست فودها در کمین بچه‌ها

عادات نامطلوب جاری در شیوه زندگی کودکان و نوجوانان کشورهای در حال توسعه از جمله جامعه ما، علاوه بر این که تهدیدی برای سلامت فعلی این گروه سنی

آسیب‌پذیر تلقی می‌شود، کشور ما را در معرض خطر همه‌گیری بیماری‌های غیر واگیر طی دو دهه آینده قرار داده است.

در میان کشورهای در حال توسعه، بیشترین مازاد انرژی غذایی مربوط به کشورهای منطقه خاورمیانه است و تغییرات سریع در شیوه زندگی به ویژه الگوی غذایی و فعالیت جسمی ساکنین این کشورها به نوبه خود به افزایش سریع عوامل خطرزا و بیماری‌های غیرواگیر در این جوامع منجر شده است.

مشکل تغذیه کشورهای در حال توسعه، بیشتر ناشی از تقلید کورکورانه از فست‌فود به سبک غربی است. این‌گونه غذاها هر چند پرفرمدارند اما با وجود ظاهر و طعم جذاب، نه تنها فاقد ارزش غذایی هستند بلکه عوارض گوناگونی برای سلامت در بر دارند. در این زمینه، کودکان و نوجوانان آسیب‌پذیرترین گروه سنی هستند چرا که از یک سو تحت فشارهای تبلیغاتی و جویز ارایه شده از سوی رستوران‌های عرضه‌کننده فست‌فود قرار دارند و از سوی دیگر چون در حال رشد و تکامل هستند بیشتر از سایر گروه‌های سنی در معرض خطر عوارض این مواد غذایی هستند.

بلاهای فست‌فود برای بچه‌ها

فست‌فود حاوی ترکیبات سرطان‌زا (کارسینوژن) که تحت عنوان آمین‌های هتروسیکلیک خوانده می‌شوند، می‌باشند که بیش از ۱۰ سال است شناخته شده‌اند. فست‌فود از مهم‌ترین دلایل بروز چاقی هستند. یکی از مهم‌ترین دلایل بروز چاقی، افزایش کالری‌های دریافتی در بدن است که مصرف فست‌فود نقش ویژه‌ای در آن ایفا می‌کند. یافته‌های پژوهش‌های گوناگون نشان داده که فست‌فود حالت اعتیادآور دارد و هر چه میزان مصرف آن در طول هفته افزایش یابد میزان تمایل به خوردن آن بیشتر می‌شود. محتویات فست‌فود به‌گونه‌ای است که مردم را به زیاده‌روی در خوردن ترغیب می‌کند و خطر چاقی مفرط را افزایش می‌دهد.



این غذاها علاوه بر آن که حاوی مقادیر زیادی کالری هستند به دلیل آن که باعث تضعیف مرکز کنترل اشتها می‌شوند احتمال بروز چاقی را در افراد افزایش می‌دهد. بدن انسان برای جذب چنین غذاهایی تکامل نیافته است. بیشتر فست‌فودها سرشار از کالری هستند و خوردن تنها مقدار کمی از آن، کالری مصرف شده توسط بدن را به شدت بالا می‌برد، به علاوه مواد غذایی مضر و پر کالری از قبیل نوشابه‌های گازدار و سیب زمینی سرخ شده هم به همراه فست‌فودها مصرف می‌شوند که عوارض این قبیل مواد غذایی را دو چندان می‌کند. علاوه بر این، فست‌فودها دارای چربی‌های مضر ترانس و کلسترول بسیار بالایی هستند که می‌تواند به افزایش وزن و چاقی شکمی یا تیپ ۲ دیابت و بیماری‌های قلبی عروقی منجر شود و انواع چربی‌های ترانس به این دلیل مضر هستند که باعث افزایش کلسترول بد و کاهش کلسترول خوب می‌شوند. فست‌فود سرشار از سدیم می‌باشد. مصرف فست‌فود باعث می‌شود فرد به طور ناخواسته و بدون آن که متوجه باشد، مقادیر زیادی نمک دریافت کند که این امر به نوبه خود در همه سنین عوارض دراز مدت زیادی در بردارد.



خوردن این غذاها کار ما ایرانیان را به جایی رسانده که بسیاری از مرگ و میرهای ما ناشی از سرطان دستگاه گوارش و معده شده، تا جایی که نزدیک است تا در دنیا به رتبه‌ای تک رقمی در این خصوص دست پیدا کنیم

در شماره ی قبلی این فصلنامه در تبیین پدیده طلاق عاطفی به بیان عوامل تحکیم نظام خانواده پرداخته و سپس زمینه ها و انواع آسیب های موجود را بررسی نمودیم.

در این بخش به بیان پاره ای دیگر از عوامل و آسیب های رفتاری زوجین در نظام خانواده می پردازیم.

کمیوهای عاطفی

اگر همسر(چه زن و چه مرد) از جنبه ی نیازهای عاطفی و جنسی ارضاء نشود و نیازهای اختصاصی همسری اش برآورده نگردد و از لحاظ عاطفی احساس رضایت و کفایت نکند، تعادل روحی و روانی او به هم می ریزد و اعصاب و روانش لطمه می خورد و آنگاه ممکن است که آگاهانه یا ناخود آگاهانه به تلافی برخیزد و به همسر و زندگی لطمه زند و از جمله اقدامات مخرب در این زمینه می تواند « ستایش از دیگران » یا « چشم دوختن و دل بستن به بیگانگان » باشد.

ارضای غریزه جنسی همسر و خشنود کردن او از لحاظ عاطفی، هم وظیفه است، هم حق است و هم هنر می خواهد. اگر این وظیفه و حق، توانمندانه و هنرمندانه ادا شود، نتایجی همچون «برانگیختگی احساس قدردانی از یکدیگر»، «افزایش عفت و نجابت»، « خستگی ناپذیری از دشواری های زندگی»، « افزایش سطح امید»، « نشاط روانی و جسمانی» و... را به همراه دارد.

بنابراین همسران باید در این باره بسیار مطالعه، مشاوره و کاوش نمایند و کمیوهایشان را بشناسند و جبران نمایند.

برانگیختن غیرت و حسادت همسر
غیرت، از موهبت ها و نعمت های گران سنگی است که خدای حکیم از سر حکمت در نهاد آدمیان نهاده است.

از مهارت هایی که زوج های جوان و بطور کلی همسران باید فرا گیرند، آن است که غیرت همسرشان را بر نیاشوبند و در ادامه آن را به حسادت بدل نکنند.

اگر زن یا مرد، با نامحرمان، بی پروا سخن بگوید و شوخی کند و حرف های غیرضروری



دکتر مصطفی ادیب، سمانه علی بالایی، فهیمه کریمی



از بارزترین پیامدهای اجتماعی طلاق عاطفی، سست شدن بنیان خانواده است که هیچ یک از همسران به دلیل نداشتن احساس دلبستگی به هم، دیگر امیدی به بهتر شدن وضعیت زندگی ندارند و این افکار مدام در ذهن آنها پرورش می یابد.



در فرایند اقدام های تربیتی و در اصلاح خطاهای دیگران، باید عزت نفس افراد را در نظر داشت. همانگونه که در قلمرو تربیت، شیوه ی غیرمستقیم و غیرصحیح نتیجه ی نیکوتری می دهد، در اصلاح عیبهای دیگران نیز، روش های غیرمستقیم روش های مناسب تری هستند.

ایجاد حساسیت در هووسازی و ارتباط با افراد

در نظام خانواده هر کدام از اعضاء جایگاهی ویژه دارند. شرط عقل و حکم شرع است که همسران و همه ی اعضاء خاندان، حریم یکدیگر را حرمت نهند و حقوق هر کس را به اندازه ی او ادا کنند، هر کس را به قدر شأنش احترام گذاشته و محبت نمایند.

گاهی، ممکن است زن یا مرد، با کاستن از محبت همسر و افزودن آن به فرزند، باعث ایجاد حساسیت در طرف مقابل شوند.

اگر زن، اقتدار و شوکت همسرش را بشکند و آن را به پای فرزندش بریزد، دیگر نه آن شوهر به کارش می آید و نه آن فرزند به دردش می خورد. این حساسیت فقط مربوط به فرزند نیست، بلکه با رفتار نادرست طرفین می تواند نسبت به والدین، خویشاوندان، دوستان و حتی تلویزیون و تلفن، نیز ایجاد شود.

هنگامی که همسران با هم اند باید با همه ی وجود با هم باشند؛ نه آنکه جسمشان یک جا باشد؛ و روحشان جای دیگر.

آنچه که حساسیت همسر را بر می انگیزد و زبانه های آتش حسادت را در وجود وی بر می افروزد و هر چه مزاحم رابطه ی سالم همسران می باشد و دل هایشان را از هم دور می کند، مانند یک هوو است و باید از آن پرهیز کرد.

زندگی متأهلی در بسیاری از شئون، با زندگی مجردی، متفاوت است و مدیریت ویژه ای می طلبد. برای مثال رابطه با دوستان دوران تجرد، باید به گونه ای عاقلانه مدیریت شود که به زندگی دوران تأهل آسیبی نرساند.

عوامل اقتصادی

یکی از کارکردهای نظام خانواده، سازگاری و انطباق با محیط اجتماعی است. وقتی



از مهارت هایی که زوج های جوان و بطور کلی همسران باید فرا گیرند، آن است که غیرت همسرشان را بر نیاشوبند و در ادامه آن را به حسادت بدل نکنند.

خانواده نتواند خود را از لحاظ معیشتی حفظ کند و یا اینکه در رابطه با نهادهای دیگر جامعه دچار تنش شود، بنیاد نظام خانواده سست خواهد شد.

در بحث فرسودگی شغلی، سختی معیشت می تواند افراد خانواده را مجبور به فعالیت بیشتر بیرون از خانه کند و این امر و خستگی های ناشی از آن می تواند روابط عاطفی همسران را با چالش مواجه کند.

البته با وجود نقش مهم مسائل اقتصادی، در یک زندگی زناشویی، زوجین اگر یکدیگر را دوست داشته باشند و منطقی فکر کنند، می توانند با حداقل امکانات با یکدیگر سازگار بوده و زندگی کنند. بنابراین قناعت و پذیرش موقعیت ها و وضعیت طرفین بعد از ازدواج می تواند این عامل را خنثی کند.

اختلالات عاطفی و روانی

ابتلای یکی از زوجین و یا هر دو نفر آنها به اختلالات عاطفی و روانی می تواند موجب از هم پاشیدگی یک زندگی مشترک گردد. مثلاً ابتلا به افسردگی از حالت خفیف تا شدید آن می تواند موجب اختلال در روابط زناشویی گردد که این حالتی مشهود از اختلالات روانی است. ولی گاهی اختلالاتی مانند اختلال شخصیت که به طور مشهود در مبتلایان آن دیده نمی شود، از عوامل ناسازگاری و تنش های زندگی زناشویی خواهد شد. به عنوان مثال در اختلال شخصیت «نمایشی» فرد مبتلا نیاز مفرط به توجه از سوی همسرش را دارد و در صورت کمترین بی توجهی، آشفتگی زیادی بر وی مستولی خواهد شد. در این حالت فرد مقابلش هر چه به او توجه نشان دهد، او ارضا نشده و همیشه شاکی خواهد بود؛ این در حالی است که خودش در مقابل این همه توجه طلبی، کمترین توجه را به همسرش می نماید ولی فکر می کند که بی نهایت این کار را انجام داده است. رفته رفته این موضوع موجب خستگی طرف مقابلش شده و بعد از مدتی به مشاجره و در نهایت به تنفر از یکدیگر می انجامد و این سرآغاز یک طلاق عاطفی در فضای گرم و پرمحبت خانواده خواهد بود.





پوشش و ظاهری آراسته

با توجه به اینکه انسان موجودی است زیباپسند و دوست دارد از هر چیزی زیباترین را داشته باشد، تحمل همسری با ظاهر نا آراسته چه از نظر سیمای ظاهری و چه طرز و شیوه ی لباس پوشیدن برای او مشکل است و سبب بروز نوعی سردی در روابط زناشویی می شود. از سویی دیگر تحقیقات نشان داده اند، هر قدر زن و شوهر به تمیزی و نظافت فردی بیشتر اهمیت بدهند، روابط زناشویی بهتری خواهند داشت.

سایر عوامل

در زمینه ی بروز پدیده ی طلاق عاطفی، محققان عوامل دیگری چون: اعتیاد، بیکاری، ناباروری، فاصله ی طبقاتی، رتبه های تحصیلی و... را بر شمرده اند که اثرات مخربی را بر روابط زوجین می گذارند که در اینجا به دلیل محدودیت فضا و تبیین مطلب، به توضیح و تفصیل آنها نپرداختیم.

با توجه به اینکه طلاق عاطفی نقش مهمی در به خطر انداختن سلامت خانواده و جامعه دارد، بررسی پیامدهای طلاق عاطفی و ارائه ی راهکارهای مواجهه با آن می تواند در شناخت بهتر این پدیده و بالطبع در پیشگیری و درمان آن مؤثر باشد.

از بارزترین پیامدهای اجتماعی طلاق عاطفی، سست شدن بنیان خانواده است که هیچ یک از همسران به دلیل نداشتن احساس دل بستگی به هم، دیگر امیدی به بهتر شدن وضعیت زندگی ندارند و این افکار مدام در ذهن آنها پرورش می یابد.



اگر زن، اقتدار و شوکت همسرش را بشکند و آن را به پای فرزندش بریزد، دیگر نه آن شوهر به کارش می آید و نه آن فرزند به دردش می خورد.

طبق گفته ی کارشناسان بسیاری از آسیب های اجتماعی از طلاق عاطفی نشأت می گیرد و فرزندان چنین خانواده هایی ممکن است بیشتر از بچه هایی که والدینشان به صورت رسمی متارکه کرده اند دچار آسیب های روحی و روانی شوند، زیرا ناچار

هستند مدام شاهد کشمکش ها و قهرهای طولانی مدت والدین خود باشند. طلاق عاطفی باعث می شود میزان اعتماد افراد به یکدیگر کم شود و نسبت به هم دچار سوء تفاهم شوند، زیرا دیگر مانند همسرانی که زندگی عادی خود را دارند ساعتی را برای گفتگو و رفع مشکلات نمی گذارند. فرزندان این خانواده ها هم به دلیل نداشتن تکیه گاه مطمئن در زندگی احساس یأس و سرخوردگی می کنند و اغلب مشکلاتی نظیر افسردگی و پریشانی دارند. امید است در شماره ی بعدی فصلنامه، به بیان پیامدهای طلاق عاطفی و راه های برون رفت از آن پیامدها بپردازیم.

منابع
مظاهری، ع. (۱۳۹۳). فرهنگ خانواده، بایدها و نبایدهای زندگی. آزادی، ش. سهامی، س. قهرمانی، ز. قلیپور، گ. (۱۳۸۹). ارزیابی عوامل اجتماعی زمینه ساز طلاق عاطفی... فصلنامه ی زن و بهداشت، شماره ۳. پروین، س. داوودی، م. محمدی، ف. (۱۳۹۱). عوامل جامعه شناختی مؤثر در طلاق عاطفی بین خانواده های تهرانی. فصلنامه ی شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال چهاردهم، شماره ۵۶. باستانی، س. گلزاری، م. وروشنی، ش. (۱۳۹۰). پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی مواجهه با آن. فصلنامه ی خانواده پژوهی، ۱۷، ۲۶.
۱. عضو هیئت علمی دانشگاه و مدیر مسئول مرکز مشاوره هدایت
۲. کارشناس ارشد مرکز مشاوره هدایت
۳. کارشناس مرکز مشاوره هدایت



به امید فکر و کوشش خود باشید نه به انتظار بخت و اقبال.



تو بزرگ آفریده شده ای حق نداری کوچک فکر کنی.



روزی زندگیتان به سرعت از جلوی چشمانتان خواهد گذشت. کاری کنید ارزش تماشا داشته باشد.



یا درست حرف بزن یا عاقلانه سکوت کن.

شعری که نمی دهیم



اشتباه می کنند بعضی ها که اشتباه نمی کنند. باید راه افتاد مثل رودها که بعضی به دریا می رسند و بعضی نمی رسند. رفتن هیچ ربطی به رسیدن ندارد.



شکست ضروری ترین وسیله برای موفقیت است.



شنا در مسیر حرکت رود خانه از عهده ماهی مرده هم برمی آید.



زندگی مانند دوچرخه سواریه برای حفظ تعادل باید همیشه در حال حرکت باشید.



گذشته را خواب کنید، آینده را بیدار کنید، حال را پیدا کنید.



سخت است برای کسی که آتش گرفته توضیح بدهی که نباید بدوی

نهضت اخلاق

زهره شکوهی



اقوام روزگار به اخلاق زنده اند
قومی که گشت فاقد اخلاق مردنی است!

اصولاً زمانی انسان شایسته نام انسان باشد. در غیر این صورت حیوان خطرناکی است که با استفاده از هوش سرشار انسانی همه چیز را ویران کرده و به آتش می کشد، برای رسیدن به منافع نامشروع مادی جنگ به پا می کند و برای فروش جنگ افزارهای ویرانگر تخم تفرقه و نفاق می پاشد و بی گناهان را به خاک و خون می غلطاند!

آری! او ممکن است به ظاهر متمدن یا حتی دیندار و دین ورز هم باشد ولی در این حال حیوان خوش علفی است، که نه حلال را می شناسد و نه حرام را! نه فرقی میان ظلم و عدالت قائل است و نه تفاوتی در میان ظالم و مظلوم! اینکه امام حسین 7 در جایی خطاب به لشکریان دشمن می گوید: «إِن لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أحراراً فِي دُنْيَاكُمْ»



در زمانه ما که همه جا سخن از حکومت دینی، قوانین دینی، جامعه دیندار است؛ به ندرت می توانید با اعتماد به پایبندی کسی به اصول اخلاقی با آسودگی خیال، کار خود را به وی بسپارید که غشی در معامله نمی کند و خیانت نمی ورزد و یا حداقل تلاش نمی کند برای افزودن به منافع خود به منافع شما آسیب رساند.



« اگر دین ندارید و از بازگشت به سوی خداوند نمی ترسید، (دست کم) در دنیای خود آزاده باشید» دقیقاً بدین معناست منطقی که بر رفتار امام حاکم است یک منطق فرادینی مبتنی بر انسانیت است و منطقی که بر رفتار یزیدیان حاکم است یک منطق مبتنی بر توحش انسانی است. برای اینکه فهمیده شود حق با کیست و حق کدام است لازم نیست لزوماً مسلمان یا شیعه بوده بلکه کفایت انسان بودن.

گرچه امام حسین 7 در این سخن خود، ظاهراً رفتار لشکریان یزید را نقد می کند و آنان را دعوت می کند که در رفتار خود بیندیشند و تجدیدنظر کنند؛ اما نقد ایشان کاملاً عام است و شامل همه رفتارهای غیراخلاقی یا ضداخلاقی می شود. این سخن را می توان به هر کسی که رفتارش با دیگران غیراخلاقی است بر زبان آورد. مثلاً، به کسی که به دیگران دروغ می گوید، یا حقوق دیگران را پایمال می کند، یا به وعده‌ی خود وفا نمی کند، یا پشت سر دیگران بدگویی می کند، یا نسبت به سرنوشت دیگران و درد و رنج هموعان بی تفاوت است و به نیازمندان کمک نمی کند، یا دزدی می کند، می توان گفت: "اگر دین نداری، آزاده باش"

در زمانه ما که همه جا سخن از حکومت دینی، قوانین دینی، جامعه دیندار است؛ به ندرت می توانید با اعتماد به پایبندی کسی به اصول اخلاقی با آسودگی خیال، کار خود را به وی بسپارید که غشی در معامله نمی کند و خیانت نمی ورزد و یا حداقل تلاش نمی کند برای افزودن به منافع خود به منافع شما آسیب رساند و یا خلف عهد و وعده نکند. متأسفانه اصول اخلاقی در مناسبات اجتماعی، اقتصادی حتی جامعه اندیشمندان و تحصیل کرده های ما فراموش شده و نوعی قانون نانوشته ی جنگلی مبتنی بر اصل تنازع بقا و غلبه ی قوی بر ضعیف حاکم گشته و در یک کلام شاهد فروپاشی اخلاقی هستیم.

آن قدر از مسائل فرهنگی صحبت می شود که دشمن درونی و جهاد اکبر را فراموش نموده ایم!!!! امام صادق 7 می فرماید: "همان گونه که از دشمنان خود حذر می کنید، از هوس هایتان حذر کنید؛ زیرا

برای مردان دشمنی برتر از پیروی از هوس هایشان و آنچه زبان هایشان کسب کرده (سخنان بیهوده و یاوه)، نیست". احذروا أهواءکم کما تحذرون أعدائکم، فلیس شیء أعدی للرجال من إتباع أهوائهم و حصائد ألسنتهم». (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷ ص ۸۲)

مگر پیامبر رحمت 6 نگفت انی بعثت لانتقم مکارم الاخلاق؟ یعنی همانا من برگزیده شدم برای اتمام و تکامل بزرگواری های اخلاقی. اما متأسفانه، در عمل آنچه رخ داد اتمام به معنی تمام کردن و به پایان رساندن اخلاق بود (نه به معنی تأمین و تکمیل آن)!!!!

پیامبر رحمت 6، از ۲۳ سال دعوت خویش، بیش از نیمی از آن را در مکه، مأمور به دعوت به اخلاقیات بود و تنها در ۱۰ سال انتهایی عمر شریف، آن هم بواسطه تشکیل حکومت، به بعد تکالیف و احکام دینی پرداخت!!!

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْل لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (سوره جمعه، آیه ۲) اوست خدایی که به میان مردمی، بی کتاب پیامبری از خودشان مبعوث داشت تا آیاتش را بر آنها بخواند و آنها را پاکیزه سازد و کتاب و حکمتشان بیاموزد. اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

«قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْل لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (سوره آل عمران، ۱۶۴)؛ خدا بر مؤمنان انعام فرمود، آن گاه که از خودشان به میان خودشان پیامبری مبعوث کرد تا آیاتش را بر آنها بخواند و پاکشان سازد و کتاب و حکمتشان بیاموزد، هر چند از آن پیش در گمراهی آشکاری بودند.



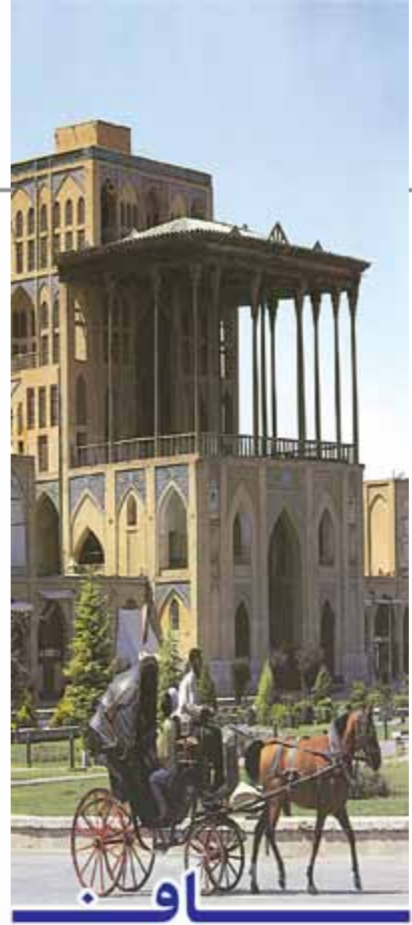
آیات فوق نیز، بیانگر این است که یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر اسلام 6، تزکیه نفوس و تربیت انسان ها و پرورش اخلاق حسنه بوده است حتی می توان گفت تلاوت آیات الهی و تعلیم کتاب و حکمت که در نخستین آیه آمده، مقدمه ای است برای مسأله تزکیه نفوس و تربیت انسان ها؛ همان چیزی که هدف اصلی علم اخلاق را تشکیل می دهد. آنچه از آیات بالا استفاده می شود اهتمام فوق العاده قرآن مجید به مسائل اخلاقی و تهذیب نفوس به عنوان یک مسأله اساسی و زیربنایی است که برنامه های دیگر از آن نشأت می گیرند؛ و به تعبیر دیگر، بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده است.

بنابراین بشر متمدن امروزی بیش از هر چیز نیازمند یک نهضت و دگرگونی اخلاقی است که نخبگان و فرهیختگان و دردمندان جامعه می بایست زمینه ساز آن باشند. دین با تبیین و تصویر فرجام صحیح جهاد و ایثارگری، پرده های راحت طلبی و منفعت پرستی را کنار زده و انسان ها را به معامله با ارزش هایی بالاتر از زندگی مادی فرا می خواند. در حقیقت اگر دین ورزی، قرین معرفت و تربیت صحیح گردد، می تواند الهام بخش نافذ و نیرومند و یار و یاور اخلاق باشد. چنین دینداری و دین ورزی ای می تواند ما را از تعهدات اخلاقی مانند احترام به خود(عزت نفس)، احترام به دیگری و احترام به هستی سرشار نماید. نمونه اش را می توان هم در ایمان مؤمنانی یافت که از سر جستجوی معنا و عبور از پوچی «بودن در این عالم»، دل به سر الهی بسته اند و هم در التجایی دید که بعضی بیماران مذهبی آنگاه که طبیبان از علاج درد آنان درمانده اند، به خداوند قادر متعال پناه می برند.



بشر متمدن امروزی
بیش از هر چیز
نیازمند یک
نهضت و دگرگونی
اخلاقی است
که نخبگان و
فرهیختگان و
دردمندان جامعه
می بایست
زمینه ساز آن باشند



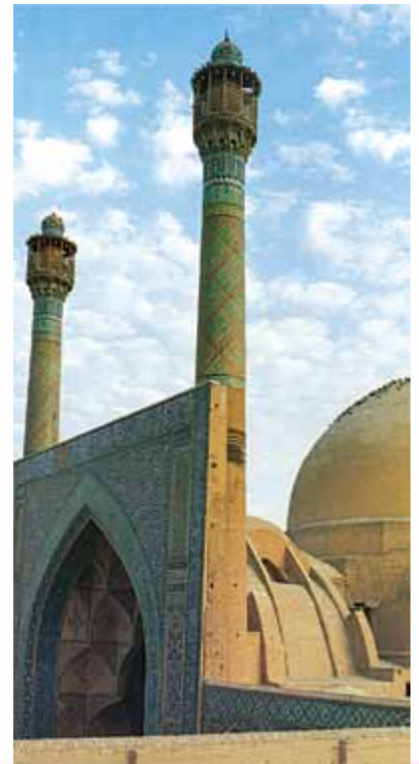


سپاهان بود فخر ایران زمین
بدور از تعصب بحق است برین
به کی شد جهان نیمه چون اصفهان
بپرس این حقیقت تو از ذره بین
نشانید که در شعر وصفش نوشت
قلم عاجز از مدح این سرزمین
عجب شهره شد اصفهان در جهان
بود پیر و قبراق و شور آفرین
اصالت به فرهنگ و میراث و فن
سخن گفتنی چون گز انگبین
بنامزم به این مردم سخت کوش
زن و مرد دانا و کار آفرین
ز فولاد و آجر همی سنگ و چوب
سر آمد بود این حرف برترین
همی مقتصد در حساب و کتاب
بسی در سخاوت سر از سایرین
به هر جای آن جلوه دارد هنر
که از ذات مردم برآید چنین
بس آثار زیبا ز اجداد بناست
به از در و یا قوت، زمرد نگین

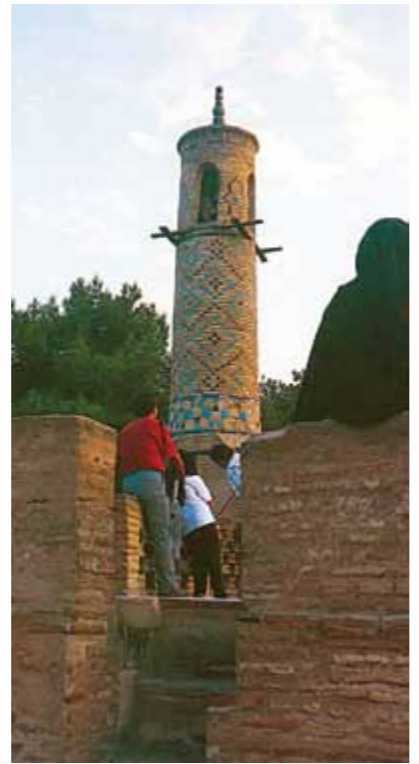
هر آنکس ببیند رخ این نگار
سپس عشوه آید ز این نازنین
چه رنگین کمانی است نقش جهان
که با دید مکتب بنا شد مهین
به غربش بود کاخ عالی قاپو
و آن سو بود محبس مجرمین
ز آثار عباسی زنده یاد
شود خیره چشم و خجل دوربین
به کثرت بود حجره های نبوغ
ز شاهکار و معماری تیز بین
به میدان فیروزه ذوق و شوق
نگر هر هنر را ز این لایقین
یکایک نشاید که نظم آورم
بحق گفت خدا احسن الخالقین
به شرق و جنوبش دو مسجد بناست
که این بهتر از آن و آن برترین
شمالش به بازار داد و ستد
چو بیش از هزار حجره بینی در این
سر آمد به کاشی و فرش و طلا
همی مسگر و نقره کاران ببین
بود طول بازار بسیار طویل
که دهها سرا تیمچه شد جاگزین

به هر گوشه اش حوزه دارد وجود
که طلاب جویند در آن درس دین
میان سپاهان بود زنده رود
جوارش چو بوستان بود دلنشین
چه پلهای جذاب بر آن است قرار
که هر یک بود منظر زائرین
سی و سه بود در میانش وزین
و خواجه بود مأمّن شب نشین
به مارنان و چوبی گذر بایدت
پل جی به مشرق بود اولین
ز شهری بگویم به نام عتیق
که آثار آن شد نماند در زمین
در آن شد پدیدار میدان کهن
و در پی چایخانه سیدالعابدین
اخیرا بنا شد عمارت در آن
که نقش جهان است مانند این
بود مسجد جامع چل در هزار
به باور ننگجد به وسعت چنین
در آن آرمید شیخ ما مجلسی
نگارنده حلیة المتقین
بگویم ز بازار پر رونق
که قرن ها بود کسب و کار اینچنین

در آن شهشهان و غفوری سرا
ز میراث و فرهنگ بجوی حافظین
ز شیخ بهایی هنرها بجاست
که حمام و شمعش شگفت آفرین
به هارون ولایت و مسجد علی
به چشم آیدت هر دو را همنشین
به باغ قلندر و مسجد حکیم
ز پس مسجد سید است برترین
به درب امام مسجدی است در جوار
که جشن ابوالفضل 7 به هر ساله بین
بجویباره باشد چهل دختران
منار ساربان روبرویش قرین
بود تخت فولاد تخت حزین
به چهارسو و جوزان و لنیان رویم
که هر کس بترسد ز آن در پسین
چه آثار زبینه در آن بجاست
که خفتند در آن نامی و متقین
در آنجا گلستان فیض آوران
شهیدان جاوید جان آفرین
به گیتی بود یک بنا بی نظیر
که در هشت و چهل شد عمارت نوین
ضیافت دهند نان و بریان تو را
که هر نوع هنر دیده بیند در این



بود باغ و تالار و مهمانسرا
به عباسی نامیده شد این نگین
به دروازه دولت بسی کاسبین
همین رهنمای یسار و یمین
بود هشت بهشت قسمتی از بهشت
عجایب بود چل ستون همچنین
چه گنجینه ای است موزه پر بها
که یک یک بود تحفه بر وارثین
ز چهارباغ بگویم عریض و شکیل
سه از چهار آن پیایی قرین
یک از چهار باشد ز آنها جدا
که در پی نشاط است شکرآفرین
به چهارسو و جوزان و لنیان رویم
به زورخانه ها پهلوانی عجین
صناعت به این خطه دیرینه است
بهشتی در آن زاد و صائب دفتین
در آتشکده بین راه یک بناست
منارهای جنبان هوا در زمین
چو بیدی بلرزد فنونش نمان
هویدا نشد سر آن در یقین
به جلفا رویم پیروان مسیح 7
کلیسای وانک دیدنش دلنشین



به خاقانی و سنگ تراشان بجوی
همه پیروان ساکن و جاگزین
به جامی بود چند عبارت به پا
که چهار سوق و حمام آن بهترین
نگر منزل مجتهد خادمی
که بود منشأ انقلاب در جنین
بجوی دشت بابل که دارد یلی
به دردشت و سرچشمه باشد قرین
به بازار دردشت کهن مسجدی
به سوم چه غوغاست تا اربعین
دهد خیر مقدم بنی فاطمه
و صاحب عزا سید العالمین
من از شهر بابل کنم یاد آن
که در غربت و حسرتم همچنین
منم زاد مصری و طوقچی همی
صغیر است و صاحب بحق برترین
خدایا! به آب زنده کن زنده رود
که مردم شوند شاد و هم زارعین
نبود مجتبی نکته دان در بیان
که گوید سخن بهتر از سایرین





بازخوانی جا بگاہ ترتیل خوانی و قرآن

استاد غلامرضا شاه میوه اصفهانی

می‌دانیم که قرائت مطلوب و مورد نظر خداوند متعال براساس آیه ۳ از سوره مبارکه مزمل که فرموده است: «ورتل القرآن ترتیلاً» همان شیوه ترتیل است. اما حقیقتاً کیفیت و شاکله ترتیل واقعی از نظر حق تعالی برای کسی معلوم و مشخص نیست و حتی امروزه به غلط به شیوه تندخوانی قرآن «در مقابل قرائت با صوت و لحن» هم ترتیل می‌گویند. در حالی که ترتیل حالتی است از اداء که بیشتر بار معنایی و زیباشناختی دارد تا صرفاً تند و کند کردن سرعت اداء در تلاوت.

در معنای ترتیل از حضرت علی بن ابیطالب 7 نقل است که ایشان ترتیل را بیان الحروف و حفظ الوقوف تفسیر کرده اند یعنی ترتیل را نیکو اداء کردن حروف و کلمات قرآن و رعایت وقف و ابتدای آن می‌دانند بر این اساس تردیدی نیست که ترتیل به عنوان یک ضابطه قدرتمند و ارزشی در تلاوت قرآن از اهمیت بالایی برخوردار بوده و موضوعی است که مورد توجه حق تعالی، پیامبر 6 و اهل بیت طاهربین : قرار داشته است دلیل این

اهمیت و توجه چیست؟ آیا می‌توان گفت که خدای متعال صرفاً به خاطر خوب خواندن قرآن به چنین موضوعی امر و سفارش نموده است؟ جواب این سوال قطعاً منفی است زیرا از حکمت بالغه الهی

و مسیحیان (که در حدیث شریف پیامبر اکرم 6 به آن اشاره شده است) اهمیت ویژه ای نزد مسلمانان پیدا کرد.

به مرور با گذشت زمان موضوع قرائت قرآن و ملزومات آن بقدری مورد توجه قرار گرفت که طبقه ای به نام قراء پدید آمد که کار آنان قرائت صحیح قرآن کریم و آموزش آن به دیگران بود.

با گذشت قرن ها تحولات زیادی در حوزه ی تلاوت قرآن به وجود آمد و در هر دوره ای، تلاوت تحت تأثیر عوامل مختلف فرهنگی، اعتقادی و گاه گرایشات خاص مذهبی قرار گرفت و نتیجه آن شد که گونه های متنوع و مختلفی از تلاوت قرآن در سرزمین های اسلامی از جمله حجاز، عراق، شام، مصر و مغرب افریقا پدیدار گردید و جالب اینکه هر گروه نیز مدعی رعایت ترتیل در نوع تلاوت خود هستند.

ما در این نوشتار در صدد نفی یا اثبات این روش ها نیستیم بلکه هدفمان بازخوانی نقش و جایگاه یکی از این روش هاست که در میان اهل فن به شیوه ی «مرتّل» شهرت دارد. معمولاً در عرف قرائت و قراء این شیوه در مقابل «مَجود» قرار می‌گیرد. اما باید دانست که گاه به غلط این دو شیوه را معادل ترتیل و تحقیق قرار میدهند در حالی که با بررسی کتب و منابع قدیمی در زمینه علوم قرائت می‌توان فهمید که عناوینی همچون تحقیق، تدویر و تحذیر

(حذر) که به گونه های مختلف قرائت قرآن مشهورند در حقیقت متناسب با نوع قرائتی که مورد استفاده قرار می‌گیرند (منظور قرائات سبعة یا عشره است) مصداق پیدا می‌کند و البته تمامی این انواع را زیر مجموعه ترتیل می‌دانند. اما به هر حال چه غلط و چه درست در شرایط فعلی شیوه تندخوانی قرآن را مرتّل یا ترتیل می‌نامند که در مقابل فن التلاوه یا هنر تلاوت که به مجّودخوانی مشهور است قرار می‌گیرد.

اهل حجاز (عربستان سعودی) معتقدند تلاوت واقعی و درست قرآن کریم که مورد نظر پیامبر گرامی 6 قرار داشته همین شیوه امروزی مرتّل است و آنچه مصریان ارایه می‌کنند نوعی بدعت است. در مقابل مصریان نیز که با هر دو شیوه تلاوت می‌کنند استدلالاتی بر ردّ این نظریه دارند که جای آن در این مقال نیست.

این شیوه هر چند در سرزمین حجاز از صدها سال پیش رایج بوده است اما جالب است بدانید برای نخستین بار در سرزمین مصر و توسط مرحوم شیخ محمود خلیل الحصری ثبت و ضبط گردید و به عنوان الگویی برای دیگران خود را به عالم قرائت معرفی نمود. هرچند در ابتدا این کار با اهداف آموزشی برای عموم در مصر اجراء شد. شخصی به نام لیب سعید در جایی می‌گوید که پس از پخش آزمایشی این ترتیل و انجام مصاحبه با مردم به این نتیجه رسیدیم که با اینکه مصر مهد قراء بزرگ است و شیوه مجّود علی الظاهر طرفداران بسیار فراوانی دارد اما استقبال بسیار زیادی از مرتّل خوانی صورت گرفت و مردم خواهان پخش دوره کامل ترتیل مرحوم حصری از رادیوهای مصر بوده اند.

اما این موضوع فقط به جامعه مصر اختصاص ندارد بلکه آمار نشان می‌دهد که طی چند دهه گذشته اقبال عموم مردم (نه شنوندگان حرفه ای تلاوت) در تمامی سرزمین های اسلامی به گونه ای بوده است که منجر «به نهضت ترتیل خوانی» در سه دهه گذشته گردیده است. مطابق اعلام مؤسسه توزیع و نشر دوره های ترتیل قرآن در عربستان سعودی بیش از پنجاه میلیون نسخه از دوره های کامل ترتیل

قرآن تا سال ۲۰۰۴ میلادی به فروش رفته که مرحوم محمد صدیق منشاوی با بیش از ۳۵ درصد فروش بالاترین استقبال را از سوی مردم داشته است.

افزایش امکانات و فن آوریهای جدید نیز مزید بر علت گردیده تا بسیاری از قراء و حفاظ در مصر، ایران، عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس اقدام به قرائت و ضبط دوره کامل ترتیل قرآن بنمایند که شاید بتوان تعداد این دوره ها را در بیست سال گذشته بیش از پانصد دوره حدس زد. علاوه بر این برنامه جزءخوانی قرآن کریم در برخی از کشورهای اسلامی در ماه مبارک رمضان و به ویژه کشور عزیزمان ایران که هم به صورت زنده و هم به شکل ضبط شده بر روی آنتن می‌رود نیز با استقبال فراوانی از سوی عموم مردم روبرو شده است که اگر بخواهیم تعداد این برنامه ها را نیز بر تعداد دوره های ترتیل قرآن اضافه کنیم رقمی غیر قابل باور خواهد شد. این مهم نشان می‌دهد که در حال حاضر شیوه مرتّل یا ترتیل توانسته است گوی سبقت را از شیوه مجّود در برقراری ارتباط با عامه مردم برآید. در حقیقت شیوه ترتیل به نحو شایسته تری توانسته است قرآن را به متن زندگی مردم وارد سازد این موضوع را می‌توان از حضور مردم در برنامه های جزءخوانی قرآن در مراکز استانهای کشور و نیز از فروش دوره های ترتیل قرآن در طی سالهای گذشته دریافت اما به اعتقاد اینجانب این اقبال عمومی دلایلی دارد که



در معنای ترتیل
از حضرت

علی بن ابیطالب 7

نقل است که

ایشان ترتیل را

بیان الحروف

و حفظ الوقوف

تفسیر کرده اند

یعنی ترتیل را نیکو

اداء کردن حروف

و کلمات قرآن

در پایان این نوشتار به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌کنیم :

۱- از آنجاکه بیشتر مردم با نگاه معنوی و کسب ثواب به تلاوت قرآن خصوصاً در ماه بهارقرآن یعنی ماه مبارکرمضان می‌نگرند. ترتیل خوانی به دلیل سرعت بالاتر می‌تواند آنان را سریعتر به این مقصود نایل سازد زیرا می‌توانند با قاری مرتل با سهولت بیشتری همراهی کنند.

۲- نوع موسیقی ترتیل به دلیل ساده تر بودن برای عموم بسیار قابل فهم تر است و لذا ارتباط بهتری نیز با آن برقرار می‌کنند این مسئله را می‌توان از بازخورد نظرات افراد در جایی که برخی از مرتلین به سمت استفاده از ردیف های تلاوت مجّود مانند جواب الجواب می‌روند بخوبی فهمید.

۳- ترتیل خوانی قرآن نوعی از تلاوت است که شائبه خودنمایی و به رخ کشیدن صدا و نغمه در آن نیست هرچند این سخن به معنای ردّ تلاوت مجّود نیست اما به هر حال از نگاه مردم می‌تواند مثبت انگاشته شود و به همین دلیل حس معنوی بهتری نسبت به آن پیدا می‌کنند.

۴- برای بسیاری از مردم که از قدیم الایام و از طریق رادیو در سحرهای ماه مبارک، شنونده ترتیل مرحوم محمد صدیق منشاوی بوده اند، ترتیل قرآن در این ماه حالت نوستالژیک و خاطره انگیز داشته و به همین جهت استقبال بیشتری نسبت به آن نشان می‌دهند.

۵- از آنجا که نوع قرائت رایج در نمازهای ائمه جماعات در حرمین شریفین و نیز برخی مساجد کشور خودمان ترتیل است. عجزین شدن این شیوه با امری عبادی همچون نماز هم تأثیرات معنوی بیشتری روی عموم داشته و به همین جهت در مواقعی غیر از برگزاری نماز جماعت نیز استماع قرآن به این شیوه را بیشتر می‌پسندند.

در پایان امید داریم مسئولان فرهنگی کشور با عنایت به اهمیت و جایگاه ویژه ای که در حال حاضر ترتیل قرآن پیدا نموده است برنامه ریزی های صحیح تر و مناسب تری در جهت آموزش علمی و فنی این شیوه در کشور داشته باشند.



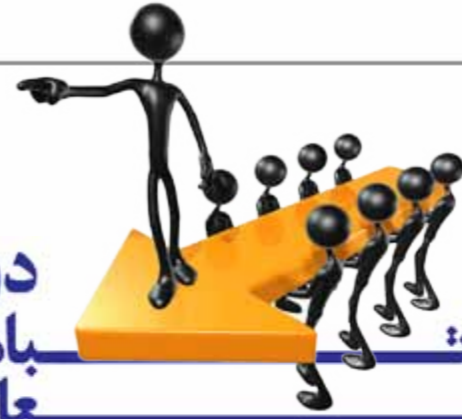
« اهمیت دوست و دوست یابی تا آنجایی زیاد است که نقش مستقیمی در آینده و سر نوشت فرد ایفا می کند و داشتن مهارت های لازم برای دوست یابی و نه گفتن در مقابل دوستان نامناسب از عواملی است که از طریق نهاد خانواده به کودکان منتقل می شود.»

داشتن دوست به کودکان در داشتن روابط اجتماعی و برقراری ارتباط با محیط اطراف کمک شایانی می کند و تا آنجایی اهمیت دارد که نقش مستقیمی بر سرنوشت کودک می گذارد و ممکن است وی را به موفقیت رسانده و یا به تباهی بکشاند؛ عامل بسیاری از انحرافات در جوامع امروزی دوستی های نابابی است که فرد با انتخاب غلط خود مسبب آن می شود، چرا که در هنگام انتخاب دوست باید عواملی چون شرایط خانوادگی فرد سنجیده شود. ولی متأسفانه در اکثر دوستی ها به دلیل عدم مهارت های لازم فرد این ملاک ها را مدنظر قرار نداده و ممکن است به نتایج خوبی ختم نشود. اما اینکه چگونه می توان مفاهیم مختلف و معیار های مناسب انتخاب دوست را به کودک منتقل کرد و فرزند را در انتخاب دوست یاری داد امری است که در گفتگو با کارشناسان جویا می شویم.

مهناز غفوریان، کارشناس روانشناسی در این خصوص می گوید: انتخاب دوستان در مسیر زندگی از مهمترین مسائلی است که هر شخصی را درگیر خود می کند چرا که دوست نقش مهمی در طول زندگی بر زوایای مختلف فکری و اعتقادی فرد می گذارد.

وی با تأکید بر اینکه باید والدین از همان ابتدای کودکی با آموزش مهارت های لازم زندگی به فرزندان در انتخاب دوست کمک کنند، می گوید: اگر از همان ابتدا در انتخاب دوست کودکان، کنترل های لازم وجود داشته باشد فرد در بزرگسالی در انتخاب مسیر و دوست مناسب دچار اشتباه نمی شود.

این کارشناس، دوست را همانند معلمی می داند که هر لحظه بر انسان تأثیر گذاشته و مسیر وی را تعیین می کند به ویژه در سنین نوجوانی و عنوان می کند:



دوراهی بانهایی و عادت

مهناز غفوریان، راضیه باباخانی

افکار دوستان ما تأثیر مستقیمی بر اعمال و افکار ما دارد، به گونه ای که انتخاب دوست می تواند فرد را به جایگاهی رفیع یا انحراف بکشاند.

وی معتقد است: دوست می تواند فرد را به تباهی بکشاند و یا اینکه با تأثیر از موفقیت های به دست آمده فرد را هم به سمت موفقیت در زندگی سوق دهد از این رو شاهدیم افراد موفق علاوه بر خانواده ای حامی همواره دوستان خوب و موفق هم در کنار خود داشته اند.

غفوریان اهمیت کمک به دوست یابی برای کودک از سوی والدین را اینگونه مطرح می کند که انتخاب صحیح دوست و نشان دادن معیارهای مناسب به کودکان مسیر



راست گویی،

زیرکی،

اخلاق نیکو،

ایمان و اینکه

فردی که به عنوان

دوستی انتخاب می

شود یا از نظر سطح

هوش از وی بالاتر

بوده یا حداقل هم

ردیف باشند

از ملاک های

درست انتخاب

دوست است

کنیم ابتدا باید در رفتار خود با دوستان و اطرافیان دقت نماییم.

وی ادامه می دهد: اگر کودک به دلائلی خجالتی و در ارتباط با دیگران کند است، لازم است با جلو راندن و انتقال مهارت های اجتماعی، وی را برای انتخاب صحیح دوستان یاری دهیم تا در سنین بعدی در مسیر دوستانی ناباب قرار نگیرد.

این روانشناس مشکل ترین مرحله دوست یابی برای کودکان را برقراری ارتباط اولیه و به عبارتی بهانه شروع صحبت می داند و می گوید: می توان به هر بهانه ای با کودک به گفتگو نشست و در حین این عمل به او آموزش داد که چگونه می تواند با یک احوالپرسی ساده وارد مراحل بعدی انتخاب دوست شود.

وی تأکید می کند: خواندن کتاب های قصه که مضامینی چون انتخاب دوست دارند و استفاده از فیلم ها و کارتن هایی با این محتوا هم می تواند در انتقال و افزایش مهارت های اجتماعی کودکان مؤثر باشد.

غفوریان اذعان می کند: نباید در هیچ کدام از این مسیرها و آموزش ها فراموش شود که معیارهای دوست خوب چیست و همواره به کودک آموزش داده شود که چه افرادی برای دوستی با آنها مناسب هستند.

وی نقش مهد کودک را هم در انتخاب دوست مؤثر می داند و تأکید می کند: لازم است خانواده ها بر اساس شرایط خود در انتخاب این مکان که محلی برای پرورش فکری و اعتقادی کودکان است دقت لازم را به خرج دهند، چرا که خیلی از مهارت های اجتماعی لازم از طریق مهد ها به کودک انتقال می یابد.

این کارشناس تأکید می کند: برای کمک به کودکان در انتخاب دوست باید مهارت هایی مانند حس همدردی و مشارکت به آنها آموزش داده شود.

راضیه باباخانی مدرس فلسفه در دانشگاه فرهنگیان و مدیر کل سابق کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی نیز در خصوص کمک به کودکان در یافتن دوست می گوید: والدین باید به گونه ای با فرزندان خود ارتباط برقرار کنند که صحبت های آنها برای فرزند ملاک بوده و راهنمایی های والدین را در انتخاب دوست



بعد از والدین

به ویژه

برای نوجوانان،

دوستان نزدیکترین

افرادی هستند

که با بودن

در کنار آنها

احساس آرامش

به فرد را

انتقال می دهند.



کرده است، می افزایش: اگر این معیارها به درستی به کودک انتقال یابد کمک بزرگی به وی خواهد کرد.

این کارشناس عنوان می کند: راست گویی، زیرکی، اخلاق نیکو، ایمان و اینکه فردی که به عنوان دوستی انتخاب می شود یا از نظر سطح هوش از وی بالاتر بوده یا حداقل هم ردیف باشند از ملاکهای درست انتخاب دوست است که باید توسط والدین به کودکان آموزش داده شود؛ اینکه گفته می شود دوستان از شما بالاتر باشد به این دلیل است که در فرد ایجاد غبطه و انگیزه برای رسیدن به جایی که وی قرار دارد می کند و در نتیجه سبب پیشرفت می شود.

باباخانی با بیان اینکه دوستان فرزندان باید از طرف خانواده بررسی شوند و اگر صلاحیت لازم را نداشت و با معیارهای اسلام هم خوان نبود به کودک آموزش داده شود که چگونه باید دوست مناسب خود را گزینش کند و این جز از طریق انتقال مفاهیم درست امکان پذیر نیست.

این کارشناس به حدیثی از مولای متقیان علی 7 اشاره می کند: ایشان می فرمایند "دوست انسان مانند دزد است و آنچه در وجود وی باشد سریع دریافت می کند

بدون آنکه فرد متوجه شود" و در واقع این حدیث تأکیدی بر این امر است که باید دوستی برای کودک در نظر گرفته شود که معیارهای صحیح و لازم را داشته باشد. وی معتقد است: اگر معیارهای مناسب انتخاب دوست از طرف والدین به کودکان آموزش داده شود جلوی خیلی از انحرافات و آسیب های اجتماعی گرفته می شود چرا که همانگونه که نقاط مثبت اخلاقی و فکری دوستان به هم دیگر منتقل می شود نکات منفی و انحرافی هم به راحتی منتقل شده و در سرنوشت فرد تأثیر به سزایی دارد.

«بزرگی می گوید دوست، راهنما و دلیل راه است و چاه در کنار راه و هر کس از راه به در رود در چاه افتد.» تحلیل این سخن نشان می دهد که دوستان می توانند با تقویت صفات پسندیده و گوشزد کردن صفات ناپسند فرد را به سوی نیکی یا تباهی هدایت کنند.

مناسب ملاک قرار دهند. وی معتقد است: بسیاری از لغزش های ایجاد شده در جامعه به علت معیار های نادرست انتخاب دوست است. در حالی که دوست نقش سازنده ای در زندگی دارد و اگر درست انتخاب شود فرد را به سعادت می رساند.

باباخانی با اشاره به حدیثی از پیامبر اسلام 6 که می فرمایند: فرزندان خود را گرمی بدارید و آنها را درست تربیت کنید، می گوید: وقتی به کودکان شخصیت داده شود و به آنها احترام گذاشته شود دید و نگاهشان به والدین تغییر کرده و با آنها دوست می شوند و این نخستین قدمی است که والدین می توانند در انتخاب دوستان به فرزندان خود کمک کنند بی آنکه با جبهه گیری از سوی آنها مواجه شوند.

وی با بیان اینکه اسلام معیار های پسندیده ای برای انتخاب دوست پیشنهاد

ما می‌توانیم خیلی زود به «چیزها» عادت کنیم؛ به چیزهایی که می‌بینیم یا می‌شنویم، به آدم‌هایی که هر روز با آن‌ها سر و کار داریم، به خیابان‌هایی که مسیر هرروزه مان شده‌اند و به آواها، نجواها و صدای پرندگان، ماشین‌ها و آدمها. آهسته آهسته دیدن خیلی اتفاقات، رفتارها و حرکات در اطرافمان عادی می‌شود. چیزهایی که شاید اولین بار به صورت ویژه‌ای توجه ما را به خود جلب کرده بودند و ما را در لحظاتی مبہوت و مغموم و مشعوف خود ساختند، یک روز دیگر برای ما تازگی و طراوت روز اول را ندارند و انگار از روز نخست چیزهایی پژمرده، بی‌صدا و مرده بوده‌اند.

عادت به اشیاء، ابزار و آدم‌ها، بدون توجه به آن‌چه در دل خود دارند و هویت آنها را بازگو می‌کند و بدون کشف لایه‌های درونی و نگرشی تازه به بخش‌های دیگری از وجود آن‌ها، حکایتی نیست که بتوان آن را از قامت زندگی آدم‌ها پاک کرد و به راستی حقیقتی ناگوار است که می‌تواند به ناگاه همه‌ی آدم‌ها را به غریبانه‌ترین شکل، تسخیر ناکامی‌ها و تلخی‌ها کند.

ما آدم‌های گوشی به دست

چند وقت پیش، توی اتوبوسی که از شلوغ‌ترین محله‌های شهر می‌گذشت، مسافرانی نشسته و ایستاده بودند که توی دست‌هایشان یک گوشی هوشمند یا تبلت داشتند و به غیر از آن‌ها که سرشان به انگری بردز ۲۰۴۸ و شهر شکلات‌ها گرم بود، بقیه در دنیای عظیم دیگری سیر می‌کردند که با وجود مجازی بودن، حقیقت زندگی بسیاری از ما به آن گره خورده است. خانم مسافر کنار دستی سرش را به گوشه‌هایم نزدیک کرد و بعد از چند جمله بد و بیراه گفتن به این آدمها و خانواده‌هایی که برای فرزندانشان تبلت‌هایی به قواره‌ی خود کودکان تهیه می‌کنند، ده دقیقه‌ی تمام لعن و نفرین به جان همسرش کرد که جنبه‌ی استفاده از گوشی هوشمند را ندارد و به طور



ناجوانمردانه‌ای بعد از پانزده سال زندگی مشترک، به معاشرت با آدم‌های ندیده و نشناخته‌ای می‌پردازد که توی شبکه‌های اجتماعی مثل تانگو و لاین با آن‌ها آشنا شده است. آن‌چه پشت آدم‌ها را می‌لرزاند، خیانتی است که برملا شده، در شرایطی که همسر آن خانم مسافر، ابایی از آشکار شدن روابطی که به قهقرا می‌رود ندارد!

زیر سایه‌ی عنکبوت سپاه

بر اساس آخرین آمار وزارت ارتباطات ایران، بیش از ۱۲ میلیون از کاربران اینترنت در ایران زیر ۱۸ سال سن دارند؛ بیش از ۱۷ میلیون نیز سنشان بین ۱۸ تا ۲۸ سال است. بر اساس آمار وزارت ارتباطات، ۷۳٪ درصد از کاربران اینترنت، سنشان کمتر از ۲۸ سال است. بر همه‌ی افرادی که بنا بر شغل یا تحصیل و رفع نیازهایشان از اینترنت استفاده می‌کنند، واضح و مبرهن است که فضای مجازی که همچون عنکبوتی عظیم بر سرتاسر دنیا سایه افکنده است، دنیایی نسبتاً نامحدود است که با چند کلیک ساده افراد را به کلمات و جستجوهای که می‌خواهند می‌رساند. در نگاه اول به نظر می‌رسد که بعد از یک جستجوی هرچند علمی و آکادمیک، این دنیای وسیع میلیونها سایت فساد و فحشا، فیلم و عکس مستهجن و سایت‌های تخریب‌گری برای از بین بردن دین، ترویج ضد‌خدایی و هر نوع محتوای آلوده و گمراه‌کننده را با استفاده از ترفندهای خاص خود در کنار هم چیده و به افراد معرفی می‌کنند؛ اما در پشت این نقاب سپاه، حقیقت سپاه تری است که ممکن است بسیاری از افراد از این دره‌ی عمیق و تاریک بی‌اطلاع باشند و در کمال ناباوری پرده‌ها و حائل‌ها را کنار زده و با یک قدم به اعماق آن سقوط کنند. این قدم برداشتن برای ورود به پشت این مرزها با استفاده از ابزار فیلترشکن صورت می‌گیرد و یک مخاطب عام اینترنت به راحتی با آنچه که از فضای انسانی و اخلاقی دور است مواجه می‌شود و می‌تواند زمینه‌ای برای تحریک

افراد برای جستجوی هرچه بیشتر در آن فضاها فراهم آورد که نتیجه آن می‌شود وضعیت موجود؛ تا جایی که شرکت گوگل ده جستجوی اول ایرانیان را مربوط به محتوای غیراخلاقی و مغایر با فرهنگ اسلامی-ایرانی اعلام کرده است!

اما نکته‌ای که باید به آن توجه بسیاری شود گروه سنی افرادی است که به دنیای مجازها دسترسی دارند. در این میان تعداد وسیعی از نوجوان‌ها و جوان‌های زیر هجده سال با کنجکاو‌ی‌ها و جستجوگری‌های خاص سنشان قدم به دنیای اینترنت می‌گذارند که می‌توانند از آنچه می‌بینند الگوبرداری کرده و تاثیر بپذیرند. به عبارتی، با ورود به یک سایت یا وبلاگ ساده، به فضای چت روم‌ها و دوستی‌های اینترنتی کشیده می‌شوند و قرار ملاقات‌های اینترنتی رفته رفته جای خود را به قرار ملاقات‌های حضوری می‌دهد که می‌تواند به مرور ایجاد عقده، حسرت، احساس گناه و در بسیاری موارد آلودگی به گناه کند. به همین خاطر است که فسادهای اینترنتی روز به روز گسترده‌تر می‌شود و بسیاری از این فضاها که غالباً شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک، توئیتر، گوگل پلاس و... هستند، تبدیل به فاحشه‌خانه‌های مجازی شده‌اند که دختران و پسران نوجوان و جوان بسیاری با طلب کردن یک کارت شارژ تلفنی یا کارت‌های اعتباری اینترنتی، برای خود هوادارانی دست و پا کرده‌اند که عکس یا فیلم برهنگی خود را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند. گویا شعار «شارژی ۱۱ تومانی، ۱۱ دقیقه وب کم» به عرفی مرسوم بین برخی از جوانان در چت کردن با جنس مخالف تبدیل شده است که افراد در ازای مبلغ توافق شده خود را در



مقام معظم رهبری،
فرموده بودند:
هر طرح کلان
ملی، باید پیوست
فرهنگی داشته
باشد. به این معنا
که طرح‌های کلان
ملی نباید پیامدها
و تبعات منفی
فرهنگی ایجاد کنند.

باقی‌مانده امکان رمزگشایی وجود ندارد؛ در نتیجه ایران، تنها می‌تواند حدود ۲۵ درصد از پهنای باند اینترنت را فیلتر کند و وزارت ارتباطات هیچ‌گونه تسلطی بر ۷۵ درصد دیگر ندارد. این در حالی است که سیستم فیلترینگ در کشورهایی مثل: اسرائیل، فرانسه و انگلستان درصد قابل توجهی است. بیش از ۹۷ درصد از پایگاه‌های اینترنتی اسرائیل، بیشترین و قوی‌ترین سیستم فیلترینگ جهان را دارد و بعد از آن به ترتیب کشورهای انگلستان با ۷۰ درصد، فرانسه با ۶۶ درصد و آمریکا با ۳۶ درصد، فیلترینگ را در کشور خود اعمال کرده‌اند که این آمار در کشور ما کمی بیشتر از ۲۰ درصد بوده است!

نسل سومی‌ها

جمعیت نسل سومی‌های بعد از انقلاب اسلامی را افرادی تشکیل می‌دهند که پدیده‌ی اینترنت بیشتر در زمان آن‌ها ظهور و بروز پیدا کرد و استفاده‌ی آنها از خدمات اینترنتی به صدای هر از گاه اتصال دیال‌آپ و سرعت‌های بسیار کم برای دست‌یابی به تحقیقات مدرسه‌ای و دانشگاهی محدود می‌شد. تا اینکه رفته رفته لذت تبدیل آنالوگ به دیجیتال و جی.اس.ام. را چشیدند و امکان استفاده از فضای مجازی با سرعت بالاتر و پهنای باند بیشتری را تجربه کردند. کم‌کم استفاده از اینترنت از پشت رایانه‌های شخصی به گوشی‌های همراه انتقال یافت و هر کس امکان دسترسی به اینترنت با استفاده از گوشی‌های هوشمند خود را داشت. اما نسل سوم تلفن همراه، که در بهمن ماه ۱۳۸۹ با حضور شرکت رایتل به عنوان اپراتور سوم در صحنه‌ی ارتباطات و فناوری اطلاعات ظاهر شد، اخیراً با مسائل و واکنش‌های بسیاری مواجه شده است.

نمایشی دسته‌جمعی قرار می‌دهند و این مسأله برای آن‌ها کاملاً عادی است. این در حالی است که کشور ما از پیشینه‌ی اخلاقی، فرهنگی و اسلامی برخوردار است و پاکدامنی و غیرتمندی جوان ایرانی در طول سال‌ها زبازند خاص و عام بوده است. با این وجود، براساس نتایج تحقیق مؤسسه خانواده‌ی امن ۱۲ درصد سایت‌های جهان پورنوگرافی هستند و این رقم قابل توجهی است. ضمن این‌که همین مؤسسه اعلام کرده است که به جهت شدت آلودگی فضای اینترنت، ۳۴ درصد کاربران فضای مجازی ناخواسته پورنوگرافی را می‌بینند. اما آیا فیلتر کردن سایتها چقدر می‌تواند در کنترل نوجوانان و جوانان ایرانی تاثیرگذار باشد؟ بر اساس آمار سال ۱۳۸۸ (که آمار پس از آن گویای وضعیت بدتری است)، نیمی از پهنای باند نصب شده در ایران، نوعی تبادل اطلاعات است که جنس آن مشخص نیست و مسئولان مخابرات نیز با آن بیگانه‌اند! در ۲۵ درصد از ۵۰ درصد





□ در حال حاضر برخی از آداب و رسومی که در جامعه حکم فرماست با سبک زندگی اسلامی منافات دارد. مثلاً هنگامی که فردی از دنیا می‌رود خانواده او تا

سه روز مجلس عزا به پا می‌کنند و از اقوام و دوستان میت، پذیرایی می‌کنند. علاوه بر این برای مراسم هفته، چهلم و سالگرد کارت دعوت فرستاده و از آنان دعوت به شرکت در مجلس عزا و صرف ناهار یا شام می‌شود. بهتر است نگاهی به آموزه های دینی در این رابطه داشته باشیم. در روایات داریم:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ 7 قَالَ: لَمَّا قُتِلَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ 7 أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ 6 فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهُ عَلَيْهَا أَنْ تَتَّخِذَ طَعَامًا - لِأَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ تَأْتِيَهَا وَ نِسَاءَهَا فَتَقِيمَ عِنْدَهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَجَرَتْ بِذَلِكَ السَّنَةِ أَنْ يُصْنَعَ لِأَهْلِ الْمُصَيَّبَةِ طَعَامٌ ثَلَاثًا. (کافی، ج ۳، ص ۲۱۷، ۱)

امام صادق 7 فرمودند: هنگامی که جعفر بن ابی طالب کشته شد، رسول خدا 6 به حضرت فاطمه سلام الله علیها امر کردند تا سه روز برای همسر جعفر یعنی اسماء بنت عمیس غذا تهیه کند و ایشان با سایر زنان تا سه روز در خانه او بمانند. از این رو سنت این شد که تا سه روز برای خانواده داغدار غذا درستی کنند.

الصَّادِقُ 7: الْأَكْلُ عِنْدَ أَهْلِ الْمُصَيَّبَةِ مِنْ عَمَلِ أَهْلِ الْجَاهِلِيَّةِ - وَ السَّنَةُ الْبُعْثُ إِلَيْهِمْ بِالطَّعَامِ كَمَا أَمَرَ بِهِ النَّبِيُّ 6 فِي آلِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَّا جَاءَ نَعْيُهُ. (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۴۷)

امام صادق 7 فرمود: غذا خوردن نزد خانواده داغدار از رسوم مردم دوران جاهلیت است و سنت، فرستادن غذا برای خانواده مصیبت دار است آنچنان که پیامبر 6 وقتی خبر کشته شدن جعفر رسید چنین امری را در مورد خانواده جعفر بن ابی طالب 7 دادند.

روایت دیگری از این امام همام مؤید روایات فوق است. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ 7 قَالَ: يَنْبَغِي لِجِيرَانِ صَاحِبِ الْمُصَيَّبَةِ أَنْ يُطْعَمُوا الطَّعَامَ عَنْهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ. (کافی، ج ۳، ص ۲۱۷، ۳)

امام صادق 7 فرمودند: شایسته آن است که همسایگان صاحب عزا، تا سه روز، غذا تهیه کنند و برای صاحبان عزا ببرند. در کتاب وسائل الشیعه بابی تحت عنوان استحباب غذا بردن تا سه روز برای خانواده داغدار و کراهت غذا خوردن نزد آنان وجود دارد. از این روایات پیام های کاربردی نابی به دست می آید. از جمله این که وظیفه اقوام و همسایگان و دوستان این است که خودشان به زیارت خانواده داغدار بروند نه این که برایشان کارت دعوت فرستاده شود.

۲- در روایت به صراحت آمده است که غذا خوردن نزد خانواده داغدار از رسوم جاهلیت است و وظیفه دیگران است که خانواده داغدار را تنها نگذاشته و تا سه روز نزد آنان بمانند و برایشان غذا درست کنند. در حالی که متأسفانه در کشور ما دقیقاً خلاف این روایات انجام می شود و خانواده مصیبت دیده علاوه بر تحمل فوت عزیز از دست رفته باید متحمل هزینه های گزاف پذیرایی از مهمانان شوند تا به قول خودشان مراسم آبرومندانه برگزار کنند. که این هزینه ها هم بر مصیبت آنان می افزاید. البته هنوز جای شکر وجود دارد که در برخی مناطق و روستاها از جمله شهر یاسوج این سنت نبوی یعنی اطعام خانواده داغدار پابرجاست. بهتر است به تدریج با ذکر این روایات سنت نبوی را احیا کنیم و این روایات در مجالس ترجمه بیان شود.

اطعام خانواده داغدار

□ طاهره سادات سیدناری



غذا خوردن نزد خانواده داغدار از رسوم مردم دوران جاهلیت است و سنت، فرستادن غذا برای خانواده مصیبت دار است. آنچنان که پیامبر 6 وقتی خبر کشته شدن جعفر رسید چنین امری را در مورد خانواده جعفر بن ابی طالب 7 دادند.



جمعیت نسل سومی های بعد از انقلاب اسلامی را افرادی تشکیل می دهند که پدیده ی اینترنت در زمان آن ها ظهور و بروز پیدا کرد و استفاده ی آنها از خدمات اینترنتی به صدای هر از گاه اتصال دیال آپ و سرعت های بسیار کم برای دست یابی به تحقیقات مدرسه ای و دانشگاهی محدود می شد.



شورای عالی فضای مجازی که تنها مرجع صدور مجوز در عرصه ی فضای مجازی است نسبت به راه اندازی نسل سوم تلفن همراه منتقد بوده است و دبیر این شورا در نامه های متعدد این مطلب را به مسئولان ذی ربط گوشزد کرده است. این در حالی است که مجوز راه اندازی این سرویس برای اپراتورهای اول و دوم، یعنی شرکت های همراه اول و ایرانسل از اول شهریور ماه ۱۳۹۳ صادر شده است.

نسل سوم تلفن همراه به کودکان، نوجوانان و جوانان امکان دسترسی به شبکه های ماهواره ای و اجتماعی با استفاده از نرم افزارهای رایگان را می دهد، بدون آنکه پیش از مهیا ساختن این شرایط فرهنگ سازی مؤثری برای جلوگیری و پیشگیری از آسیب های احتمالی صورت گیرد، چرا که به دنبال شخصی شدن گوشی های همراه، امکان نظارت خانواده و پدر و مادر به صفر می رسد و بسیاری از محدودیت ها برداشته می شود؛ ضمن این که می تواند گروه سنی کودکان، نوجوانان و جوانان را به ابتذال و فساد بکشاند. علی رغم انتقادهایی که از سوی روحانیت، علما و اندیشمندان در راه اندازی این سرویس صورت گرفته است، هیچ اقدامی برای فرهنگ سازی و کنترل این ابزار صورت نمی گیرد و این می تواند تهدیدی جدی برای آینده ی اجتماعی ایران به حساب آید. مقام معظم رهبری، سال ها قبل فرموده بودند: هر طرح کلان ملی، باید پیوست فرهنگی داشته باشد. به این معنا که طرح های کلان ملی نباید پیامدها و تبعات منفی فرهنگی ایجاد کنند. درباره ی نسل سوم تلفن های همراه این مسأله حائز اهمیت است که در مقابل سود اقتصادی زیادی که نصیب وزارت مخابرات و اپراتورهای ارائه دهنده ی این نسل می شود، تأثیرات مخرب و تهدیدات فرهنگی بسیاری نسل آینده ساز جامعه ی ایرانی - اسلامی ما را به انحراف خواهد کشانید.

نسل سوم تلفن های همراه، امکان مشاهده ی فیلم و تصاویر در سرعت بسیار بالایی را فراهم می کند. اما مسأله ی اصلی محقق شدن آن در بستر اینترنت جهانی است که در همین راستا فعالان فرهنگی و اندیشمندان مخالف بسیاری خواستار شکل گیری شبکه اینترنت ملی به منظور پیشگیری از فسادها و انحرافات احتمالی اند. ضمن اینکه شبکه ی جهانی اینترنت، به راحتی امکان دسترسی به اطلاعات

و حریم شخصی افراد را دارد و بدین ترتیب می تواند به سادگی به جاسوسی اطلاعات افراد اعم از مطالب، حساب های شخصی، تصاویر و فیلم آن ها بپردازد. انتظار می رود کشور ما با وجود دانشمندان و اندیشمندان بسیار در راستای ایجاد اینترنت ملی از هیچ کوششی فروگذار نکند و نسل سوم تلفن همراه نیز بدون پیوست فرهنگی به راحتی در اختیار افراد جامعه قرار نگیرد.

این که چه بر سر ما آمده است و ته قصه ی عادتها و بی توجهی های ما به کجا می رسد، کاملاً روشن و آشکار است. قصه از آنجایی شروع می شود که این عادت به بی تفاوتی از مرز آدم ها به بی تفاوتی درباره ی خود می رسد و طبیعتاً آسیب های جبران ناپذیری برای فرد و جامعه به دنبال خواهد داشت.

ما روز به روز تبدیل به آدم های کلمه ای و پیامکی می شویم و گسترش این ابزارها و شبکه های اجتماعی نه تنها آدم ها را به هم نزدیک نمی کند، بلکه آنها را بیشتر در دایره تنهایی خودشان فرو می برد و به مرور می تواند در مکالمات و رفتارهای روزانه ی افراد با یکدیگر اثرات سویی بگذارد. در بسیاری از خانواده ها، وجود گوشی های هوشمند و اینترنت تری جی، منجر به کاهش مکالمات روزانه و کاهش ابراز عقاید و علائق عاطفی و شخصی شده است و هر یک از افراد در گوشه ای از خانه سر در دنیای عظیم اما به حقارت گوشی های همراهشان شده اند.

اگرچه امروزه اینترنت به عنوان ابزار مهمی در تجارت الکترونیک، بانکداری الکترونیک و... به حساب می آید، اما نمی شود منکر اثرات و ثمرات تلخ و نامطلوبی که مخلوط شدن با پدیده هایی مثل گوشی همراه، اینترنت، نرم افزارهای موبایلی و ماهواره بر جای می گذارند، شد. طبق آمار ازدواج و طلاق، یک سوم ازدواج های پایتخت به طلاق منتهی می شود و ریشه ی اصلی آن موارد نامبرده است. سوءظن هایی که همسران نسبت به گوشی های شخصی سازی شده ی یکدیگر دارند و به دنبال آن رسمی کردن روابط و معرفی اشخاصی از جنس مخالف به عنوان دوستان اجتماعی، به دعاها و بحث های بی در پی همسران دامن می زند و طبیعتاً این مسأله می تواند درخت تنومند زندگی مشترک سال های سال و نهال زندگی مشترک بسیاری از جوانان را تبر بزند و از پای بیندازد.



مصاحب آقای دکتر پیکاسنی

در سال های گذشته قاریان و حافظان مختلف در سبک های متفاوتی در جمهوری اسلامی پرورش پیدا کرده اند در میان این افراد که هر کدام خصوصیات ویژه ای به یدک کشیده اند نشریه زلال به سراغ جناب آقای دکتر نیکدستی رفته تا با زندگی قرآنی و پزشکی ایشان بیشتر آشنا شود.

جناب آقای دکتر لطفاً در مورد زندگی خود و محل تولدتان کمی برای ما توضیح دهید؟

اینجناب مسعود نیکدستی در بیست و ششم اسفندماه یکهزار و سیصد و پنجاه و پنج در خانواده ای متدین و مذهبی و در یکی از محله های قدیمی اصفهان به نام درب امام، متولد شدم. تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان شهید عمرو به اتمام رساندم. مدرسه راهنمایی شهید ربانی واقع در خیابان ابن سینا محل تحصیل دوران راهنمایی من بود و از خصوصیات این دو دوره این بود که همیشه جزو شاگردهای ممتاز بودم. دبیرستان های هاشمی رفسنجانی، علامه مجلسی و غیرانتفاعی امیدآیندگان مکان های تحصیل من در چهار سال دوران دبیرستان بود که در رشته علوم تجربی مشغول تحصیل بودم و در سال ۱۳۷۴ در رشته دندانپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان اصفهان قبول شدم و این ثمره عنایت خداوند سبحان و تلاش های فشرده ی ماههای آخر قبل از کنکور ۷۴ بود.

تحصیلات دانشگاهی شما در چه سالی بوده و تأسیس مطب به چه زمانی برمی گردد؟

تحصیلات دانشگاهی را در اسفندماه ۱۳۸۰ با موفقیت و با دفاع از پایان نامه و اخذ مدرک دکترای دندانپزشکی به اتمام رساندم. تأسیس مطب دندانپزشکی در سال ۱۳۸۲ نقطه عطفی در زندگی من محسوب می شود. اشتیاقم در راه گسترش خدمات به هم میهنان عزیز و اعتلای سلامت جامعه در سال ۱۳۸۳ با تأسیس کلینیک دندانپزشکی شبانه روزی امام حسین ۷ در شهرستان خمینی شهر اصفهان به اوج خود رسید. این کلینیک هم اکنون بعد از گذشت چندین سال یکی از فعالترین مراکز درمانی دندان پزشکی شبانه روزی در سطح استان اصفهان می باشد. حدود ۲۰ تن از دندان پزشکان و متخصصان دندان پزشکی

در این مکان شاغل می باشند. ثمره این فعالیت ها در کنار خادمی آستان مقدس قرآن کریم منجر به معرفی شدن اینجناب به عنوان جراح- دندانپزشک نمونه سال ۱۳۸۹ گردید که موجب بسی شکرگزاری حضرت باری تعالی می باشد.

ورود شما در عرصه قرآن با توجه به پزشک بودنتان بسیار قابل توجه است چند سطر را در این زمینه توضیح دهید؟

از اوان کودکی با توجه به محیط مساعد و مناسب خانواده و تشویق و ترغیب مادرم و حمایت های پدرم رحمه الله علیه یعنی در سن ۸ سالگی با قرآن این کتاب مقدس و آسمانی مانوس بودم. جرقه این عشق سرشار توسط استاد مرتضی بشیری از دوستان و اساتید دلسوز بنده زده شد که بحمد... تاکنون نیز ادامه داشته و بیشتر نیز شده است.

حضور مستمر در جلسات قرآن و کسب مهارت های قرآنی بر لذت و اشتیاق من می افزود و احساس کردم خداوند در کنار سایر نعمات موهبت ویژه ای به من عنایت فرموده و آن صوت خوش است. کشف این استعداد و هدایت آن توسط استاد و سعی و پشتکار و همت خودم باعث شد در روحوانی، روانخوانی، ترتیل و تجوید و نغمات و الحان قرآن موفقیت های چشم گیری بدست آورم.

بخاطر دارم تلاوت را با تقلید از سوره مائده استاد عبدالباسط آغاز نمودم در ادامه به سبک استاد محمد صدیق منشاوی روی آوردم و تلاوت های زیادی از این استاد را به خوبی و با رعایت ظرائف و جزئیات تقلید کردم و سپس نغمات استاد منشاوی را بر روی سایر آیات پیاده می کردم و همه از شنیدن آن لذت می بردند یعنی قرآن را با همان حال و هوا و همان حزن که در صدا و طریقه منشاوی وجود داشت تلاوت می کردم.

از دیگر اساتیدی که در نوجوانی از محضرشان بهره های فراوانی بردم جناب استاد سید ناصر رضوی، مرحوم استاد بدیع صنایع، استاد حسین وفایی و استاد رسول گوهری فر می باشند. به یاد دارم چهارشنبه شبها منزل آقای محمودیان

می رفتیم و از محضر استاد وفایی استفاده می کردم. شاید بتوان گفت شرکت در جلسات قرآن در طول هفته به بهترین تفریح و برنامه جانبی من در کنار تحصیل تبدیل شده بود.

جناب آقای دکتر شما در مسابقات قرآنی زیادی شرکت نموده اید لطفاً این مسابقات و رتبه های به دست آورده را برای ما ذکر کنید؟

در سن ۱۵ سالگی اولین مسابقه مهم و قابل ذکری که در آن طعم پیروزی را چشیدم مسابقات بزرگسالان بود که در هتل کوثر اصفهان از طرف بنیاد جانبازان برگزار گردید و من در بین بزرگسالان رتبه سوم را کسب نمودم که بسیار مورد تعجب و همچنین تشویق اساتید قرار گرفتم. سایر رتبه های اینجناب عبارتست از:

رتبه اول مسابقات قرآن دانشجویان در سطح کشور در سال ۱۳۸۱
رتبه اول مسابقات قرآن نیروهای مسلح در سطح کشور در سال ۱۳۸۱
رتبه اول مسابقات قرآن بین المللی حفظ و قرائت قرآن اوقاف و امور خیریه در سطح کشور در سال ۱۳۸۸
رتبه اول قرائت قرآن در بیست و پنجمین دوره مسابقات بین المللی حفظ و قرائت قرآن کریم ودر بین ۶۸ کشور جهان در تهران سال ۱۳۸۹

لطفاً تأثیرات قرآنی در زندگی خود را برای خوانندگان عزیز ذکر نمایید؟

قرآن تأثیر خود را بر روی محیط می گذارد و انسان نیز از همان محیط تأثیر می پذیرد البته تأثیر قرآن هم متفاوت است، یعنی خواندن قرآن، گوش کردن به آن و نگاه کردن به آن هر کدام تأثیر جداگانه ای بر محیط دارد و بدن و روح انسان هم از محیط تأثیر می پذیرد.

اگر از مسائل روزمرگی خسته باشم یا شرکت در جلسات تلاوت، آرامش پیدا می کنم و قرآن بیش از حد در زندگی من تأثیر مثبت گذاشته است البته تأثیر قرآن در زندگی بستگی به درجه ایمان شخص و هدفی که به سمت قرآن گام بر می دارد مربوط می شود برای مثال عده ای قرآن را



جذابیت های دنیوی جوانان را فریب می دهد و وقتی این مسائل را می بینم ناراحت می شوم البته تا آنجا که می توانم و بنا بر وظیفه ام برای انس بیشتر نسل جوان با آموزه های دینی و قرآنی تلاش می کنم. اما به اعتقاد من در این زمینه مسئولان و دولتمردان باید توجه ویژه ای داشته باشند

برای کسب درآمد استفاده می کنند.

آقای دکتر جنابعالی در انتخابات دوره ی گذشته شرکت نموده اید برای ما به طور مختصر توضیح دهید که انگیزه ی شما از شرکت در انتخابات چه بوده و چه ویژگی شما باعث شده که با استقبال مردم در این زمینه روبرو باشید؟

بنده از دوران کودکی وارد عرصه ی علمی و قرآنی شدم و سعی می کردم این دو کار را با هم و به نحو احسن انجام دهم. همانطوری که فعالیت علمی بنده منجر به دندانپزشکی گردید و در عرصه ی قرآنی در سال ۸۹ توانستم در مسابقات بین المللی در بین ۶۸ کشور رتبه ی اول را کسب نمایم. با توجه به اینکه بحث مجلس شورای اسلامی بسیار بحث حساس و گسترده ای بود با مشورت بیش از ۵۰ تن از بزرگان مطرح کشور مصمم شدم که در انتخابات مجلس شرکت نمایم و بدون اینکه در هیچ حزب و گروهی باشم نزدیک ۱۱۴ هزار رأی کسب نمودم و این به دلیل آن است که مردم شهر اصفهان مردمی متدین و مذهبی می باشند و به قرآنیان کشور اعتماد نموده اند که این از افتخارات بنده می باشد.

و سخن پایانی ...

متأسفانه جذابیت های دنیوی جوانان را فریب می دهد و وقتی این مسائل را می بینم ناراحت می شوم البته تا آنجا که می توانم و بنا بر وظیفه ام برای انس بیشتر نسل جوان با آموزه های دینی و قرآنی تلاش می کنم. اما به اعتقاد من در این زمینه مسئولان و دولتمردان باید توجه ویژه ای داشته باشند و در این حوزه ها سرمایه گذاری مناسبی انجام دهند چون با برنامه ریزی های کوتاه مدت و مقطعی کاری از پیش نمی رود و دردی درمان نمی شود.

در پایان از اینکه وقت خود را به ما اختصاص دادید کمال تشکر را داریم و برای همه فرزندان ایران زمین آرزو می کنیم که در زمینه های علمی و قرآنی پیشرفتی روزافزون داشته باشند.



نیازها و شرایط روحی و اتفاقات خوب و بد همدیگر خبری نداریم و یا اگر از بعضی از آن خبر داشته باشیم وقتی برای هم نداریم! اما کمی آن سوتر خانواده‌ای آسمانی در شرایط سخت ابتدای اسلام، جنگ‌های متعدد و مشکلات فراوان به شیوه‌ای دیگر عمل کردند! برای همدیگر زمان گذاشتند و به همدیگر توجه داشتند. رسول خدا ﷺ، حضرت فاطمه سلام الله علیها، حضرت علی و حسنین : خانواده و ارتباطات خانوادگی متفاوتی را به تصویر کشیده‌اند. از مأنوس ترین این تصاویر برای ما ارتباطی است که در حدیث کساء به تصویر کشیده شده است. رسول خدا ﷺ به محض ورود به خانه‌ی دختر خود از نیاز خود به فرزند سخن می‌گوید و دختر با مهربانی نیاز پدر را برطرف می‌سازد. حسنین : حضرت علی 7 به محض ورود به خانه، رایحه‌ی پدر بزرگ را حس می‌کنند و به سوی ایشان می‌شتابند. از سوی دیگر مادر با واژگان زیبا و پراحساس؛ نورچشم و میوه‌ی دلم، پاسخ فرزندان را می‌دهد. حضرت علی 7 و حضرت زهرا سلام الله علیها در کمال احترام و صمیمیت با همدیگر سخن می‌گویند و همدیگر را مورد خطاب قرار می‌دهند (عوالم العلوم والمعارف، ۹۳۴-۹۳۰، روایات دیگری نیز ارتباط این خانواده را توصیف می‌کند. اعضای خانواده بارها با همدیگر دیدار داشته و در کنار همدیگر و یا مقابل همدیگر نشسته‌اند، با یکدیگر ملاطفت دارند و به مزاح می‌پردازند. پدر بزرگ، فرزند و نوه‌های خود را می‌بوسند. داستان علی و فاطمه را در داستان خود می‌گیرد. « لیث بن ابی سلیم گوید: علی و فاطمه و حسن و حسین : خدمت پیغمبر ﷺ،



امروزه، عصاره‌ی ارتباطات است و وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی مانند: Viber, WhatsApp, Line و... بسیار زیاد شده و ما ساعات زیادی را به حضور در این شبکه‌ها و ارتباط با دوستان، همکلاسی‌ها، همکاران و حضور در گروه‌های متفاوت، حتی کسانی که اصلاً آنها را نمی‌شناسیم، می‌گذرانیم. خیلی وقت‌ها ساعت را که نگاه می‌کنیم دو سه ساعتی از شب را به ارتباط با دیگران در این شبکه‌ها گذرانده‌ایم. از احوال خیلی‌ها خبر داریم؛ از تاریخ تولدها، اتفاقات روزانه، دیدن عکس‌های بچه‌ها و همسر و دوستان کسانی که اصلاً نمی‌شناسیمشان! پست‌های افراد متفاوت را می‌خوانیم و... مهمتر از همه‌ی این‌ها اینکه زن و شوهر بعد از ۸-۹ ساعت کار روزانه به خانه آمده‌اند؛ اما خانم ساعتها سر در تبلت خود کرده و با دوستان و همکاران خود در ارتباط است و شوهر نیز با دوستان و همکاران خود. وسایل ارتباط جمعی، عصر ارتباطات را هم مجازی کرده است و عصر نا ارتباطات به وجود آورده است. بچه‌ها دل مشغولی خود را دارند؛ یا درون اتاق خودشان هستند یا گوشه‌ای از اتاق نشسته و به خود مشغولند. زن و شوهر، والدین و فرزندان و اقوام از همدیگر بی‌خبرند؛ چون وقتی برای هم ندارند. حتی در مهمانی‌هایی هم که هر چند وقت یک بار دور همدیگر جمع می‌شوند، هرکسی سر در موبایل یا تبلت خود کرده و با آن ارتباط دارد و هر از چندگاهی یک لطفیه و... را برای بقیه می‌خواند و خنده‌ای بر لبشان می‌نشانند؛ اما آنجا هم فقط جسمش در کنار اعضای فامیل قرار گرفته و از احوال ظاهری فامیل خبردار نمی‌شود. اگر سر درگوشی موبایل یا تبلت نکرده باشیم، چشم به تلویزیون دوخته‌ایم. یا اینقدر با فعالیت‌های متفاوت برای خود مشغله ایجاد کرده‌ایم که وقتی برای نزدیک‌ترین افراد خانواده هم نداریم! از کارها و برنامه‌ها و از

رسیدند. همه آنها می‌گفتند: من محبوبترم نزد رسول خدا ﷺ، آن حضرت، فاطمه را در آغوش گرفت و علی را به دوش گرفتند و حسن را در سمت راست و حسین را بر سمت چپ خود. سپس فرمودند شما از من هستید و من از شما.» (امالی صدوق، ترجمه: کمره ای، ۱۳-باصرف)، «علی 7 و فاطمه، حسن و حسین : در حالیکه کودک بودند بر رسول خدا ﷺ وارد شدند. پیامبر ﷺ، آن دو را در دامان خود نشاند و بوسیدند و با یکی از دستانش دست در گردن علی 7 انداختند و با دست‌ی دیگر دست در گردن فاطمه سلام الله علیها انداختند و فاطمه سلام الله علیها را بوسیدند» (امالی طوسی، ۱۳۶). «از حضرت علی 7 شنیدم: روزی به منزلم وارد شدم. در این هنگام رسول خدا نشسته بود و حسن در سمت چپ ایشان و حسین در سمت راستشان نشسته بود و فاطمه در مقابل ایشان نشسته بود» (کشف الغم، ۵۰۶/۱). اعضای خانواده با هم غذا می‌خوردند. پدر بزرگ از جمع بودن اعضای خانواده خوشحال می‌شوند و سجده‌ی شکر به جا می‌آورند «پیامبر ﷺ به دیدار فاطمه سلام الله علیها رفتند. پس برای ایشان حلوانی از خرما پخت و آن را مقابل ایشان قرار داد. پیامبر ﷺ، علی 7، فاطمه سلام الله علیها و حسنین : آنرا خوردند. هنگامی که رسول خدا از خوردن فارغ شدند، سجده‌ی طولانی‌ای کردند، سپس در سجودشان گریه کردند سپس خندیدند. امیرالمؤمنین 7 گفتند: رسول خدا! برای چه سجده کردی، گریه کردی و خندیدی؟ پیامبر ﷺ فرمودند: زیرا هنگامی که شما را جمع دیدم شاد شدم، برای خداوند سجده کردم...» (نهج الحق و کشف الصدق، ۴۲۲-۴۲۳). مادر با فرزندان خود بازی می‌کند و از شادی آنان به شدت شاد می‌شود. (تأویل الآيات-الظاهره، ۲۴۱). در روایت دیگری نیز حضرت فاطمه سلام الله علیها و حضرت علی : با همدیگر مشغول آسیاب کردن هستند. پیامبر اکرم ﷺ نیز وقتی به ایشان می‌پیوندند به یاریشان می‌پردازند (بحارالأنوار، ۵۱/۴۳-۵۰). این روایت یکی دیگر از نموده‌های حضور فعال اعضای خانواده در کنار یکدیگر و ارتباط صمیمی و توجه به یکدیگر است که همدلی ویژه‌ای را به دنبال دارد.

آیا جرم گیری به دندانها آسیب می رساند؟

این سؤالی است که گاهی بیماران از ما می پرسند برای پاسخ دادن به اینگونه سؤالات ابتدا باید بدانیم جرم دندان چیست؟

جرم گیری

جرم دندان چیست ؟

اگر برای مدت کوتاهی مسواک نزنیم لایه چسبنده سفید رنگی بر روی دندانها به خصوص در ناحیه مجاور لبه لثه رسوب می کند که به این لایه اصطلاحاً پلاک باکتریال گفته می شود. ترکیب این پلاک شامل باکتریها، سلولهای مرده، مخاط دهان، برخی ترکیبات بزاقی، پروتئین ها و... می باشد اگر پلاک باکتریال روزانه با مسواک و نخ دندان از روی دندان برداشته نشود به مرور زمان تبدیل به رسوبات آهکی می گردد که به رنگهای سفید، زرد، قهوه ای، و حتی در برخی از موارد سیاه نمایان می شود به این رسوبات اصطلاحاً جرم دندان گفته می شود. برخلاف پلاک که به راحتی با مسواک و نخ دندان از سطح دندان برداشته می شود، جرم دندان قابل برداشتن با مسواک و نخ دندان نیست و جهت تجمع باکتریهای بیماری زا فراهم نموده و بدین ترتیب گام نخست جهت التهاب لثه و شروع بیماری لثه برداشته می شود. در صورتی که جرم گیری انجام نشده و عوامل بیماری زا برطرف نگردد بیماری پیشرفت نموده و منجر به درگیری بافت اطراف ریشه دندان و تحلیل استخوان اطراف ریشه می شود که در موارد پیشرفته، بیماری به مرحله ای می رسد که منجر به لقی شدید دندان شده و در این صورت چاره ای جز کشیدن دندان باقی نمی ماند.

آیا جرمگیری مضر است ؟

تصور برخی از افراد بر این است که جرمگیری باعث آسیب مینای دندان می شود حال آنکه وسیله ای که جهت



جرم گیری دندان

دکتر فرهاد زمانی
جراح و دندانپزشک

حساسیت ایجاد شده نتیجه تشکیل جرم و تحلیل لثه می باشد. در اغلب موارد این حساسیت گذرا بوده، خود به خود یا با استفاده از خمیر دندان و دهان شویه های ضد حساسیت برطرف می شود. در برخی از موارد که تحلیل لثه پیشرفته است، لثه بین دندانی که در حالت عادی فضای بین دندانها را پر می کند تحلیل رفته و فضای خالی ما بین دندانها به جای می گذارد که این فضای خالی توسط جرم پر می شود. بعد از جرمگیری و برداشتن جرم موجود در این ناحیه، فضای خالی در بین دندانها آشکار می شود که تصور عامه بر آنست که در نتیجه جرمگیری ایجاد شده حال آنکه ماحصل تشکیل جرم و تحلیل پیشرفته لثه می باشد. با توجه به آنچه در فوق ذکر شد بهترین راه برای جلوگیری از وقوع بیماری های لثه و معضلات ناشی از آن ممانعت از تشکیل پلاک و جرم دندانی است که این امر از طریق رعایت بهداشت دهان و دندان و استفاده صحیح از مسواک و نخ دندان میسر می باشد. در غیر این صورت جرم تشکیل شده که برداشتن آن از طریق جرم گیری امکان پذیر است. آخرین نکته قابل ذکر در مورد خمیر دندان هایی است که تحت عنوان خمیردندان ضد جرم در دسترس می باشند این خمیر دندانها قادر به برداشتن جرم تشکیل شده بر دندانها نبوده، تنها رنگهایی که در اثر مصرف برخی مواد غذایی یا دخانیات بر سطح دندان نشسته را از سطح دندان پاک می کند، مضاف بر اینکه مصرف مداوم اینگونه خمیر دندانها در طولانی مدت موجب سایش دندان و ایجاد حساسیت می گردد.

جرم دندان با مسواک قابل برداشتن نبوده و تنها از طریق جرم گیری از سطح دندان برداشته می شود. جرم دندان محیط مناسبی را جهت تجمع باکتری های بیماری زا فراهم نموده و بدین ترتیب گام نخست جهت التهاب لثه و شروع بیماری لثه برداشته می شود.



لبخند فرزندان آرامندان

دکتر نرگس عطریان

پیری مرحله پیشرفته زندگی است. مردان و زنان سالخورده‌ای که خوب زندگی کرده‌اند، فرزندان شایسته تربیت کرده‌اند و در تولید و خدمات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آثاری مثبت از خود به جای گذاشته‌اند. بیشترین احترام‌ها و آرامش را در دوره ی پیری کسب می‌نمایند. تعیین سن دقیق پیری کار دشواری است. عموم روانشناسان سن ۶۵ سالگی را شروع سن پیری می‌دانند. البته این موضوع به سطح امید فردا به زندگی بستگی زیادی دارد. پیری بر خلاف آنچه غالباً تصور می‌شود همراه با آن گونه مشکلات نیست که بر سر زبانها افتاده و پیران را افرادی الزاماً خسته، بیمار، افسرده، بی‌حافظه، دل‌نازک و عجیب و غریب می‌دانند. گرچه تعدادی از آنها این حالات را دارند اما درصد زیادی از افراد پیر تا ماه‌های آخر عمر خود توانایی‌های قابل‌ذکری دارند. آنها منبعی از تجارب ارزشمند می‌باشند که در جامعه در کنار

دیگران هستند. همه ی افراد دوست دارند که دوره ی پیری خود را با شادی، رضایت از زندگی و خوشحالی سپری کنند. رسیدن به سنین بالای زندگی نتیجه ی عوامل پیچیده‌ای در دوران های جوانی است که اهم آنها عبارتند از: وضعیت ژنتیک فرد، وضع تغذیه، بهداشت، وضعیت فرهنگی و اجتماعی و سایر عوامل محیطی دیگر. در هر صورت پیری همراه با تغییرات جسمی بخصوص: کاهش قدرت بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی و کاهش قدرت بدنی و هماهنگی حرکتی و سرعت واکنش در مقابل محرک هاست. از میان اندام های بدن، سلامت مغز دیرتر از همه کاهش می‌یابد. برخی متخصصین معتقدند حتی تعداد سلول های مغز تا اوایل پیری کاهش را نشان نمی‌دهد. یکی دیگر از تغییرات جسمی دوره ی پیری حساسیت در مقابل سرما و گرماست. مقدار خواب نیز در این دوره کاهش می‌یابد. خواب افراد سالخورده سبک تر است و کمتر خواب می‌بینند. چین و چروک های بدن به دلیل کم شدن چربی و لاغر شدن عضلات زیر پوست بیشتر می‌شود. پهنا و وزن بدن کمتر، قد کوتاه تر و استخوان ها لاغرتر و خمیده تر می‌شود. اما نظام هضم غذا نسبتاً کارآمد باقی می‌ماند و کبد و کیسه ی صفرا عملکرد تقریباً طبیعی خود را حفظ می‌کند. ورزش و رژیم غذایی مناسب برای طول عمر اهمیت بسیار دارد. افراد مسنی که روزانه پیاده روی می‌کنند یا به کارهای سبک در باغچه و یا منزل می‌پردازند بخصوص در مقابله با ارزش عضلانی و بیماری های قلبی و پوکی استخوان وضع بهتری دارند. یکی از ضروری ترین نیازهای دوران سالمندی این است که از محبت اطرافیان و آرامش روحی بهره مند باشند. آنها می‌خواهند مورد قبول اطرافیان و فرزندان خود باشند، دوست دارند مستقل زندگی کنند و سربار فرزندان نباشند. در اینجا توصیه های کلی آرایه می‌گردد تا بهتر و راحت تر با

سالمندان برخورد کرده و به حفظ شأن و شخصیت آنها توجه بیشتری داشته باشید:

- ۱- حتی اگر صحبت آنها تکراری، نادرست و باب میل نباشد اجازه دهید خودشان را ابراز کنند و به صحبت های آنها توجه نمایید.
- ۲- صبور باشید. چون افراد مسن نمی‌توانند کارها را خودشان انجام دهند می‌خواهند دقیقاً برای شما توضیح دهند که این کار را چگونه انجام دهید و شاید خیلی هم آن را تکرار کنند آنها می‌خواهند کار مطابق با نظر و دستورالعمل آنها انجام شود.
- ۳- لبخند بزنید و سعی کنید با شادی اختلاف نظر و تفاوت دیدگاه بین نسل ها را جبران کنید تا لحظات خوشی را با هم سپری کنید.
- ۴- چند روزی را اگر می‌توانید تنها به سفر بروید و افراد سالمند را به اطرافیان بسپارید یا به مشاهده فیلم های مورد علاقه ی خود بپردازید تا دوباره احساس رضایت، صبر و آرامش در شما ایجاد شود و به عبارتی خستگی شما در رود.
- ۵- در همه شرایط چه در خلوت و چه در جمع حتماً احترام سالمندان را نگهدارید. بخصوص والدین شما همیشه نیازمند توجهات شما نبوده‌اند بلکه روزی بود که شما نیازمند توجه و مهربانی آنها بودید و بر اثر زحمات بدون چشم داشت آنها، شما امروز به این جا رسیده اید. پس حفظ شأن و شخصیت آنها و رعایت احترامشان بر عهده ی شماست. هر چه قدر هم از لحاظ مالی بی‌نیاز باشند بدانید آنها همیشه چشم به راه جوانان و اطرافیان نشسته‌اند.

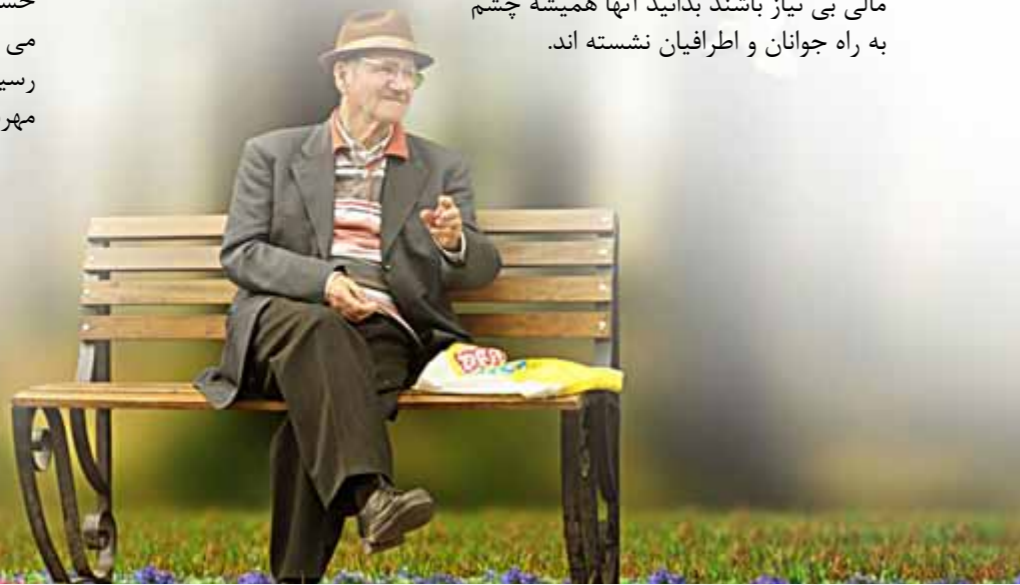
امام سجاد 7 در این باره می‌فرمایند: حق سالخورده این است که حرمت پیری اش را بدارد. اگر سوابق فضیلت در اسلام دارد تجلیلش کنید. او را مقدم بدارید. در اختلافات خصمانه با او روبه رو نشوید. در راه رفتن بر وی سبقت نگیرید و پیشاپیش او راه نروید. نادانش نشمارید. اگر رفتار جاهلانیه ای کرد تحمل کنید. به مقتضای سوابق مسلمانی و سالمندی احترامش کنید که حق سن و سال نیز چون حق اسلام است. (نهج الفصاحه، صفحه ۲۲۲، کلمه ی ۱۱۱۰)

منابع: سایت شخصی کاظم شعبانی، چگونگی برخورد با والدین سالمند، مطالب اجتماعی فرهنگی حسین لطف آبادی، روانشناسی رشد ۲، انتشارات سمت.

**حالم را بپرس
مگذار دروغ
بگویم خوب
چون خیالت راحت
می‌شود و من
تنهاتر.
کمی نگران من
باش نگرانی تو
حال مرا
خوب می‌کند.**

در آخر هم بخوانید نصیحت یک مادر را به فرزندش:

روزی از روزها مرا پیر و فرتوت خواهی دید و شاید در کارهایم غیرمنطقی!! در آن وقت لطفاً به من کمی وقت بده و صبر کن تا مرا بفهمی. هنگامی که دستم می‌لرزد و غذایم بر روی لباسم می‌ریزد، هنگامی که از پوشیدن لباسم ناتوانم. در آن وقت صبر کن و سال‌هایی را به یاد آور که کارهایی که امروز نمی‌توانم انجام دهم خود به تو آموزش می‌دادم. اگر دیگر جوان و زیبا نیستی! مرا ملامت نکن! کودکی ات را به یاد آور که تلاش می‌کردم تو از همه زیباتر باشی. از کند شدن ذهنم، از آرام شدن حرف زدنم خسته نشو. من همچنان می‌دانم که چه می‌خواهم فقط هنگامی که پاهایم برای رسیدن به مقصد یاری ام نمی‌کند، تو با من مهربان باش آن چنان که با تو مهربان بودم...



پرچم‌دار بزرگ اخلاق

حسین فصیح فر

برای سعادت جامعه و اصلاح امور آخرت مردم، اندیشمندان و دلسوزان پای بندی به اخلاق را توصیه می‌کنند، اما برای اخلاقی شدن جامعه انگیزه‌ها و مصداق‌های روشنی باید داشته باشیم تا تأثیرپذیری افراد بیشتر شود. به خاطر این ضرورت به نظرم رسید مطالبی چند درباره یکی از علمای بزرگ اخلاقی حضرت خاتم‌المحدثین حاج شیخ عباس قمی اعلی الله مقامه بنویسم، اما چون نوشتن درباره عالم بزرگی همچون او کار ساده‌ای نیست، مناسب دیدم در آغاز از قلم رسای یکی از اساتید ممتاز دانشکده حقوق دانشگاه تهران یعنی مرحوم استاد محمود شهبانی کمک بگیرم. این استاد دانشمند که افتخار شاگردی مرحوم محدث قمی رحمه الله علیه را در مشهد مقدس داشته در مقدمه کتاب شریف فوائده الرضویه چاپ ۱۳۲۷ شمسی مطالبی مفصل مطرح کرده و ضمن آن نوشته است: «در سال ۱۳۳۸ قمری برای تحصیل به مشهد مشرف شدم، چند سالی بعد که در مشهد بودم و با این دانشمند با ایمان معاشرت داشتم روز بروز بر ارادتم می‌افزود در یکی از ماههای رمضان با چند تن از رفقا از ایشان خواهش کردیم اقامه جماعت را بر عهده مندان

منت نهند. با اصرار این خواهش پذیرفته شد و چند روز نماز ظهر و عصر در یکی از شبستانهای مسجد گوهرشاد اقامه شد و بر جمعیت این جماعت روز به روز افزوده می‌شد. یک روز پس از اتمام نماز ظهر به من که نزدیک ایشان بودم گفتند: من امروز نمی‌توانم نماز عصر بخوانم، رفتند و دیگر آن سال برای نماز جماعت نیامدند، در موقع ملاقات و استحضار از علت ترک نماز جماعت گفتند:

با آنکه تخصص آن بزرگوار درایت الحدیث و معرفت الرجال و اخلاق علمی و احاطه به نکات اخبار بوده ولی به لطف حق تعالی به تمام علوم گوناگونی که از آغاز تا مراحل نهایی خوانده بود مانند صرف - نحو، معانی بیان تفسیر قرآن - منطق - فقه، اصول - علوم الحدیث و... حضور ذهن و اطلاعات کافی داشته است.

حقیقت اینست که در رکوع رکعت چهارم متوجه شدم که صدای اقتداء کنندگان که پشت سر من می‌گویند: «یا الله ان الله مع الصابرين» از محلی بسیار دور به گوش می‌رسد، این توجه که مرا به زیادتی جمعیت متوجه کرد در من شادی و فرحی تولید کرد و خلاصه خوشم آمد که جمعیت این اندازه زیاد است، بنابراین من برای امامت اهلیت ندارم!!! مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمه الله علیه بی اغراق خود چنان بودند که برای دیگران می‌خواست و خود چنان عمل می‌کرد که به دیگران تعلیم می‌داد. هر کس او را با آن حال صفا و خلوص می‌دید تحت تأثیر بیانات صادقانه او واقع می‌شد و به فکر اصلاح حال خویش می‌افتاد. در سال ۱۳۴۱ هجری قمری (۹۵ سال پیش) با چند تن از رفقا از ایشان خواهش کردیم شب‌های پنجشنبه و جمعه در مدرسه میرزا جعفر به عنوان اخلاق درسی برای طلاب شروع کنند. قریب هزار تن از طلاب و علمای شهر در آنجا حضور می‌یافتند، حدود ۳ ساعت در قسمت‌های اخلاقی بحث می‌کردند. تبحر ایشان در اخبار و روایات که غالباً مسند نقل می‌شد، شنوندگان را که همه اهل علم و اطلاع بودند سخت مورد اعجاب و استفاده واقع می‌گردید. محدث قمی رحمه الله علیه سال ۱۲۹۴ قمری در شهر مقدس قم متولد شد. طفولیت و آغاز جوانی را در قم گذراندند و علوم مقدماتی را در آنجا تحصیل و تکمیل نمود تا آنکه در سن هیجده سالگی به نجف اشرف مشرف گردید. آن بزرگوار ضمن اینکه علوم معمول حوزه مانند فقه و اصول و... تحصیل می‌کرد اما چون بیشتر به احادیث مرویه از معصومین - علاقه مند بود و رسم دیرین بزرگان چنین بود که برای فراگرفتن علم حدیث و استفاده از مشایخ و اساتید آن سفرها می‌کردند و رنج‌ها می‌بردند لهذا خدمت و تلمذ حضرت قدوه المحدثین مرحوم حاج میرزا حسین نوری را اختیار نمود و چنانچه خود نگاشته است همه اوقات در سفر و حضر شب و روز از استادش استفاده‌های فراوان علمی برده است. پس از مدتی اقامت در نجف به قم برگشت و در سال ۱۳۳۲ قمری

به مشهد مقدس مهاجرت نمود و در سال ۱۳۵۲ برای بار دوم به نجف اشرف مشرف شد و تا پایان عمر (سال ۱۳۵۹ قمری) در آنجا اقامت داشت. اما آنچه را که فی‌الجمله تبعی در پاره‌ای از آثار محدث رحمه الله علیه به دست آورده ام به عرض خوانندگان عزیز می‌رسانم شاید برای بعضی مفید واقع شود.

تجلی اخلاق اسلامی در زندگی محدث قمی رحمه الله علیه :

محدث قمی رحمه الله علیه نمونه یک عالم بزرگ اخلاقی است که می‌تواند سر مشقی برای همه مردم از پیر و جوان واقع گردد دل به یار و سر به کار داشت. قلبش ظرف مشیت الهی بود از عجب و ریا و سمعه و سایر رذائل اخلاقی احتراز جدی و در صفات عالی اخلاقی مانند تواضع و اخلاص و خیرخواهی مقامی ممتاز داشت. جزئیات زندگی اش با احکام و سنن الهیه و طریقه مرضیه ائمه معصومین : آمیخته بود به تهذیب اخلاق که شاخه‌ای از حکمت عملی و میوه درخت دیانت است. بسیار پای بند بود و تألیف کتاب «مقامات علیه» که مختصر معراج السعاده است گویای این حقیقت است. خوبی یک انسان در موارد زیر سنجیده می‌شود ۱- بندگی پروردگار ۲- ولایت مداری ۳- اداء حقوق محدث قمی رحمه الله علیه راجع به تمام این موارد امتیاز کامل را دارا می‌باشد. شایسته است راجع به این مطالب کلی توضیحاتی به صورت مصداقی آورده شود :

۱- عبودیت محدث قمی رحمه الله علیه :

آن بزرگوار در بندگی پروردگار بسیار جدی بوده و علمایی که در نجف ایشان را می‌دیدند و معاشرت داشته‌اند مانند مرحوم آیت الله حاج شیخ علی مشکوه و آیت الله حاج شیخ حیدر علی محقق، از توفیقات فراوان محدث قمی رحمه الله علیه در عبادات و زیارات مطالب فراوانی نقل کرده‌اند و از همه گویاتر تألیف کتاب شریف «مفاتیح الجنان» می‌باشد.

۲- ولایت مداری : اگر محقق اردبیلی رحمه الله

علیه در پایان نامه معروفش به شاه عباس با عنوان بنده شاه ولایت (احمد اردبیلی) امضاء کرد اکنون ببینم محدث قمی رحمه الله علیه در پایان عرض حالش به امام صادق 7 چگونه امضاء نموده است. در منتهی الامال در پایان بخش زندگی امام صادق 7 اینگونه اظهار می‌دارد : این فقیر (عباس قمی) خدمت آن حضرت عرض می‌کنم که ای آقای من، من تا خود را شناخته‌ام بر در خانه شما بوده‌ام و گوشت و پوست خود را از نعمت شما پرورده‌ام، رجاء واثق و امید صادق که در این آخر عمر از من نگهداری کرده و بعد با استعارات خاصی و با فروتنی اشعاری که سروده به امام صادق 7 ملتجی شده‌ام که من قلمم جاری نمی‌شود که آن اشعار را بنویسم فقط مصرع دوم بیت آخر را می‌آورم که سروده است :

سنگم مزن و مرانم از پیش از محدوده (در خانه) شما چگونه دست بردارم ؟ در حالیکه عشق و علاقه من به شما آبروی من است. آقای من مباد آن چنان روزی که من در خانه غیر شما ایستاده باشم. البته همیشه محبت دو جانبه است و ائمه معصومین هم به این بزرگوار نظر

لطف و مرحمت خاصی داشتند. چنانچه اینجانب در سال ۱۳۴۴ شمسی در یک مجلس تفسیر قرآن از مرحوم آیت الله حاج شیخ علی مشکوه رحمه الله علیه شنیدم که گفتند : زمانیکه نجف بودم و مرحوم محدث قمی رحمه الله علیه هم آنجا مشرف بودند برای ما یقین حاصل شده و قطعی و مسلم بود که ایشان (محدث قمی رحمه الله علیه) خدمت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌رسیدند اما هیچ‌گونه اظهار و تظاهری در این زمینه نداشتند. محدث قمی رحمه الله علیه توسلات فراوان به ائمه معصومین داشت چنانچه در صفحه ۲۵۰ فوائده الرضویه نوشته است: هرگاه متوسل به سادات خود می‌شوم توفیقی عظیم در خود می‌بینم والا گاهی می‌شود که ماها بر من بگذرد که یک کراس (دو صفحه کتاب) نتوانم نگاشتم پس تمام آنچه نوشته‌ام از برکات اهل بیت : است.

حقوق :

ایشان خیلی مواظب بودند که حق هر کسی را که دارای حق است ادا کنند، مطالب فراوانی درباره احترام ایشان به افراد خانواده و فامیل شنیده یا خوانده‌ایم که برای بیان آنها در اینجا جدا فضا کم است. محدث قمی رحمه الله علیه نسبت به پدر همسرشان (مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی رحمه الله علیه) که در سال ۱۳۲۵ شمسی با فوت آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی رحمه الله علیه مرجعیت ایشان گسترش یافت، اما زمان زیادی طول نکشید که به رحمت پروردگار واصل شد. در کتاب شریف «فوائد الرضویه» تعریف و تمجید فراوان نموده و خویشاوندی با آن بزرگوار را از نعمت‌های پروردگار نسبت به خود دانسته است.

احترام و علاقه فراوان به استاد

بزرگترین حق شناسی و اظهار علاقه و احترام را محدث قمی بعد از رعایت حق الله و اهل بیت : در مورد استادش، علامه حاج میرزا حسین نوری رحمه الله علیه اظهار داشته که در تاریخ علم و ادب جهان بی نظیر



یا بسیار کم نظیر است. در فوائدالرضویه ذیل ترجمه استادش در مورد فوت او می نویسد: «مصیبتش بر عامه مسلمین به خصوص بر این داعی که در خدمتش منزلت اولاد داشتم چندان تلخ گذشت که هنوز مرارت آن را در کام خود می بینم.»

در میان عالمان دیروز و امروز و دانشگاهیان شرق و غرب جهان،



کدام دانشمند فرهیخته‌ای را می‌توان پیدا کرد، که در حالی که خودش از بزرگان علماء می‌باشد به خاطر ادب و اخلاق اسلامی در آرزوی تجدید دیدار استاد فقیدهش گذاشته‌های قلب خود را اینگونه بیرون بریزد و بگوید: بعد از فوت استاد بمانند ماهی ای می‌مانم که آن را در خشکی انداخته و یا برف و یخی که در تابستان روی زمین ریخته‌اند.

عمر پر برکت و آثار ارزشمند محدث قمی :

آن بزرگوار به مدت شصت و پنج سال (۱۳۵۹ - ۱۲۹۴ قمری) زندگی کرد اما به اندازه ی چندین قرن زحمت کشید، ایشان از تمام لحظات عمرش بهره می‌برد و حتی در ایام سیر و سفر اگر گذرش به مسجد یا مدرسه ای یا کتابخانه یا مزاری می‌افتاد، بر اندوخته‌های علمی و تاریخی خود می‌افزود. چنانچه در سال ۱۳۱۹ قمری در سن بیست و پنج سالگی در حالی که از سفر حج بر می‌گشت گذرش به اصفهان افتاد و برای چند لحظه جهانگیرخان قشقائی را با کلاه پوست در حجره ای در مدرسه صدر مشغول تدریس دیده، حدود پانزده سال بعد به این خاطره در فوائدالرضویه اشاره کرده است. محدث قمی بمانند علامه مجلسی رحمه‌الله‌علیه زندگی با برکتی داشت و در این عمر نه چندان طولانی حدود هشتاد اثر ارزنده از خود به یادگار گذاشت که در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود :

- ۱- «سَفِينَةُ الْبَحَارِ وَ مَدِينَةُ الْحَكَمِ وَ الْآثَارِ» که در واقع فهرست گویایی است از بحارالانوار و بمانند دائرة المعارفی مرقوم داشته است و استدراکات خود و فوائد مهم علمی و اخلاقی و تاریخی و رجالی بر آن افزوده، بطوری که برای هر فقیه و متکلم و محدثی، مرجعی مناسب و مورد توجه است.
- ۲- «فَوَائِدُ الرُّضْوِيَّةِ فِي أَحْوَالِ عُلَمَاءِ الْمَذْهَبِ الْجَعْفَرِيَّةِ» شرح حال حدود یک هزار و دویست نفر از علمای امامیه به زبان فارسی و عربی نگاشته شده است.



بی اغراق خود چنان بودند که برای دیگران می‌خواست و خود چنان عمل می‌کرد که به دیگران تعلیم می‌داد. هر کس او را با آن حال صفا و خلوص می‌دید تحت تأثیر بیانات صادقانه او واقع می‌شد و به فکر اصلاح حال خویش می‌افتاد.

- ۳- «غَايَةُ الْقُصُويِ ترجمه عروة الوثقى»
- ۴- مُنْتَهَى الْأَمَالِ فِي تَوَارِيخِ النَّبِيِّ وَ الْأَلِّ
- ۵- تَمَمَةُ الْمُنْتَهَى،
- ۶- الْكُنْيَةِ وَ الْأَلْقَابِ،
- ۷- هَدْيَةُ الْأَحْبَابِ
- ۸- مَقَامَاتُ عَلَيْهِ مَخْتَصَرِ معراج السعادة
- ۹- مَفَاتِيحُ الْجَنَانِ وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتِ
- ۱۰- نَفْسُ الْمَهْمُومِ

تذکر بسیار قابل توجه :

در اینجا لازم دیدم قُرْبَةَ السِّيِّدِ اللَّهِ تَعَالَى یک یادآوری داشته باشم و آن اینکه کتاب‌های محدث قمی تماماً جالب و دلپذیر است و نسبت به شیوه نگارش زمان خودش بسیار شیوا و روان تر است بطوری که خواننده هیچگاه احساس خستگی نمی‌کند، مخصوصاً اگر انسان در شرایطی قرار بگیرد که احساس کند نیازمند ناصح و مشاوره می‌باشد وقتی کتاب‌های ایشان بویژه تَمَمَةُ الْمُنْتَهَى را بخواند احساس می‌کند، سقراط و بزرگمهر حکیم با او سخن می‌گویند و بهترین راه را جلوی پای او قرار داده‌اند.

اطلاعات فراوانی محدث قمی رحمه‌الله علیه از علوم اسلامی :

با آنکه تخصص آن بزرگوار درایة الحدیث و معرفة الرِّجَالِ وَ اخلاقِ علمی و احاطه به نکات اخبار بوده ولی به لطف حق تعالی به تمام علوم گوناگونی که از آغاز تا مراحل نهایی خواننده بود مانند صرف - نحو، معانی بیان - تفسیر قرآن منطوق - فقه، اصول - علوم الحدیث و... حضور ذهن و اطلاعات کافی داشته است. در مواردی که لازم دیده برای اثبات یک حکم شرعی به مدارک بالای فقهی مانند قواعد و مکاسب و جواهر و یا کتب میرداماد استفاده کرده و اگر جایی به «غریب الالفاظ» برخورد کرده با توجه به ضوابط دستوری مانند قواعد جمع و تصغیر و ترخیم و اعلال و اعتلال، آن صیغ مشکله را بازگشایی کرده و سهل و آسان در اختیار خواننده قرار داده است. محدث قمی رحمه‌الله‌علیه در کتاب تَمَمَةُ

المُنْتَهَى وقایع اسلامی را از آغاز سال یازدهم تا سال ۱۲۸۱ (سال فوت شیخ انصاری) به اجمال یا تفصیل بسیار جالب ذکر کرده است. بطوری که خواننده هیچ گاه خسته نمی‌شود. در کتاب «الکُنْيَةِ وَ الْأَلْقَابِ» که دارای سه مجلد است. ترجمه حدود ۱۳۵۰ نفر از علماء و مشاهیر ذکر شده است. حدود هفت هزار (۷۰۰۰) گزینه به عنوان «اعلام» در طی یکصد و پنجاه صفحه در پایان جلد سوم گردآوری شده است. محدث قمی از تاریخ انبیاء و اسلام و ایران و مقاتل الطالبیین و انساب آل ابی طالب و ادبیات عرب اطلاعات کافی داشته است.

ادبیات ایران و شعرای پارسی گوی نیز از نظر مبارک او دور نمانده‌اند. چنانچه در منتهی‌الآمال اشعار زیادی از سعدی (مخصوصاً از باب چهارم بوستان که درباره تواضع است) و نظامی و حافظ و خاقانی شروانی و در الکنی و الالقاب با آنکه متن کتاب به عربی است اما به عنوان نمونه، اشعاری از ابن یمین جامی - فردوسی طوسی - قطران تبریزی - سنائی غزنوی حکیم نظامی - بابافغانی و ظهیرالدین فاریابی آورده است.

احتیاط محدث قمی رحمه‌الله علیه در نقل اخبار و روایات :

ایشان با دقت خاصی اخبار و ادعیه را بیان کرده‌اند و به موجب روایتی از امام صادق ۷ که فرمودند: «عَرَبُوا أَحَادِيثَنَا فَأَنَّا قَوْمٌ فَصَحَاءُ» با دقت کامل در اعراب کلمات، عبارات را ضبط کرده و هر جا نسخه بدلی لازم به نظر رسیده به آن اشاره شده است.

آن بزرگوار در مفاتیح الجنان انتقاد شدیدی از افرادی کرده که به میل خود جملاتی بر دعاها و زیارات اضافه و یا از آنها کم کرده‌اند.

محدث قمی رحمه‌الله علیه متعهد به امر به معروف و نهی از منکر :

در تمام آثار محدث قمی آثار خیرخواهی، امر به معروف و نهی از

منکر، فراوان به چشم می‌خورد. در منتهی‌الامال، از اینکه مشاهده می‌کرد، پاره‌ای از مردم در حرکات و سکنات و سبک زندگی و تشبیه به کفار و مشرکین و یا با یکدیگر مسابقه گذاشته‌اند و از اینکه می‌دید بعضی از معاصی چنان شایع شده و قباحتش از بین رفته است که تبدیل به معروف شده و نهی از آن منکر می‌نماید نگرانی شدید خود را اظهار کرده است. آن بزرگوار برای ذاکران مصائب اهل بیت نیز سفارش‌هایی کرده که مواظب باشند کارشان به ربا و کذب و غنا، آلوده نشود و از مدح کسانی که استحقاق مدح ندارند خودداری کنند، البته سفارش‌هایی هم به مستمعین و صاحبان مجالس دارد که از سلسله جلیله اهل منبر و ذاکرین اهل بیت توقع بی‌جا نداشته باشند و بدانند که هر چه در این راه بدهند کم داده‌اند و هر چه کنند کم کرده‌اند.

بر خورد کریمانه :

آن بزرگوار اگر در مواردی انتقادی داشته به مصداق «وَ إِذَا مَرُوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»، پس از آنکه نقد خود را بصورتی منطقی و مستدل بیان داشته خیلی جالب و با جملاتی مانند :

« وَ أَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَزِيدَ فِي دَرَجَاتِهِ... وَ يُسَامِحَنِي وَ آيَاهُ فَإِنَّهُ قَاضِي الْحَاجَاتِ » از آن شخص منتقد (یصفه اسم مفعول) به نوعی دلجویی و با برخوردی کریمانه روح او را شاد کرده و قضیه را خاتمه داده است.

خلاصه سخن و پایان زندگی :

بطور خلاصه باید گفت مرحوم ثقه المحدثین حاج شیخ عباس قمی رحمه‌الله‌علیه عالم پرتلاش و مخلصی بود که ان الزمان بمثلثه لعقیم. او عبد صالحی بود که با اعمالش مردم را به شریعت الهیه و سنت نبویه و طریقه مرضیه ائمه معصومین : دعوت می‌نمود. خیر و برکت بزرگی بود که از دست رفت اما یک عمر تلاش و جهاد قلمی و آثار پر برکتش مخصوصاً کتاب شریف مفاتیح الجنان در مشاهد مشرفه، و هر کتابخانه و محفل علمی و مسجد و خانه‌ی بلکه در قلب هر مومنی زنده و پایدار است.

محدث قمی رحمه‌الله‌علیه در شب بیست و سوم ذی‌حججه الحرام سال ۱۳۵۹ قمری به سن ۶۵ سالگی دعوت حق را لبیک گفت و در صحن مطهر امیرالمومنین ۷ در ایوان سوم از ایوان‌های شرقی باب‌القبله جنب استادش مرحوم علامه حاج میرزا حسین نوری رحمه‌الله‌علیه مدفون گردید.





گ امروزه بسیاری از والدین نگران بد زبانی یا بد دهنی فرزندانشان هستند واز خود می پرسند آنها اینگونه صحبت کردن را چگونه یاد گرفته اند؟ عده ای می گویند ما که این حرفهای زشت را به زبان نمی آوریم پس چگونه فرزندمان چنین حرفهایی را می زند. چرا این اتفاق برای فرزندمان افتاده است؟ کودکان از حدود سه سالگی جادوی کلمات را درک می کنند البته در این سن فضای واقعی کلمات زشت را نمی دانند آنها نمی توانند کلمات قدرتمند دیگری مانند عشق و تنفر را درک کنند ولی به اندازه کافی قدرت مشاهده دارند تا موقعیت هایی که دیگران از این کلمات استفاده می کنند را تشخیص دهند. در صورتی که مشاهده کنند در زمان استفاده از کلمات خاصی بزرگسالان از شرم قرمز می شوند ولکننت زبان پیدا می کنند متوجه می شوند کلمات قدرت ویژه ای دارند.

کلمت

ودک

مرضیه جوانی

ناسزاگویی و کلام ناشایست، سخن طعنه آمیز، بی نزاکتی می تواند به دلایل مختلفی باشد می تواند پوششی برای احساس بی کفایتی، یک رفتار آموخته شده از بزرگسالان، الگویی برای جلب توجه یا روشی برای برخورد با دنیای نامهربان باشد. البته والدین باید مواظب باشند و اجازه ندهند که ناسزاگویی و بدزبانی کودکان همان رفتار را در آنان بر می انگیزد.

راهکارها :

- ۱- ابتدا هدف بدزبانی و ناسزاگویی را مشخص کنید. آیا کودک در جستجوی توجه به انتقام جویی یا قدرت است برای تشخیص این نیازها و اهداف به دقت کودک خود را مورد مشاهده قرار دهید.
- ۲- همه افرادی که با کودک زندگی می کنند، باید مصمم باشند که به این رفتارها نخندند یا آن را به صورتی دیگر تشویق نکنند.
- ۳- گاهی بی توجهی به تنهایی کافی نیست و یادآوری کلامی ضروری است. والدین می توانند به کودک بگویند ما از این کلمه استفاده نمی کنیم، چون دیگران را ناراحت می کند.

کودکان از حدود سه سالگی جادوی کلمات را درک می کنند البته در این سن فضای واقعی کلمات زشت را نمی دانند آنها قدرتمند دیگری مانند: عشق و تنفر را درک کنند.

- ۴- با کودک قرارداد ببندید و رفتارهای غیرقابل قبول را به وضوح مشخص کنید و پیامدهای آن را گوشزد کنید پاداش در ازاء پاسخ های مناسب را نیز می توان در این قرارداد گنجانید.
 - ۵- عزت نفس کودکان را افزایش دهید تا مجبور نباشند به ناسزاگویی و بدزبانی پناه بیاورند.
 - ۶- توبیخ و مجازات ها را با استواری، آرامی و خونسردی و استواری اعمال کنید.
 - ۷- گاهی نوع مقررات و انضباطی که در خانه حاکم است منشأ مشکل است. چنانچه مقررات بسیار خشونت بار یا ناپایدار باشد یا ابتدا به آن اهمیت داده نشود. کودکان با مخالفت خود واکنش نشان می دهند.
 - ۸- بر رفتار کودک و احساسی که رفتار را در شما برمی انگیزد توجه کنید.
- به عنوان مثال :**
- وقتی که می بینیم که اینگونه صحبت می کنی، واقعا عصبانی می شوم و دوست دارم همین الان از این کار دست برداری.

ن نعمت های خدا هزار و یک رنگ است. حیات و زندگی، رزق و روزی، خلاقیت و توانایی، قدرت و سلامتی، اندیشه و تفکر، علم و ایمان و توفیق و... همه نعمت های الهی، فضل و رحمت ربّ جلیل بر انسان هاست که هرکس را به اندازه ظرفیت وجودی اش عطا نموده، با حکمت و علم خود می بخشد. این نعمتها هر کدام به رنگی نمود دارند و چون شکوفه های زیبایی هستند که بر شاخسارهای درخت وجود و زندگی انسان جلوه گری می کنند. از دور و نزدیک چشم ها و دل ها به خود جلب کرده گاه چشم می نوازند و زمانی دل می برند.



شخصیت نان

رامحک بزیند

اکرم جمشیدیان

اما یک سؤال :

زمانی که تو با نعمت و موفقیت کسی رو به رو می شوی چه احساسی داری؟

حالت اول: بی تفاوتی، موضوع چندان اهمیتی برای توندارد. به سادگی عبور می کنی و از یاد می بری.

حالت دوم: شاید نتوانی تحمل کنی، ناراحت می شوی و بلافاصله به مقایسه می پردازی و می گویی: «چرا من نه؟» و گاه این ناراحتی واقعا تو را تا مدت ها آزار می دهد، آرامش تو را می گیرد و انفجار این خشم تو را به مقابله می کشاند، می خواهی این برتری را به هر شکل از بین ببری تا تفاوتی بین تو و او نباشد. اما اگر درست بیندیشیم و با توجه به اطراف خود بنگریم به حقیقتی انکارناپذیر و تعیین کننده در زندگی می رسیم. این که من در کدام خانه و خانواده؟ با کدام



اگر توانمندی های خود را خوب بشناسی و با توجه به شرایط زندگی، کمر همت ببندی، موفقیت تو حتمی است اما بدان که بدون رنج هرگز گنجی میسر نیست. و کسی در خواب قدیس نخواهد شد.

حالت سوم: شاید از شادی و موفقیت دیگران شاد می شوی، با چهره ای باز و لبی خندان به تحسین و تقدیر می پردازی و خدا را سپاس و شکر می گویی، و تو خود یاری رسان خلق خدایی - زهی سعادت - بر تو تبریک و صد تبریک که انسانی واقع بین و وارسته و خود ساخته ای.

پی نوشت :

۱-سوره ضحی، آیه ۱۱
۲-سوره ابراهیم، آیه ۷
۳-برداشت کلی از آیه ۱۳۱ سوره طه

پدر و مادر؟ با چه شکل و قیافه ظاهری؟ با کدام ژن و خصوصیت باطنی؟ کی؟ و کجا؟ و در چه شرایط اقتصادی و اجتماعی متولد شده زندگی آغاز کنم واقعیت های غیرقابل تغییری است که من هیچ گونه نقشی در آن نداشته و نخواهم داشت. و اساسا تفاوت های انسان ها از این نقاط آغاز می شود. تو باید این واقعیت ها را دربست بپذیری، تفاوت ها را قبول کنی، مقایسه در این موارد تلاش بیهوده ای است که راه به جایی نمی برد. نعمت و ثروت و شوکت دیگران بر صاحبش ارزانی دار و بر جمال دیگران آینه مباح، بلکه نگاه و توجه از بیرون را به درون متمرکز نما. قلم و کاغذی بردار و نوشتن آغاز کن آیا می توانی نعمت هایی که خداوند به تو ارزانی داشته را به شماره درآوری؟ و ثبت کنی؟

هرگز!! هر چه می توانی بنویس و بگو!

د درک و دیدن نعمت ها و شکرگزاری خداوند در برابر آنها شادی و نشاط در تو بوجود می آورد، بر اعتماد به نفس تو می افزاید و در یک کلام وجود تو را گسترش می دهد!

تو در درون گنج ها داری، استعدادها و نیروهای بالقوه ای که با شناسایی آنها می توانی زندگی و آینده خود را بسازی، آیا از کدام کار، هنر، مطالعه و... زیاد لذت میبری؟ و در زمان انجام آن گذشت زمان را احساس نمی کنی؟

اگر توانمندی های خود را خوب بشناسی و با توجه به شرایط زندگی کمر همت ببندی، موفقیت تو حتمی است اما بدان که بدون رنج هرگز گنجی میسر نیست. و کسی در خواب قدیس نخواهد شد.

حالت سوم: شاید از شادی و موفقیت دیگران شاد می شوی، با چهره ای باز و لبی خندان به تحسین و تقدیر می پردازی و خدا را سپاس و شکر می گویی، و تو خود یاری رسان خلق خدایی - زهی سعادت - بر تو تبریک و صد تبریک که انسانی واقع بین و وارسته و خود ساخته ای.

پی نوشت :

- ۱-سوره ضحی، آیه ۱۱
۲-سوره ابراهیم، آیه ۷
۳-برداشت کلی از آیه ۱۳۱ سوره طه



نوروز اسلامی

زینب صناعی

مانند طبیعت، مجدداً جان بگیرد و مجدداً حیات ملکوتی خودش را پیدا کند. در کتاب مستدرک الوسائل معنی بن خنیس از امام صادق 7 نقل کرده است که در روز نوروز یعنی روز اول بهار خدمت امام صادق 7 رسیدم. حضرت فرمود: آیا امروز را می‌شناسی؟ می‌گوید: فدای تو شوم. همین قدر می‌دانم که این روز روزی است که عجم (ایرانیان) آن را بزرگ می‌شمارند و به همدیگر هدیه می‌دهند و آنان نوروز را روز بسیار مهمی می‌دانند و در این روز به دیدار هم می‌روند و این روز را بزرگ می‌شمارند. امام 7 فرمودند: قسم به بیت عتیق یعنی قسم به خانه خدا این یک ریشه در امری کهن دارد که آن را تفسیر و بازگو می‌کنم تا تو به آن توجه ویژه‌ای کنی و بفهمی. معنی می‌گوید: ای آقای من اگر جایگاه روز نوروز و موقعیت عید نوروز را به من بگویند و از ناحیه شما این سخن را بیاموزم برای من خیلی دوست داشتنی تر است تا اینکه به نعمت‌های دیگری دست پیدا کنم.

امام صادق 7 فرمودند که ای معنی بدن که نوروز روزی است که خداوند در آن از بندگان، میثاق گرفت تا او را بپرستند و شریکی برایش نگیرند و به پیامبران و حجت‌های الهی و ائمه اطهار : ایمان بیاورند. سپس فرمودند: نوروز، اولین روزی است که خورشید در آن طلوع کرده است، بادها به وزیدن گرفت و در این روز زمین شکوفا می‌شود و حیات دوباره پیدا می‌کند که به نوعی زینت می‌گیرد.

داشتند در حالی که شما (عرب‌ها) این روز را ضایع کردید و حقیقت را ادا نکردید. سپس امام صادق 7 فرمود: یکی از پیامبران الهی از خداوند سؤال کرد که خدایا این مردمی که از دار دنیا می‌روند و دفن می‌شوند این‌ها را شما در فردای قیامت چگونه زنده می‌کنید که خداوند متعال امر کرد که بر قبرهای این افرادی که از دار دنیا رفتند آب پاشند که در همین روز وقتی آب پاشیدند صاحبان این قبرها زنده شدند و مجدداً به قبرها بازگشتند که در روایت هست تعداد آنها ۳۰ هزار نفر بود و به همین جهت هم شاید پاشیدن آب در عید نوروز سنت است.

در روایات دیگری درباره عید نوروز داریم که پیغمبر 6 می‌فرمایند که اگر می‌توانید هر روزتان را نوروز کنید یعنی به یکدیگر دوستی کنید، به یکدیگر هدیه دهید و با هم پیوند ناگسستنی داشته باشید. همچنین در روایت دیگر از امام صادق 7 رسیده است که آن حضرت فرمودند: وقتی که روز نوروز شد، و این روز فرا رسید برای بزرگداشت روز نوروز، یادت باشد غسل کن و پاکیزه ترین لباس هایت را بپوش که این روایت در جلد پنجم کتاب وسائل الشیعه آمده است.

علاوه بر آن در حدیثی از حضرت علی 7 آمده است که هر روزی که در آن روز خدا نافرمانی نشود آن روز عید است. ما یک سری دستورات دینی هم در این روز داریم مانند خواندن نماز ویژه که می‌توان برای خواندن آن به کتاب‌های دعا مانند مفاتیح الجنان رجوع کنیم و از آن‌ها بهره ببریم. همچنین در یک خاطره در کتاب صحیفه نور (جلد شانزدهم صفحه ۸۰) آمده است که آقای رحیمیان که در زمانی به عنوان نماینده امام خمینی در بنیاد شهید انجام وظیفه می‌کردند، می‌گویند که در

در طول سال پروردگار عالم یک فرصت‌هایی را در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد تا با بهره‌گیری از این فرصت‌ها، انسان‌ها بتوانند رابطه خودشان را با پروردگار عالم مستحکم‌تر کنند و از آن ایام به عنوان روزهای ارزشمند و فضیلت‌مدار و روزهای تصمیم‌ساز برای زندگانی خود استفاده کنند



روز عید نوروز من خدمت امام خمینی رحمة الله‌علیه رسیدم که دیدم امام خیلی با حالت بشاش و با نشاط تر از روزهای گذشته و با لباس نو وارد محفل شدند که افراد زیادی برای دیدن امام آمده بودند؛ وقتی امام وارد شدند به تک‌تک افراد چندین بار مبارک باشد گفتند و به همه به اصطلاح نوروز را تبریک گفتند و بعد هم یک مقداری از این سکه‌های یک ریالی همراهشان بود که به هر کدام از افسرادی که می‌رفتند مقداری از این‌ها را به عنوان هدیه می‌دادند. به هر حال این مسائل نشان می‌دهد که ائمه معصومین : بزرگان ما و هم و چهره‌ها و شخصیت‌هایی که جایگاه ویژه‌ای مانند مرحوم امام خمینی رحمة الله‌علیه در کشور دارند به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته و آن را گرامی می‌داشتند. ما در روایتی داریم که می‌فرمایند: هر موقعی که بهار آمد شما به یاد بیاورید روز زنده شدن و مجدداً بازگشت به حیات و روز قیامت را. به هر حال این زندگی دنیا یک مدل کوچکی از زندگی ملکوتی و اخروی ما مردم است و خداوند به ما نشان می‌دهد که چگونه حیات در یک سال تکرار می‌شود. چقدر وارسته هستند انسان‌های فرهیخته‌ای که وقتی حتی یک بهار از زندگی آنها عبور می‌کند رفتارهای خود را بازنگری می‌کنند و خودشان را محک می‌زنند و نکات باطل، سنت‌های جاهلی و سنت‌های غلط را در زندگانی شخصی و درون وجدان خود مورد شناسایی قرار می‌دهند و پس از آن هم حتی روز عید نوروز را روز تصمیم‌گیری و برنامه‌سازی برای زندگی خود قرار می‌دهند و می‌گویند ما از امروز آغاز کردیم حیات مان را و حیات مجددمان را تجدید می‌کنیم و برنامه‌ریزی مناسبی را برای زندگی خود انجام می‌دهند.



خداوند متعال انسان را آفرید و او را جهت رشد و رسیدن به تکامل در دنیا فرصت داد. البته در راه رسیدن به تکامل او را تنها نگذاشت و پیامبران و پس از آنان امامان معصوم را برای راهنمایی انسانها تعیین فرمود. خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی 6 به عنوان یک انسان کامل الگوی تمام عیار انسانیت به شمار می روند و دخت گرامی ایشان حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها بهترین و کامل ترین الگو برای زنان مسلمان هستند. زنان ما با بهره گیری از سیره تربیتی و رفتاری ایشان در رابطه با فرزندانشان می توانند در تربیت فرزندان خویش موفق باشند. چه الگویی بهتر از او؟ او که فرزندی چون حسن مجتبی کریم آل طه و حسین خون خدا و زینب اسوه صبر : از دامان پاک و سرشت الهی او به ثمر نشستند.

می خواند. مادری که از سر عشق و محبت فرزند خویش را در آغوش می گیرد و همراه با حرکت دادن او زمزمه ای مهرآمیز برایش می خواند آرامش را به کودک خود هدیه می دهد. حضرت زهرا سلام الله علیها در میان لالایی های خود درس ایمان و معرفت جهاد و انسانیت را به کودکانش یاد می داد. او در لالایی می فرمود: حسن جانم! چونان پدرت علی 7 باش و بند از پای حق گیر. خدا را که بخشنده نعمت هاست بندگی کن و با خطاکاران دوستی منما. (1) نکته دیگر اینکه مادران اگر می خواهند فرزندی با ایمان و با اخلاق نیکو و اسلامی تربیت کنند نخست باید خودشان مزین به این خصلت ها باشند تا فرزندانشان از آنها تاثیر بگیرند. باید آنچه را به فرزندانشان می گویند اول خودشان به آن عمل کنند. امام حسن 7 می فرمایند: مادرم فاطمه سلام الله علیها را دیدم که در شب جمعه در محراب خویش به عبادت ایستاده بود و پیوسته در رکوع و سجود بود تا اینکه سپیده صبح بر دمید و از او می شنیدم که برای مردان و زنان مومن دعا می کرد و نامشان را بر زبان جاری می ساخت

ولسی برای خویش هیچ دعا نمی کرد. من به او گفتم: ای مادر! چرا همان گونه که برای دیگران دعا میکنی برای خودت دعا نمی کنی؟ فرمود: یا بنی! الجار ثم الدار! ای پسرکم! نخست باید همسایگان را دریافت و آنگاه به خانه پرداخت. (2)

یکی دیگر از سنت های حضرت زهرا سلام الله علیها این بود که برای دور کردن کودکانشان از بیماری ها و مشکلات و برای حفاظت و سلامتی آنان برایشان صدقه می دادند و عقیقه می کردند و دعا می خواندند. امام صادق 7 فرمود: فاطمه ی زهرا سلام الله علیها هر دو پسرش را عقیقه کرد و در روز هفتم تولدشان موی سر آنان را تراشید و به اندازه ی وزن موی آنان پول های نقره صدقه داد. (3)

و در جای دیگر ابن عباس می گوید: حسنین بیمار شدند. پیامبر 6 با جمعی از یاران به عیادتشان آمدند و به علی 7 گفتند: ای ابوالحسن! خوب بود نذری برای شفای فرزندان خود می کردی. علی 7 و فاطمه سلام الله علیها و فضا خادمه نذر کردند که اگر آنها شفا یابند سه روز روزه بگیرند. (4)

نکته دیگری که بسیار حایز اهمیت است ابراز محبت به فرزندان است. همانطور که در سیره پیامبر اکرم 6 می بینیم که چقدر به فاطمه سلام الله علیها محبت می نمودند ایشان را می بوسیدند و نوازش می کردند و به اصحاب خویش نیز توصیه می کردند که محبت شان را به فرزندانشان ابراز کنند. ایشان در جواب مردی که گفت من ده فرزند دارم ولی هیچ کدام را تابحال نبوسیده ام غضبناک شد و فرمود: اگر خدا محبت را از قلب تو گرفته من چه کنم؟ هر کس نسبت به اطفال ترحم نکند و احترام بزرگسالان را نگه ندارد از ما نیست. (5)

فاطمه زهرا سلام الله علیها هم دست پرورده چنین پدری بود و به فرزندان خود بسیار محبت می کرد. سلمان می گوید: روزی فاطمه سلام الله علیها را دیدم که مشغول آسیاب کردن بود در این هنگام حسین 7 گریه می کرد و بی تاب بود. عرض کردم برای کمک به شما آسیاب کنم یا بچه را آرام نمایم؟ ایشان فرمودند: من به آرام کردن فرزند اولتر هستم شما آسیاب را

بچرخانید. (6) یکی از مسایل مهمی که این بانوی بزرگ اسلام به آن تأکید می کردند توجه به روحیه عبادت و حس خداپرستی در میان فرزندانشان بود. ایشان به گونه ای پسندیده عمل کرده بودند که فرزندانشان بهترین کارها و بالاترین لذت ها و زیباترین دقایق را لحظات عبادت خداوند می دانستند. ایشان در روز 22 ماه رمضان بچه ها را می خوابانید تا کاملا استراحت کنند و غذای کمتری به آنها می داد تا به این روش زمینه روحی و جسمی بهتری برای شب زنده داری در شب قدر را داشته باشند و نمی گذاشت احدی از اهل خانه خوابش ببرد و می فرمود: محروم است کسی که از برکات شب قدر محروم بماند. (7) نکته مهم دیگر که حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها به آن توجه خاص داشتند موضوع بازی با فرزندانشان بود. ایشان با کودکان خود به بازی و تحرک می پرداختند و در حین بازی الفاظ و رفتاری از خود نشان می دادند که کودکانشان از آنها سرمشق گیرند. ایشان از این راه به تقویت شخصیت کودکانشان می پرداختند و آنها را به رعایت ارزشهای اخلاقی و رفتاری تشویق می نمودند. نقل شده که ایشان با امام حسن 7 بازی می کرد و او را بالا می انداخت و می فرمود:

اشبه اباک یا حسن
واخلع عن الحق الوسن
واعبد الیها ذامتن
ولاتوال ذالاحسن

یعنی: پسر من حسن مانند پدرت باش. ریسمان ظلم را از حق برکن. خدایی را پرست که صاحب نعمت های متعدد است و هیچ گاه با صاحبان ظلم و تعدی دوستی مکن. (8) حضرت زهرا سلام الله علیها همیشه در رفتار با فرزندان خویش رعایت عدالت و انصاف را می نمود که مبادا با برتری

یکی از مسایل مهمی که این بانوی بزرگ اسلام به آن تأکید می کردند توجه به روحیه عبادت و حس خداپرستی در میان فرزندانشان بود. ایشان به گونه ای پسندیده عمل کرده بودند که فرزندانشان بهترین کارها و بالاترین لذت ها و زیباترین دقایق را لحظات عبادت خداوند می دانستند

یکی بر دیگری باعث ایجاد دشمنی در بین فرزندانش شود. روزی امام حسن 7 و امام حسین 7 در یک مسابقه خطاطی به رقابت پرداختند. هر کدام می گفتند که خط من بهتر است. نزد مادرشان رفتند که بین آنها قضاوت کند. حضرت زهرا سلام الله علیها که نمی خواست بچه ها آزرده شوند فرمود: پیش پدرتان بروید تا بین شما قضاوت کند. حضرت علی نیز آنها را نزد پیامبر فرستاد. پیامبر 6 داوری را به جبرئیل سپرد. او نیز به اسرافیل حواله داد تا اینکه اسرافیل از جانب خداوند قضاوت در این مورد را به خود فاطمه سلام الله علیها سپرد. ایشان به الهام حضرت باری تعالی گردنبنند خود را پاره کرده و دانه های آن را که زوج نبود بر زمین ریخت و فرمود: هر که بیشتر دانه جمع کرد از جانب من برنده خواهد بود. در این صورت باید یکی در مسابقه پیروز می شد. اما جبرئیل یکی از دانه ها را به دو نیم تقسیم کرد تا هر دو به طور مساوی دانه بردارند. بدین ترتیب هر دو در این رقابت پیروز شدند. (9) از آنچه گذشت به توجه خاصی که بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها به تربیت فرزند داشتند را در می یابیم. امید است با بهره گیری از سیره ایشان و همه تعالیم دین مبین اسلام در همه مراحل زندگی و در تربیت فرزندان خویش که امانت های الهی در دست ما هستند موفق و پیروز باشیم.

- ۱- محمدباقر مجلسی. بحار الانوار. ج ۴۳. ص ۲۵۵
- ۲- محمدباقر مجلسی. بحار الانوار. ج ۴۳. ص ۲۸۶
- ۳- محمدباقر مجلسی. بحار الانوار. ج ۴۳. ص ۸۱ و ۸۹. ص ۳۱۳
- ۴- محمدبن حسن حر عاملی. وسائل الشیعه. ج ۱۵. ص ۱۵۸.
- ۵- امالی شیخ صدوق. ترجمه کمره ای متن ۲۵۷. مجلس چهل و چهارم.
- ۶- فاطمه زهرا (س) المرآة النموذجیه فی الاسلام. ترجمه علی الجمال الحسین. ص ۷۱.
- ۷- محمدباقر مجلسی. بحار الانوار. ج ۴۳. ص ۳۸.
- ۸- دعایم الاسلام. ج ۱. ص ۲۸۲.
- ۹- محمدباقر مجلسی. بحار الانوار. ج ۱.
- ۱۰- موسوعه کلمات امام حسین. ص ۴۷.
- محمدباقر مجلسی بحار الانوار. ج ۴۳. ص ۳۰۹



قصه به آن جا رسید که : پهلوان سام وحشت زده از خواب پرید.

ادامه ی ماجرا

پهلوان سام به سراغ خواب گزاران رفت و آن ها او را تشویق کردند تا هرچه سریعتر به دنبال فرزندش «زال» برود و او را بیابد. «سام» پشیمان و شرمگین از کار خود، بار سفر بست و به همراه نزدیکان و اطرافیانش به سوی کوه های البرز به راه افتاد. آن ها هنگامی که به پای کوه های بلند البرز رسیدند؛ دانستند که قادر به بالا رفتن از آن صخره های مرتفع و بلند و رسیدن به قله ی کوه نیستند.

پهلوان «سام» که برای اولین بار در زندگی با تمام قدرت و توانی که خداوند در بازوان نیرومندش قرار داده بود، احساس عجز و ناتوانی می کرد، در پای کوه زانو زد و دستهایش را به سوی آسمان برد و از ایزد پاک و بی همتا یاری خواست. خداوند مهربان هنگامی که توبه ی خالص او را دید، گنااهش را بخشید و توبه اش را پذیرفت. در همان لحظه سیمرغ که در حال پرواز بر فراز کوه بود، سام و همراهانش را دید و دانست که آن ها به دنبال «زال» آمده اند. سیمرغ خودش را به آشیانه اش رساند و به «زال» مژده ی آمدن خانواده اش را داد. قلب «زال» به تپش افتاد و دست هایش می لرزید، اشک از چشمانش جاری شد و به سیمرغ گفت: «من آن پدری که مرا از خود رانده است را نمی خواهم.

تو سال های زیادی همراه من بودی و برای من زحمت کشیدی و به کمک تو من بزرگ شدم. حالا ناسپاسی است که از این جا بروم و تو را تنها بگذارم.»

سیمرغ به زال گفت:

«من برایت کار مهمی انجام ندادم، خواست خداوند بزرگ بوده که تو زنده بمانی تا پدرت روزی با پشیمانی به دنبال بیاید، تو باید او را ببخشی، او پدرت است و مهر تو او را به این جا کشانده است.»



فصه های پدر بزرگ

مهناز بیات

با حرف های خود «زال» را راضی کرد و پری از پرهایش را کند و به «زال» داد و گفت: «دلبندم! هرگاه مشکلی به سراغت آمد، این پر را آتش بزنی، من در همان لحظه به یاری تو خواهم آمد.»

لبخند رضایتی بر لبان «زال» نشست و سوار بر پشت سیمرغ به سوی پدرش رفت. پهلوان «سام» که با دیدن پسرش اشک در چشمانش حلقه زده بود، با شادی تمام زال را در آغوش گرفت و از او دلجویی کرد. اطرافیان هم لباس های زیبایی را بر تن زال کردند. زال با قلبی پاک پدرش را بخشید و سپس همگی با خوشحالی به سوی شهر به راه افتادند.

اما ادامه ماجرا:

منوچهر، پادشاه ایران زمین، از ماجرای زال و سیمرغ و بازگشت سام به همراه زال از کوه های البرز آگاه شد و با خوشحالی خداوند بزرگ را شکر کرد. او فرستنده ای را به سوی «سام» روانه کرد، تا او را تحسین کند و به دیدار پادشاه دعوتش کند.

سام با شنیدن پیغام پادشاه ایران، خوشحال شد و بی درنگ خود را برای



حرکت آماده ساخت. پهلوان سام و پسرش زال، به سوی دربار به راه افتادند.

در قصر منوچهر بر تخت پادشاهی تکیه زد و تاجی گرانبها بر سر گذاشته بود. ابتدا پهلوان سام وارد شد و با احترام تعظیم کرد و سپس در سمت چپ پادشاه نشست. سرداران سپاه و اطرافیان پادشاه نیز در سمت راست او نشستند و همگی منتظر ورود زال شدند.

زال بلند بالا و زیباروی با همان نجابت و آراستگی خاص خود، آرام آرام به نزدیک پادشاه آمد و تعظیم کرد. منوچهر با دیدن زال چند لحظه به او خیره ماند و با تعجب زیباییش را ستود و رو کرد به پهلوان سام و گفت: «ای پهلوان نامدار! به نیکی از فرزندت نگهداری کن و قدر او را بدان. من نشانه های بزرگی و عظمت و خرد و هوشمندی را در چهره ی او به روشنی می بینم.»

لبخندی شیرین بر لبان پهلوان سام نقش بست و سپس به فرمان پادشاه، آن چه که بر فرزندش در کوه های البرز گذشته بود را برای همگان باز گفت. از لحظه ای که با نا امیدی فرزندش را به دست اطرافیانش داد تا او را در کوهسار رها کنند گفت، از محبت های مادرانه ای سیمرغ گفت که به زال سخن گفتن و راه رفتن آموخت و از لطف خداوندی گفت که نخواست طفلی بی پناه از بین برود.

سپس منوچهر حکیمان و ستاره شناسان را به دربار فراخواند و از آن ها خواست تا با طالع بینی و توجه به گردش ستارگان و علومی که می شناسند، بخت و اقبال زال را مشخص کنند و آینده اش را بگویند. ستاره شناسان و حکیمان با سرعت دست به کار شدند و به طالع بینی پرداختند، سپس به پادشاه گفتند

اما ادامه ی ماجرا را در شماره بعدی خواهید خواند.



چیست

آن چیست که هم بچه آن را دارد و هم تفنگ؟

آن چیست که سر ندارد، کلاه دارد، یک پا دارد و کفش ندارد؟

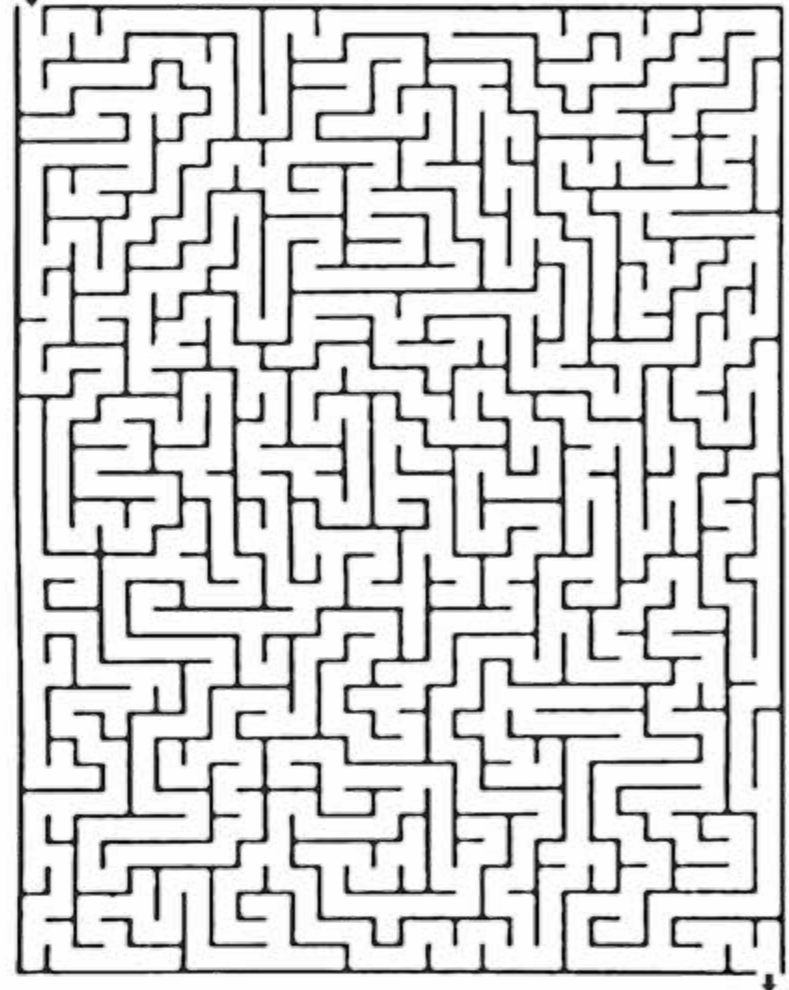
چند سوره را نام ببرید که اگر آنها را از آخر بخوانیم به همان صورت اول خوانده می شوند؟

کدام سوره به قلب قرآن معروف است؟

نام یک سوره یک حرفی را ذکر کنید؟

- ۱) آیه
- ۲) آ
- ۳) آ
- ۴) آ
- ۵) آ

بگرد و مسپر راپییداکن



بچه هاشما رخنده اعنصامی رامی شناسپدا؟



به راهنمایی های زیر دقت کنید:

- ۱- در ۶ سالگی همراه خانواده اش از تبریز به تهران آمد.
- ۲- او در تمام سال های تحصیلی اش از دانش آموزان ممتاز بود.
- ۳- در ۷ سالگی اولین شعر خود را سرود.
- ۴- شعر گوهر و اشک از اوست.
- ۵- در سن ۳۵ سالگی بر اثر ابتلا به بیماری حصبه در تهران در گذشت.
- ۶- پیکر او در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها در قم به خاک سپرده شد و روی سنگ مزارش نوشته شد : این که خاک سیهش بالین است اختر چرخ ادب پروین است

حالا بگو ببینم تو چقدر او را می شناسی؟

نام مشهور او را با تاریخ تولدش همراه با مطالب دیگری در مورد او برای ما بفرست تا اسمت در شماره ی بعدی این فصلنامه چاپ شود.

خاصیت آدم‌ها!!

الله محققان

«وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّهُهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

(سوره نحل آیه ۷۶)

و خدا مثلی [دیگر] می‌زند: دو مردند که یکی از آنها لال است و هیچ کاری از او بر نمی‌آید و او سر بار خداوندگارش می‌باشد. هر جا که او را می‌فرستد خیری به همراه نمی‌آورد. آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راه راست است یکسان است؟

امروزه خاصیت و خواص مواد و اشیاء رنگ و بوی دیگری به خود گرفته و اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در دنیای مدرن امروزی، همه چیز از ذره بین گرم و کیلوگرم و متر و سانتی متر، کلسترول و کالری و پروتئین و... گذر کرده و سنجیده می‌شود. خاصیت میوه‌ها، غذاها، گیاهان، سنگ‌ها و... اما آیا تاکنون به خاصیت انسان‌ها اندیشیده‌اید؟ آیا تا به حال فکر کرده‌اید که آیا من هم خاصیتی دارم؟ اصلاً خاصیت انسان‌ها به چیست؟ یا میزان ویتامین یا پروتئین یا حتی کلسترول تزریقی من به جامعه اطرافم چقدر است؟

با نیم‌نگاهی به جامعه اطرافمان، به راحتی می‌توانیم خاصیت انسان‌ها را بفهمیم، نیازی هم به آزمایشگاه و تجزیه و ترکیبشان نیست:

برخی انسان‌ها، خیلی راحت زندگی می‌کنند، ریخت و پاش‌های زیادی دارند و هرگز هم برایشان اهمیتی ندارد که کاری که می‌کنند، حرفی که می‌زنند، و اساساً وجودشان، آیا برای دیگران سودی دارد یا خیر؟! این دسته از افراد، هرگز هیچ مسئولیتی به عهده نمی‌گیرند. یعنی

خاصیتی ندارند. معمولاً شخصیت‌هایی وابسته به اطرافیان اند! حتی اطرافیان نیز از اینها فراری هستند. چرا که خرده فرمایشاتشان تمامی ندارد و خدای ناکرده اگر کوچکترین کاری از آنها خواسته شود از پشش بر نمی‌آیند یا زحمت را دو برابر می‌کنند!! نه امیدی دارند نه آرزویی، نه هدفی دارند نه انگیزه‌ای، نه رویایی دارند نه تلاشی. چیزی نیستند جز جسمی متحرک!!

اما در مقابل این دسته، برخی افراد، بسیار پر خاصیت اند، وجودشان، رفتارشان، گفتارشان، افکار و عقایدشان و اساساً تمام وجودشان، برخلاف دسته اول، سرتاسر پر از خیر و برکت هستند. این گروه معمولاً مسئولیت پذیرند، هرگز سربار دیگران نمی‌شوند و همه مشتاق ارتباط با آن‌ها هستند، در زندگی‌شان والاترین هدفها را دنبال می‌کنند و خوراک و خواب برایشان در پایین‌ترین درجه اهمیت قرار دارد.

خلاصه بعضی‌ها مثل کدو تنبل هستند؛ بزرگترین جثه و کمترین خاصیت را دارند و بعضی مثل لیمو ترش هستند؛ کوچک و پر خاصیت!!

خداوند متعال برای توصیف دو دسته فوق، یعنی انسان‌های بی‌خاصیت و انسان‌های پر خاصیت مثال زیبایی آورده و می‌فرماید: و خدا مثلی [دیگر] می‌زند: دو مردند که یکی از آنها لال است و هیچ کاری از او بر نمی‌آید و او سر بار خداوندگارش می‌باشد. هر جا که او را می‌فرستد خیری به همراه نمی‌آورد. آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راه راست است یکسان است؟

در آیه فوق، خداوند در مثالی بسیار زیبا و رسا، دو دسته از انسان‌ها را از هم تفکیک و باهم مقایسه کرده است: کافران و مؤمنان.

از نظر خداوند، انسان‌های بی‌خاصیت، همان کافران و کسانی هستند که به خاطر اینکه بار مسئولیت بندگی را به عهده نگیرند، از پذیرفتن دین خدا شانه خالی می‌کنند یا به راحتی احکام و قوانین دین



کسانی که چون حوصله نماز خواندن، روزه گرفتن و حجاب داشتن و به طور کلی ترک محرّمات یا انجام واجبات را ندارند ترجیح می‌دهند مسلمان نباشند، می‌خواهند زرتشتی باشند یا مسیحی گردند

اسلام را زیر سؤال برده و برای فرار از آنها، بی‌خیال و بی‌تفاوت همه چیز می‌شوند. خداوند این دسته از افراد را ابکم یا گنگ نامیده، گنگ مادر زاد، که عملش از ضعف فکر و نداشتن منطق عقلی حکایت می‌کند، و به خاطر اسارت در چنگال شرک، توانایی بر هیچ کار مثبتی ندارد «لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ» (تفسیر نمونه، ج ۱۱، صفحه ۳۳۱). نمونه این دسته از افراد، در جامعه مدرن امروزی فراوان است: کسانی که چون حوصله نماز خواندن، روزه گرفتن و حجاب داشتن و به طور کلی ترک محرّمات یا انجام واجبات را ندارند ترجیح می‌دهند مسلمان نباشند، می‌خواهند زرتشتی باشند یا مسیحی گردند. خلاصه انجمن دل‌های پاک را تشکیل داده و بدان افتخار هم می‌کنند (کسانی که ادعا دارند دل باید پاک باشد و احکام و عبادات مهم نیستند!!!) چنین انسانی، یک انسان آزاده نیست بلکه اسیر چنگال خرافات و موهومات است و به خاطر همین صفات، سربار جامعه، محسوب می‌شود، چرا که مقدرات خود را بدست بت نفس و یا انسانهای استعمارگر سپرده است.

اما در مقابل، مؤمنان را کسانی معرفی می‌کند که در بندگی ثابت قدم بوده و از هرگونه افراط و تفریط به دور هستند، با اعمال و کردارشان، نه تنها خود بلکه دیگران را هم دعوت به خوبی‌ها می‌کنند، جوانه‌های امید و حیات را در جامعه شکوفا کرده و مفیدترین و بهترین اندیشه‌ها و افکار را در میان انسان‌ها تزییق می‌کنند. به خاطر داشتن تفکر منطقی و هماهنگی با نظام توحیدی آفرینش، دائماً بر جاده مستقیم که نزدیکترین جاده‌ها است گام بر می‌دارد، از این رو به سرعت به مقصود رسیده و سرمایه‌های وجودی خویش را در راه‌های کج و انحرافی نابود نمی‌کند. و طبیعتاً این‌ها با هم یکسان نیستند.

□ حال با توجه به موارد فوق، ما از کدام دسته ایم؟ خاصیت ما چیست؟





بنا خدا

فاصله‌ای نیست

سید مجتبی آل علی

۱۷ آذر مصادف است با سالگرد شهادت شهید شاهرخ ضرغام، شهیدی که زندگی نامه ۳۱ ساله و جذابی را خیلی‌ها خوانده‌اند. کسی که روزی پای ثابت کاباره‌ها و دعوای و چاقوکشی‌های تهران بود و روزگاری مجذوب حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه شد و آنقدر دلاورانه جنگید که عراق برای سرش جایزه گذاشت. قلم قاصر است از نوشتن درباره‌ی پایداری مردانی که ادبیات مبارزه را رنگ عمل بخشیدند و سرود فتح را هجی نمودند، تا ما بدانیم که همیشه راه قدس از کربلا می‌گذرد و اگر مرد تغییر و اهل میدان نبردی، باید با دل حسینی ۷ رو به قبله خمینی رحمه‌الله علیه بایستی. پس برادر! علم عمل به گفته رهبر بردار تا سادگی بر تزویر پیروز شود. او حر بود و خود این موضوع را به ما آموخت.

پنجره رو به آفتاب

از همان کودکی فهمید و با خود انشاء کرد که پیروزی در مبارزه است و مبارزه در دل فقر زیباتر. پس همیشه به خود طعم فقر را چشاند، چه آن زمان که در اوج عیاشی بود، چه آن موقع که در اوج بندگی، که اصل این است که خود را بنده بدانی تا حق مولایی و خدایی در حقت تمام شود. تنها با اتکاء به همین اصل بود که حاضر نشد نگاه‌های بیوه زنی با حیا را در دل کاباره اسارت تحمل کند و راحتی و آسایش او را با سختی و تلاش خود رقم زد و یا آن هنگام که فهمید مسیر اشتباه است دست به تحول زد و با کاسه‌گدایی به درگاه سلطان هشتم رفت تا به همه در طول تاریخ بیاموزد آنجا که تو با کاسه خالی گدایی بروی به تو هدیه می‌دهند و کاسه‌ات را پر می‌کنند.

تغییر با زاویه ۱۸۰ درجه

تا زمینه‌ها برقرار نباشد و تو در اوج توانایی و اقتدار نباشی تغییر حاصل نمی‌شود، چرا که تغییر نیاز به مبنا و ریشه و اعتقاد و ادب دارد و تو که اعراضی از پستی‌نداری و حریمی را نگه نمی‌داری، جایگاهی برای تغییر نمی‌یابی. دعای شبانه روزی مادر، حرمت محرم، قوت مردانگی و جوانمردی (وقتی دست پیرمرد کاسی را به حمایت بگیری)، صفای روح و کلمات تأثیرگذار پیر خیمه‌های امام حسین ۷ حاج آقا

الف تای غیرت

از همان ابتدای کودکی با دعای مادر در دبستان خواند که: بابا غیرت دارد. بابا برای همسایه نان آورد. این مرد با ظلم مبارزه می‌کند. وقتی ظلم معلم کلاس را دید، تحمل نکرد و در برابرش ایستاد تا دبستان شاه را به شوق دبستان خمینی ترک کند. در دبستان خمینی رحمه‌الله علیه آموخت که اگر بنده خدا باشی و عزادار امام حسین ۷، می‌توان با عیبایی ساده و دستی خالی تمام قدرت‌ها را به زانو درآورد و به اتکای همین اصل بود که در سال‌های مبارزه در جواب مصاحبه‌کننده تلویزیون وعده تحقق پیروزی و فتح داد که او نه خود را که خدا را می‌دید.

تهرانی، «کاباره‌ای شاهرخ» را «کربلایی ابوالفضل» کرد.

بزرگواری را به تمامی لات‌ها آموخت و یاد داد که حر در آن لحظه حر شد که حرمت نگه داشت و به مادری احترام و ادب نمود، پس از آن هنگام کفش‌هایش را به دوش کشید تا به نسل حضرت رسول ۶ خدمت نماید و در سایه ولایت حرکت کند چون بنده‌ای که منتظر دستور امامش هست و ابهت برای او در عبا و عمامه‌ای ساده خلاصه بود. البته این هست که تو آنجا که اول می‌ترسانی اول شجاعت خرج می‌کنی. و بزرگ مردان تاریخ همواره از سرناز می‌جنگند نه به خاطر نیاز، وگرنه توبه از این چنین مسیری برای شاهرخ امری محال بود و بیشتر شبیه خواب و رویا.

فصل سبز مبارزه

روزهای سرد و تکراری تابستان جای خود را به شب‌های گرم زمستان داده بود و او همگام با مردم به تحقق انقلاب همت می‌گماشت. هنوز از پیروزی نگذشته بود که با چشمان گریان پای سخنان امام، حماسه کردستان را لبیک گفت. همه دوستان می‌دانستند که بین او و پیروزی تنها حاجبی بود از خواستن و همت مردانه اش. قائله کردستان که خوابید، دامادی را به شوق خرمشهر و دفاع به تأخیر انداخت. او در تمام این سال‌ها همه چیزش عوض شده بود.

آدم خوارهای پیشرو (مرد ۱۱ هزار درهمی)

گروه آدم خوارها که بعداً گروه پیشرو نام گرفت تبدیل شده بود به گروهی از فدائیان اسلام که بزرگترین کارش به کارگیری دسته‌های خراجی‌ها بود. او خوب فهمیده بود که انسان سازی از این جمع بسی سخت‌تر از جنگیدن است. آدم‌خوارها اسمی استراتژیک بود از فرمانده‌ای ساده برای عقب‌نشینی عراقی‌ها و همین کارش او را مرد ۱۱ هزار درهمی کرد. مردی که طنز و جدیت و سخت‌کوشی و رفاقت را با هم به سربازانش هدیه می‌داد تا گروهی منسجم فراهم سازد. این چنین که انسان‌های بزرگ روحی بزرگ دارند.

پرواز

نماز اول وقتش قطع نمی‌شد و دعاها را شرکت می‌کرد. کم‌کم فرمانده پر سر و صدا آرام شده بود و بیش از همه چیز از

مناجات لذت می‌برد. دیگر روحش تحمل خاک را نداشت و تلاطم درونش آرام شده بود. لباسش را اتو زد، موهایش را شانه کرد و آماده دیدار شده بود. کم‌کم رفتارهایش شک برانگیز شده بود و سکوتش معنی دار.

لحظه‌ای سکوت و دیگر...

حمله از همه طرف بود. در خط خودی با بنی‌صدر می‌جنگیدیم و در مرز با عراق. جنگ به اوج خود رسیده بود، تانک‌ها نزدیک شدند. تیربار تانک مدام کار می‌کرد. دیدمش، شاهرخ آری پی‌جی را برداشت. نگاهم دو طرفه بود، از یک جهت شاهرخ و از سوی دیگر تانک و تیربار عراقی. منتظر منهدم شدن تانک عراقی بودم. یک نگاهم شاهرخ شده بود و نگاه دیگرم تانک. لحظه‌ای حس غریبی داشتم. دل تو دلم نبود. خنده شوق بر لبانم بود و چشمانم منتظر انهدام تانک عراقی‌ها. دلم شور می‌زد. ناگهان خنده شوقم طعم تلخی به خود گرفت. چشمانم را باور نمی‌کردم. شوق پریدن شاهرخ بیش از سوت گلوله تیربار بود. تیرپهنای سینه او را داغ کرد. ناگهان از قفس پر کشید و آرام به گریه‌های من لیخن زد.

من در حال عقب رفتن مدام به او نگاه می‌کردم و هنوز انتظار بلند شدنش را داشتم... کاش... فقط برای لحظه‌ای... شب شده بود، از تلویزیون عراق همه چیز پخش شد... او فرزند روح الله شد



بزرگواری را به تمامی لات‌ها آموخت و یاد داد که حر در آن لحظه حر شد که حرمت نگه داشت و به مادری احترام و ادب نمود، پس از آن هنگام کفش‌هایش را به دوش کشید تا به نسل حضرت رسول ۶ خدمت نماید



نمونه‌هایی از اشباهات رسم الخط قرآن

گردآورنده: موسسه قرآن و عترت ام‌الکتاب



مقدمه

در رابطه با نحوه کتابت قرآن، سوالی اساسی وجود دارد و آن اینکه آیا نحوه نگارش نیز همانند خود قرآن وحی منزل است و کاتبین وحی به دستور پیامبر اکرم ع به همین صورت امروزی (مانند خط عثمان طه) نوشته‌اند؟ همان‌گونه که بعضی ساده‌اندیشان تصور کرده‌اند و یا اینکه پیامبر اکرم ع تنها آیات و سُور نازل را بر کاتبین وحی املاء می‌فرمودند و کاتبین بر اساس رسم الخطی که آن روز، عرب‌ها با آن آشنا بودند می‌نوشتند؟ سپس با گذشت زمان رسم الخطها تغییر یافت و به صورت قرآنی‌هایی که امروز در دست ماست درآمد.

با بررسی سیر تکاملی کتابت قرآن از صدر اسلام تا به امروز چنین به دست می‌آید که هرگز رسم الخط و ضبط کتابت قرآن کریم توقیفی و الزامی به شکل خاصی نبوده است و بهترین دلیل بر این مدعا، اضافه شدن نقطه و علامات فراوان املائی است که قطعاً در عصر نزول وجود نداشته است و در کتابت آن روز عرب نوشته نمی‌شد ولی بعدها برای اینکه غیر عرب‌ها بتوانند قرآن را صحیح بخوانند در کتابت قرآن آورده شد و نمونه‌های آن، قرآن‌های با رسم الخطهای مختلف عربی، ترکی و اردو می‌باشد که امروز در دسترس ماست. این رسم الخطهای مختلف متأسفانه برای بسیاری از خوانندگان قرآن حتی بسیاری از عرب‌ها مشکل آفرین شده است و باید رسم الخط واحد شفاف و روشنی که برای همه سهل و آسان باشد، انتخاب شود.

لازم است علمای جهان اسلام، رسم الخط واحدی را بر اساس نگارش و کتابت صحیح امروز که برای همه قابل فهم و سهل و آسان باشد، تهیه و در اختیار مسلمانان سراسر جهان قرار دهند و همه از آن بهره‌مند شوند.

بررسی رسم الخط عثمان طه

اکنون با این مقدمه به سراغ مشهورترین نسخه‌ای که امروز در دست مسلمین است، می‌رویم و اشکالات مهم آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم. مشهورترین نسخه قرآنی که امروزه در میان مسلمانان رواج دارد و هر سال، میلیون‌ها نسخه از آن، در سراسر جهان چاپ و منتشر می‌گردد، نسخه قرآن معروف به خط «عثمان طه» می‌باشد. این نسخه از قرآن، امتیازات متعددی دارد: خط خوب، قطع مناسب، علامت‌گذاری دقیق، آیات از آغاز صفحه شروع و با پایان صفحه، پایان می‌یابد و هر جزء از سی جزء قرآن در بیست صفحه تمام می‌شود (جز در دو سه مورد). به همین دلیل و به دلیل اینکه نشر و توزیع

آن، توسط کشور عربستان به صورت رایگان و اهدایی همه ساله در مقیاس گسترده صورت می‌گیرد، مورد استقبال واقع شده است.

این امر، سبب یک نواختی نسبی نُسخ قرآن، در کشورهای مختلف گردیده است و بیشتر حافظان در غالب کشورها از روی همین نسخه به حفظ قرآن می‌پردازند و اکثر فراگیران و قاریان نیز، از روی همان، قرآن را فرا می‌گیرند و می‌خوانند (هر چند نسخه‌های دیگری نیز در کشورهای مختلف اسلامی وجود دارد).

ولسی از آنجا که هر کار خوبی، ممکن است بی‌نقص نباشد، این نسخه از قرآن نیز از نظر املاء و نگارش (رسم الخط) کاستی‌های فراوانی دارد که اصلاح آن، لازم و ضروری می‌رسد زیرا این اشتباهات گاه معنی را تغییر می‌دهد و گاه قرائت را بسیار مشکل می‌سازد.

رسم الخط قرآن توقیفی نیست بار دیگر لازم می‌دانم این نکته را تکرار کنم که رسم الخط قرآن هرگز توقیفی نیست، و الزامی به رسم الخط معینی نداریم. زیرا:

اولاً:

آنچه که میان تمامی فرق اسلامی، اجماعی است «نزول قرآن به صورت الفاظ معین» می‌باشد و ملاک اساسی در قرائت قرآن، نقل سینه به سینه و شنیدن آن از زبان پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله ع بوده است، و کتابت‌ها همیشه متفاوت بوده است.

ثانیاً:

امروز رسم الخط واحدی در دست نداریم که به طور قطع و یقین بتوان آن را به صدر اسلام منتسب نمود.

بهترین شاهد، وجود قرآن‌های منسوب به قرون اولیه در موزه‌ها و کتابخانه‌های مهم جهان و کشورهای اسلامی می‌باشد که از نظر املائی با رسم الخط موجود متفاوت است.

ثالثاً:

کشور عربستان که ناشر قرآن به خط عثمان طه است برای مسلمانان هند و پاکستان، قرآن‌هایی را چاپ و توزیع نموده که با رسم الخط این قرآن، تفاوت بسیار دارد.

انواع کاستی‌ها

به هر حال در نسخه موجود به خط عثمان طه، کاستی‌های فراوان رسم الخطی وجود دارد که گاه موجب تغییر در معنا و گاه سبب نامفهوم شدن کلمه و گاه باعث صعوبت در فراگیری و قرائت صحیح می‌شود، از این رو ما این موارد را به شش گروه تقسیم کرده‌ایم:

۱. رسم الخط‌هایی که سبب تغییر معنا می‌شود.

۲. رسم الخط‌هایی که سبب می‌شود، کلمه فاقد معنا گردد.

۳. رسم الخط‌هایی که سبب صعوبت فوق‌العاده فراگیری می‌شود.

۴. رسم الخط‌هایی که سبب اضافه حروف نابجا می‌شود.

۵. رسم الخط‌هایی که سبب حذف حروف لازم و اصلی کلمه شده است.

۶. رسم الخط‌هایی که سبب نوشتن یک کلمه به دو صورت در دو آیه یا در چند آیه می‌شود، بدون هیچ‌گونه دلیل که تنها یک صورت آن صحیح می‌باشد.

در اینجا برای هر یک از موارد فوق، نمونه‌هایی را آورده‌ایم؛ انتظار و تقاضای ما از اندیشمندان و علمای اسلامی به ویژه علمای مصر و حجاز، این است که همگی با یک عزم راسخ برای اصلاح آن بکوشند، و نسخه‌های موجود را از این نظر کامل کنند.

رسم الخط قرآن توقیفی نیست بار دیگر لازم می‌دانم این نکته را تکرار کنم که رسم الخط قرآن هرگز توقیفی نیست، و الزامی به رسم الخط معینی نداریم.

البته همان‌گونه که گفته شد: این کاستی‌ها فقط مربوط به رسم الخط و نگارش است و گرنه قرائت الفاظ قرآن، بدون هیچ‌گونه تحریف و کم و زیادی از آغاز تاکنون باقی مانده است.

بدیهی است، صحیح نوشتن رسم الخط، نه تنها سبب تغییری در قرآن نمی‌شود، بلکه صحت تلاوت و تفسیر قرآن را تضمین می‌کند، همان‌گونه که می‌دانیم کتابت اولیه قرآن،

فاقد نقطه‌گذاری و علامت اعراب بود و نقطه‌گذاری حروف و ضبط اعراب به وسیله علامت، نه تنها باعث تحریف نشد بلکه موجب مصونیت قرآن از تحریف در قرائت نیز گردید.

اضافه بر آن، هیچ دلیلی در دست نیست که نسخه موجود به خط «عثمان طه» بر اساس رسم الخط نسخه‌های صدر اسلام می‌باشد، چرا که:

۱. در پایان نسخه قرآن موجود به خط «عثمان طه» صریحاً آمده است: «هجاء و رسم الخط آن از دو نفر از علمای این فن به نام «ابوعمر و دانی» و «ابوداود سلیمان بن نجاح» گرفته شده که آنها آن را مربوط به زمان خلیفه سوم عثمان می‌دانند و در

مواردی که این دو با هم اختلاف دارند نقل نفر دوم ترجیح داده شده است.»

از این بیان استفاده می‌شود که رسم الخط مزبور از طریق خبر واحد به ما رسیده که گاه این خبر واحد تعارض نیز دارد.

۲. نسخه قرآن‌هایی که ده‌ها سال قبل از این نسخه، در کشورهای اسلامی چاپ و توزیع شده و اکنون نیز چاپ و منتشر می‌شود، مانند کشور ترکیه عثمانی و ترکیه کنونی، هند و پاکستان و ایران و بعضی از کشورهای عربی، مانند عراق، از نظر رسم الخط، با نسخه موجود - به خط عثمان طه - تفاوت بسیار دارد.

۳. نسخه‌های فراوانی از قرآن‌های صدر اسلام در موزه‌ها و کتابخانه‌های مهم جهان و کشورهای اسلامی موجود است که از نظر رسم الخط با نسخه موجود متفاوت می‌باشد.

۴. اخیراً کشور عربستان، قرآنی را با رسم الخط دیگری برای مسلمانان هند و پاکستان چاپ و توزیع نموده که رسم الخط آن‌ها، با رسم الخط عثمان طه، تفاوت بسیار دارد.

بنابراین لازم است علمای جهان اسلام، رسم الخط واحدی را بر اساس نگارش و کتابت صحیح امروز که برای همه قابل فهم و سهل و آسان باشد، تهیه و در اختیار مسلمانان سراسر جهان قرار دهند و همه از آن بهره‌مند شوند.

پاسخ به یک سؤال مهم

از آنچه در بالا آمد روشن شد این که بعضی می‌گویند بهتر است برای اصالت قرآن دست به این رسم الخط نزنیم و اشتباهات آن را تحمل کنیم، هر چند می‌دانیم با اصلاح رسم الخط هیچ تغییری در تلفظ قرآن رخ نخواهد داد، سخن نادرستی است

زیرا اگر ما تنها یک رسم الخط قرآنی در طول تاریخ داشتیم، ممکن بود این عذر تا حدی پذیرفته شود در حالی که (همان‌گونه که در بالا آمد) از آن زمان که قرآن به خط کوفی نوشته می‌شد و سپس به خط عربی موجود درآمد، ده‌ها نوع رسم الخط



بهترین شاهد، وجود قرآن‌های منسوب به قرون اولیه در موزه‌ها و کتابخانه‌های مهم جهان و کشورهای اسلامی می‌باشد که از نظر املائی با رسم الخط موجود متفاوت است.



رواج داشته است (البته با حفظ تلفظ واحد) که در موزه‌های کشورهای اسلامی نمونه‌های فراوانی از آن دیده می‌شود، امروز نیز چنین است و حتی در عربستان سعودی نیز قرآن با رسم‌الخط‌های متفاوت نوشته شده است و هیچ دلیلی بر مطابقت رسم‌الخط عثمان طه با رسم‌الخط خلفای نخستین نیست بلکه دلائل متعدد بر ضد آن داریم.

به هر حال نباید دچار وسوسه شد و لازم است علمای اسلام در اصلاح این نسخه کثیرالانتشار (نسخه عثمان طه) بکوشند و به صحیح خواندن قرآن و تفسیر صحیح آن کمک کنند.

البته نباید فراموش کرد که در بعضی قرآن‌های چاپ دیگر نیز بخشی از این نواقص رسم‌الخطی وجود دارد که باید اصلاح گردد.

پس از پایان مقدمه، کاستی‌های نسخه قرآنی عثمان طه که در شش بخش تنظیم یافته یکی پس از دیگری بررسی می‌شود. امیدواریم علمای اسلام، به خصوص علمای حجاز در رفع این کاستی‌ها بکوشند.

بخش اول :

رسم‌الخط‌هایی که سبب تغییر معنا می‌شود

در این رابطه به ذکر چندین نمونه اکتفا می‌کنیم:

الف) واژه «إِنَّمَا» و «أَتَمَّا» در ۱۰ آیه، به صورت متصل نوشته شده است، در حالی که باید به صورت منفصل و جدا از هم یعنی به صورت «إِنَّ مَّا» و «أَنَّ مَّا» نوشته و خوانده شود. زیرا کلمه «ما» در تمامی این ده آیه «موصوله» است (به معنی چیزی) در حالی که «إِنَّمَا» کلمه «حصر» به معنی فقط و «أَتَمَّا» برای تأکید است.

بنابراین اگر در این ۱۰ مورد که «ما» موصوله است، متصل خوانده شود معنای آن تغییر پیدا می‌کند.

آن ده مورد عبارتند از:
 إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
 صَحِيحٌ أَن:
 إِنَّ مَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ



نباید دچار وسوسه شد و لازم است علمای اسلام در اصلاح این نسخه کثیرالانتشار (نسخه عثمان طه) بکوشند و به صحیح خواندن قرآن و تفسیر صحیح آن کمک کنند

۲- طه، آیه ۶۹

صَحِيحٌ أَن:
 إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَجِرٍ

۳- ذاریات، آیه ۵

صَحِيحٌ أَن:
 إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٍ

۴- مرسلات، آیه ۷

صَحِيحٌ أَن:
 إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ

این در حالی است که جمله "وَأَنَّ مَا تُوعَدُونَ" در سوره انعام، آیه ۱۳۴ به صورت منفصل آمده است.

۵- آل عمران، آیه ۱۷۸

وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنْفُسِهِمْ

صَحِيحٌ أَن:
 ... أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ ...

۶- رعد، آیه ۱۹

أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى

صَحِيحٌ أَن:
 ... أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ ...

۷- مؤمنون، آیه ۵۵

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنَينَ

صَحِيحٌ أَن:
 ... أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنَينَ

۸- لقمان، آیه ۲۷

وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ

صَحِيحٌ أَن:
 ... وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ ...

۹- انفال، آیه ۴۱

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ

صَحِيحٌ أَن:
 ... أَنَّمَا غَنِمْتُمْ ...

۱۰- غافر، آیه ۴۳

لَا جَرَمَ لَكُمْ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَكَ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ

صَحِيحٌ أَن:
 ... أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ ...

قابل توجه این که جمله "وَأَنَّ مَا يُدْعُونَ" در سوره حج، آیه ۶۲ و سوره لقمان، آیه ۳۰ به صورت صحیح و منفصل نوشته شده است.

درصد فراوانی از زندگی‌های

زنانشویی که منتج به طلاق می‌گردند به این دلیل است که قبل از ازدواج شناخت کافی بر شرایط و طرز فکر طرف مقابل به وجود نمی‌آید و با آزمایش و خطا کردن تلاش بر کسب شناخت از یکدیگر داریم. اما اگر افراد به این مهم بیندیشند که ازدواج مهم‌ترین انتخاب و تصمیم‌گیری در زندگی انسان است و ممکن است عمری را به توان این انتخاب ناصحیح بگذرانیم و یا مجبور به ترک زندگی زنانشویی گردیم هیچگاه بدون داشتن بصیرت و آگاهی کافی تن به ازدواج نخواهند داد و برعکس بهترین ازدواج‌ها بر مبنای پایه و اساس محکم ایمان، عقل و درایت استوار گشته‌اند. مقاله حاضر درصدد است تعدادی از سئوالات که جوانان نیاز است قبل از ازدواج از یکدیگر سئوال کنند و در صورت وجود اشتراکات فکری و پسند علائق و سلائق طرف مقابل، جواب مثبت دهند را در این جا به شرح زیر مطرح نماید :

۱- نظر شما در مورد تعهد داشتن طرفین به زندگی چیست ؟

۲- چه تفاوتی بین نقش زن و نقش مرد در خانواده قائل هستید ؟

۳- عقاید مذهبی شما چگونه است ؟

۴- در مورد مسائل مالی چه نظری دارید؟ در آمد ما چگونه خرج می‌شود؟ عادت خرج کردن در شما چگونه است ؟

۵- منبع درآمد چگونه است و هزینه‌های زندگی بر چه مبنایی تعیین می‌شود ؟

۶- ساعات خواب و بیداری و کارتان چگونه است ؟

۷- آیا در خانواده شما سابقه‌ی بیماری روانی وجود دارد ؟

۸- کجا زندگی خواهیم کرد؟ محل سکونت و منزل ما با چه شرایطی خواهد بود ؟



سئوالات کلیدی قبل از ازدواج

دکتر نرگس عطریان



اگر سئوالی در ذهن دارید با رعایت ادب و ملاحظات اخلاقی بپرسید و هیچ نقطه‌ی مبهمی باقی نگذارید که تا آن شا... پس از ازدواج به آرامش دست یابید.

۹- وقتی استرس و ناراحتی دارید روش حل مسأله‌ی شما چیست ؟

۱۰- وقتی مسأله‌ی شما پیش می‌آید به چه میزان صبر و تحمل دارید ؟

۱۱- پنج روش ابراز محبت به دیگران بالاخص همسر را چه می‌دانید ؟

۱۲- در صورت عصبانیت معمولاً چه رفتاری از خود نشان می‌دهید ؟

۱۳- دیگران بالاخص اطرافیان نزدیک را چقدر در زندگی مؤثر و دخیل می‌دانید؟ و کانون توجه شما همسر است یا اطرافیان همسر ؟

۱۴- نظرتان در مورد فرزنددارشدن به تعداد و نحوه‌ی پرورش فرزندتان چه می‌باشد ؟

۱۵- نظر شما در زمینه‌ی میزان استقلال و آزادی همسر چیست ؟

۱۶- هدف‌های شما چطور در زندگی الویت بندی شده‌اند ؟

۱۷- دوست دارید همسر شما چگونه باشد؟

۱۸- میزان رابطه شما با خانواده و دوستانتان چقدر است ؟

۱۹- تصمیمات اصلی شما را چه کسی می‌گیرد؟ خود یا دیگران؟

۲۰- نظر شما در مورد تصمیم‌کار در منزل چیست ؟

۲۱- اگر اشکالی در کاری یا در طرف مقابل ببینید چگونه مطرح می‌کنید ؟

۲۲- نظر شما در مورد مراسم و تشریفات ازدواج چیست ؟

۲۳- گذشته‌ی طرف مقابل به چه میزان برای شما اهمیت دارد ؟

۲۴- به چه تفریحاتی علاقه دارید ؟

اگر سئوالی در ذهن دارید با رعایت ادب و ملاحظات اخلاقی بپرسید و هیچ نقطه‌ی مبهمی باقی نگذارید که تا آن شا... پس از ازدواج به آرامش دست یابید.





سرطان، بیماری بی‌رحمی است که با کسی شوخی ندارد. ناگهان از راه می‌رسد و سایه سنگین خود را بر زندگی انسان‌ها می‌اندازد و سلامتی را از آن‌ها می‌گیرد. البته انسان‌ها هم با سرطان شوخی ندارند. آن‌ها در همه جای دنیا در پی راه‌هایی برای درمان و ریشه کن کردن این بیماری‌اند. آمارها ولی، همچنان نگران‌کننده به نظر می‌رسند؛ با نگاهی به کشور خودمان - ایران - به خوبی می‌توانیم روند افزایشی این بیماری در سال‌های اخیر را دریابیم. امروزه سرطان به سومین عامل مرگ و میر ایرانیان (پس از بیماری‌های قلبی و عروقی و تصادفات جاده‌ای) تبدیل شده است و طبق گزارشات، هر ساله جان سی هزار نفر را می‌گیرد. همین آمارها همچنین می‌گویند که همه ساله ۶۵ تا ۷۰ هزار فرد جدید در کشورمان، به این بیماری مبتلا می‌شوند.



وقتی عددها این طور به صراحت سخن می‌گویند، عجیب هم نیست که به اطراف خود نگاهی بیندازیم و افراد زیادی را درگیر این بیماری ببینیم. بنابراین کسب اطلاعاتی در این باره ضروری به نظر می‌رسد؛ اینکه بدانیم شایع‌ترین سرطان‌ها در میان ایرانیان کدامند یا به عبارتی هر یک از ما بیشتر در معرض ابتلا به کدام نوع از سرطان‌ها قرار داریم؟ دانستن در این باره - و همچنین کسب اطلاعاتی درباره چرایی بروز بیشتر این نوع از سرطان‌ها در کشورمان - به ما کمک می‌کنند تا هر چه را که می‌تواند منجر به ایجاد آن‌ها شود (تا جایی که در اختیار ما باشد)، از زندگی خود حذف کنیم و با تلاش در جهت کاهش این عوامل در میان اطرافیان و هموطنان خود، از یک زندگی سالم و طولانی بهره‌مند شویم. این موضوعی است که قصد داریم در این گزارش، به آن بپردازیم.

با نگاهی به منابع اطلاعاتی مختلف، در می‌یابیم که شیوع انواع خاصی از سرطان‌ها در کشور ما، بیشتر از موارد دیگر است. سرطان معده، سرطان پوست، سرطان سینه و سرطان مری از آن جمله‌اند و بیشترین شیوع را در کشورمان دارند. در این میان، سرطان معده با شیوع زیاد در مناطق مختلف کشورمان، رتبه نخست را به خود اختصاص داده است. اما اگر بخواهیم این آمار را براساس جنسیت بررسی کنیم، شایع‌ترین سرطان در میان مردان، سرطان معده و در میان زنان، سرطان سینه است. اگر بخواهیم چرایی بروز این سرطان‌ها - نسبت به سایر انواع آن - را مورد بررسی قرار دهیم، باید به عوامل ژنتیکی و عوامل محیطی - که زمینه‌ساز انواع سرطان‌ها هستند - توجه کنیم. در بروز بعضی سرطان‌ها، عوامل ژنتیکی نقش دارند. اما درصد بیشتری از سرطان‌ها تحت تأثیر عوامل محیطی به وجود می‌آیند.

سرطان معده - به عنوان شایع‌ترین و کشنده‌ترین سرطان در کشورمان - بیماری است که در آن افزایش سلول‌های سرطانی در معده، باعث ایجاد زخم در این ناحیه می‌شود. درباره دلایل ایجاد این بیماری، می‌توان اظهار داشت که هرچند هنوز علت واقعی ایجاد آن برای پزشکان ناشناخته مانده، اما آن‌ها نقش عوامل ژنتیکی و وراثتی را در بروز این بیماری، در کل منتفی دانسته‌اند. بیشتر احتمال دارد که این بیماری بر اثر عوامل محیطی ایجاد شود. در کشور ما بیشترین ابتلا به این بیماری، در استان‌های شمالی و شمال غربی کشور گزارش شده که آن را با نوع خاک کشاورزی و آب مصرفی این مناطق مرتبط می‌دانند. هرچند این مسئله هنوز به طور کامل به اثبات نرسیده، اما پزشکان، رژیم غذایی افراد و نوع تغذیه آن‌ها را بر احتمال ابتلا به سرطان معده موثر

می‌دانند. آن‌ها در این باره هشدار می‌دهند که بهتر است افراد از مصرف غذاهای دودی و نمک‌اندود و همچنین گوشت قرمز (به مقادیر زیاد) خودداری کرده، و مقادیر بالایی از ماهی، میوه‌ها و سبزیجات سالم را در برنامه غذایی خود بگنجانند. از دیگر سرطان‌های شایع در ایران، سرطان سینه است که میزان شیوع آن در کشورمان، در حدود چهار برابر میانگین جهانی بوده و همچنین سن ابتلا به آن، در حدود ده سال از این میانگین پایین‌تر است. در این مورد نیز، پزشکان هنوز دلیل قطعی بروز بیماری را نشناخته‌اند اما گفته می‌شود که نقش ژنتیک در ابتلای افراد به آن، تنها در حدود پنج درصد است. هر چند در کشور ما - به این دلیل که میزان شیوع این بیماری بسیار متفاوت با آمار جهانی است - این موضوع هنوز مبهم است و لازم است که درباره نقش آن هم تحقیقات وسیعی صورت گیرد.

بنا بر اعلام پزشکان، مهم‌ترین عامل در ایجاد سرطان سینه، هورمون‌های جنسی‌اند و افزایش هورمون استروژن در بدن، می‌تواند منجر به بروز این بیماری شود. همچنین هر چه سنین باروری یک زن طولانی‌تر شود، احتمال ابتلای او به این بیماری نیز بالاتر می‌رود. هر چند که عامل اصلی ایجاد سرطان سینه مشخص نیست، اما مواردی وجود دارند که به طور قطع می‌توانند خطر ابتلا به این بیماری را کاهش دهند؛ داشتن رژیم غذایی سالم، داشتن وزن متعادل، خودداری از کشیدن سیگار و قرار گرفتن در معرض دود آن، از آن جمله‌اند.

سرطان پوست نیز در بین سه سرطان نخست از نظر شیوع در کشورمان، قرار می‌گیرد. این بیماری به دلیل داشتن انواع مختلف، لازم است که از جهات مختلفی بررسی شود. هر چند که زمینه‌های ارثی نیز می‌توانند باعث ایجاد این بیماری شوند، اما پزشکان - به طور کلی - مهم‌ترین عامل شناخته شده در ایجاد آن را، تماس‌های مکرر پوست با اشعه ماورای بنفش خورشید در طی سال‌های طولانی

می‌دانند. به همین دلیل، این بیماری - اگر چه می‌تواند همه را در معرض خطر قرار دهد - اما به طور مشخص، در نقاط خاصی از کشورمان (همچون مناطق کویری و گرم و خشک) و همچنین در افراد خاصی (مثلاً کسانی که هر روزه مدت زمانی طولانی را در زیر آفتاب کار می‌کنند، به خصوص اگر پوست روشنی دارند) بیشتر بروز پیدا می‌کند. بر همین اساس، راهکارهای جلوگیری از ایجاد آن هم، واضح‌تر است؛ افراد به خصوص آن‌ها که به دلیل داشتن پوست روشن، بیشتر مستعد ابتلا به این بیماری‌اند باید از قرار گرفتن به طور مداوم و طولانی در معرض آفتاب، خودداری کرده و در هنگام تماس با آفتاب، از کرم‌های ضد آفتاب و پوشاننده‌هایی مانند دستکش و کلاه استفاده کنند.

البته اشاره به این نکته هم لازم است که در ایجاد سرطان پوست عوامل دیگری مانند تماس مکرر با اشعه ایکس، تماس مکرر با برخی مواد شیمیایی مانند آرسنیک، قطران و... هم می‌توانند موثر باشند، اما تأثیرگذاری آن‌ها بسیار کمتر است و به ندرت رخ می‌دهد. سرطان مری، سرطان شایع دیگری است که اگر چه در همه جای کشورمان، آمار ابتلا به آن نسبتاً بالاست اما در استان‌های شمالی

کشور شیوع بیشتری دارد (که می‌شود در این باره، آنچه را که درباره سرطان معده برشمردیم، در اینجا نیز تکرار کنیم). مانند بسیاری از سرطان‌های دیگر، برای این مورد هم هنوز، علت قطعی و دقیقی ذکر نشده است، اما بنا بر یافته‌ها، به نظر می‌رسد که مصرف الکل، سیگار و غذا و نوشیدنی‌های بسیار داغ، خطر ابتلا به این سرطان را افزایش می‌دهند.

سرطان‌های روده، ریه، مثانه، پروستات و کبد نیز، از انواع دیگر سرطان‌های شایع در کشورمان هستند که از نظر میزان شیوع، در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. با یک بررسی اجمالی و یافتن اطلاعاتی کلی درباره این بیماری‌ها، به خوبی در می‌یابیم که مانند چند نوع سرطان نخست - که در موردشان نوشتیم - عوامل محیطی، بیشترین نقش را در بروز هر یک از این سرطان‌ها دارند و این، خبر خوبی است. چرا که با بیشتر بودن سهم عوامل محیطی، امکان پیشگیری از بروز این بیماری‌ها نیز بیشتر می‌شود؛ بنابراین در سطح فردی، خود افراد (با در پیش گرفتن یک زندگی سالم به همراه ورزش و تغذیه سالم) و در سطح اجتماع، مسئولان (با اجرای هر چه بیشتر فعالیت‌های مربوط به کاهش آلودگی هوا، سالم سازی آب‌ها و محصولات کشاورزی و...) می‌توانند دست به دست هم داده و از روند نگران‌کننده شیوع بیماری سرطان بکاهند.

دانشتن درباره شرایط موجود و آنچه که ما را در معرض تهدید قرار می‌دهد، امری ضروریست. اما مهم‌تر از آن، این است که بدانیم داشتن اطلاعات، نقطه شروع است و پس از آن است که حرکت آغاز می‌شود. در این مورد نیز، دانستن درباره بیماری‌هایی که بیش از همه ما را تهدید می‌کنند، می‌تواند ما را در جهتی حرکت دهد که با در پیش گرفتن یک برنامه درست، به کاهش این بیماری‌ها کمک کنیم. پس چه خوب است که نسبت به این آمار و ارقام - که همچون زنگ خطری هر روز صدایشان بلند و بلندتر می‌شود - بی‌تفاوت نبوده و در جهت حفظ سلامتی خود، خانواده و هموطنانم گام برداریم.





فعالیت‌های اتحادیه مؤسسات قرآنی مردمی استان اصفهان در یک نگاه در سال ۱۳۹۳

به منظور توسعه و ترویج فرهنگ قرآنی و علوم اهل بیت : در استان اصفهان و هماهنگی و انسجام مابین مؤسسات اتحادیه مؤسسات قرآنی مردمی استان اصفهان در سال ۱۳۸۶ تأسیس و با شماره ۲۱۶۴ به ثبت رسید. این اتحادیه هویت کاملاً مستقل داشته و دارای هیأت مدیره و بازرسین می باشد که از طریق نمایندگان مؤسسات قرآنی مردمی عضو این اتحادیه و با انتخاب آزاد برگزیده می شوند. به تعبیر دیگر کلیه فعالیت های قرآنی استان اصفهان از طریق این تشکل پیگیری شده و هماهنگی های لازم را در این خصوص با دستگاه ها و نهادها و اشخاص حقیقی و حقوقی بعمل می آورند.

اهم فعالیت ها :

۱- برگزاری طرح بزرگ قرآنی ۱۴۴۸ در نیمه اول سال ۱۳۹۳ با حضور بیش از ۴۷۰۰ نفر شرکت کننده در این طرح افراد شرکت کننده حفظ و مفاهیم و تفسیر موضوعی قرآن را فراگرفته و در آزمونهای تشریحی و تستی مربوطه شرکت نمودند. گفتنی است هزینه های طرح اعم از هزینه اساتید، جایزه و... توسط اتحادیه و با هماهنگی مؤسسات قرآنی و خانه های قرآنی انجام شده است.

۲- برگزاری طرح بزرگ قرآنی نورالهدی ۷ در نیمه دوم سال ۱۳۹۳ با حضور بیش از ۳۰۰ نفر شرکت کننده در این طرح افراد شرکت کننده در اجزاء ۲۱-۲۲-۲۳ و از تفسیر نمونه اثر آیت الله مکارم شیرازی و در دو رشته سه جزء (اجزاء ۲۱ و ۲۲ و ۲۳) و رشته یک جزء مربوط به ۲۱ شرکت کرده و آزمون های مربوطه را پشت سر گذاشته اند. این طرح در سراسر استان اصفهان برگزار گردید. لازم بذکر است یارانه ای از سوی اتحادیه به این طرح اختصاص یافته و در اختیار مؤسسات قرار می گیرد. ۳- برگزاری کلاسهای مربوطه در حوزه قرائت (روخوانی، روانخوانی، تجوید، صوت و لحن و...) این کلاس ها در نیمه اول سال جاری در بیش از ۱۰۰ مؤسسه و خانه قرآن و با حضور بیش از ۱۲۰۰۰ نفر برگزار گردید. در این طرح با مساعدت سازمان تبلیغات اسلامی به هر کلاس یارانه ای در جهت تأمین هزینه های استاد و جوایز پرداخت می گردد.



۴- مصاحبه، آزمون، بازدید و بازرسی از مؤسسات و خانه های قرآن در جهت تکمیل پرونده و ثبت مؤسسات فرآیند، آزمون، مصاحبه و بازدید از مؤسسات بعهده اتحادیه است که در این خصوص اقدامات لازم بعمل آمده است. ۵- برگزاری اولین دوره مسابقات قرآنی روستایی در استان اصفهان این دوره در بیش از ۵۰۰ روستا برای اولین بار در استان اصفهان در رشته های حفظ و قرائت برگزار و جوایز ارزنده ای از سوی اداره کل امور روستائی استانداری اصفهان به برندگان اهداء شد. ۶- تشکیل سایت و سامانه اطلاع رسانی جهت هماهنگی و اطلاع رسانی برنامه ها به مؤسسات قرآنی به آدرس : www.isfQuranyet.ir

و انعکاس خبرهای قرآنی به رسانه ها و پایگاه های خبری ۷- پی گیری مساعدت مالی به بیش از ۲۰۰ مؤسسه قرآنی با هماهنگی شورای توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی و همچنین شهرداری اصفهان ۸- پی گیری مساعدت مالی به بیش از ۲۰۰ خانه روستایی با هماهنگی اداره کل امور روستائی استانداری اصفهان ۹- اعطاء قرآن بصورت رایگان به خانه های قرآن روستایی ۱۰- عقد تفاهم نامه های همکاری با نهادها و سازمانها از جمله صداوسیما، دانشگاه علمی کاربردی، شهرداری و... در حوزه های قرآنی و اجرایی ۱۱- صدور بیش از ۷۰ پروانه عضویت مؤسسات قرآنی

برنامه های آتی :

۱- تهیه بانک اطلاعات جامع قرآنی استان اصفهان با همه موضوعات مطرح در حوزه های قرآنی ۲- هماهنگی با نهادهای فعال در حوزه های هنری جهت همسویی بیشتر فعالیت های قرآنی با امور هنری و استفاده از ظرفیت های حوزه هنر در اشاعه فرهنگ قرآنی از جمله اداره ارشاد، مجتمع فرهنگی هنری فرشچیان، شهرداری و... ۳- برگزاری دوره های مختلف تربیت مربی و داور در اتحادیه از قبیل دوره های تربیت مشاور، تربیت خبرنگار قرآنی، تربیت مربی سبک زندگی، دوره آشنایی با آسیب های فضای مجازی ۴- همکاری کامل با کلیه سازمان ها و ادارات و عقد تفاهم نامه همکاری قرآنی، فرهنگی با آنها



به منظور توسعه و ترویج فرهنگ قرآنی و علوم اهل بیت : در استان اصفهان و هماهنگی و انسجام مابین مؤسسات اتحادیه مؤسسات قرآنی مردمی استان اصفهان در سال ۱۳۸۶ تأسیس و به ثبت رسید.

مدیران هیئت مدیره: محمدعلی انصاری، سعید امیرموسا، سعید امیرموسا، سعید امیرموسا، سعید امیرموسا، سعید امیرموسا

به پایگاه اطلاع رسانی اتحادیه مؤسسات قرآنی مردمی استان اصفهان خوش آمدید

The Official Website Of Ettehadyeh Moasesat Qurany Mardomi Isfahan

اتحادیه مؤسسات قرآنی مردمی استان اصفهان

اطلاعه شماره ۱۱۵ (طرح شناسایی نهنگان حوزه فرهنگ و هنر و قرآن)

اشتراک فصلنامه زلال

▣ مشخصات فردی مشترک

نام :
نام خانوادگی :
تاریخ تولد :
میزان تحصیلات :
تلفن تماس (با پیش شماره شهرستان) :
کدپستی :
نشانی دقیق پستی منزل :

▣ نحوه اشتراک

واریز هزینه اشتراک یک ساله (۴شماره) (پست عادی به مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان و پست سفارشی به مبلغ ۱۱۰۰۰ تومان) به شماره حساب ۱۳۲۳۳۲۸۸۶۱ نزد بانک ملت

شیوه های اشتراک

▣ پیامک :

نام و نام خانوادگی و شناسه پرداخت را به شماره ۱۰۰۰۱۵۰۱۰۰۰۰۵۷ ارسال نمایید.

▣ ایمیل :

تصویر فرم اشتراک و فیش واریزی خود را پس از تکمیل نمودن به آدرس

Zolal.mahdgh@yahoo.com

ارسال نمایید.

▣ تماس تلفنی :

مشخصات فردی و فیش واریزی خود را از طریق تلفن ۰۳۱-۳۲۲۸۵۴۰۶ اعلام بفرمایید.

▣ نمابر :

مشخصات فردی و فیش واریزی خود را به شماره ۰۳۱-۳۲۲۸۵۴۰۶ ارسال نمایید.

▣ پست :

پس از تکمیل فرم اشتراک آن را به همراه فیش واریزی خود به نشانی :

اصفهان - خیابان سروش - چهارراه عسگریه - کوچه محمدی - پلاک ۵

دبیرخانه فصلنامه زلال - صندوق پستی ۹۳۱۱۳-۸۱۶۳۸ ارسال نمایید.

در ضمن پایگاه های بسیج و مراکز فرهنگی دارای مجوز جهت اشتراک رایگان مجله می توانند تصویر مجوز خود را همراه با آدرس و تلفن به دفتر مجله ارسال نمایند.